



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوري اسلامي افغانستان

وزارت تعصیلات عالی

ریاست پوهنتون های خصوصی

امت از دیدگاه قرآن

رساله ماستری

محصل: نورالحق (عزیزی)

استاد رهنما: دکتر فصیح الله (عبدالباقي)

سال: ۱۳۹۷ هـ.ش - ۱۴۳۹ هـ.ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

ریاست پوهنتون های خصوصی

امت از دیدگاه قرآن

رساله ماستری

محصل: نورالحق (عزیزی)

استاد رهنما: دکتور فصیح الله (عبدالباقي)

سال: ۱۳۹۷ هـ ش - ۱۴۳۹ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم نور الحق ولد عبد الهادی ID نمبر Sh-mst-95-194 محصل دور دوم تفسیر و حدیث از رساله ماستری خویش زیر عنوان: امت از دیدگاه قرآن کریم به روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۵ هـ ش موفقاته دفاع نمود، و به اساس بررسی هیأت تحکیم مستحق ۹۲ (نمره به عدد) نور و رو (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیأت تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبد الصبور فخری	عضو هیأت	
۲	دکتور عبد الباری حمیدی	عضو هیأت	
۳	دکتور فصیح الله عبد الباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

اهداء

این رساله را به روح پدرمهربانم هدیه مینمایم که در تربیت و تعلیم بنده تلاش به خرج داده و به آرزوی تحقق حاکمیت دین الهی، با تلخی ها و ناگواری های روزگار به سختی ایستادگی نموده و در مقابله با طواغیت زمان و در راه اعلاء کلمة الله جان باخت.

به روح و روان والده گرامی ام هدیه مینمایم که عمر پر بار خویش را در طاعت الهی و تربیت سالم فرزندان سپری نمود.

سپاس گزاری

سپاس فراوان الله متعال را که از نعمت هدایت و ایمان ما را بهره مند نموده و توفیق نگارش این رساله را نصیب ما فرمود.

سپاس از رهبری و دست اندرکاران محترم ریاست پوهنتون سلام و مسئولین محترم بورد ماستری که نهایت جهد و تلاش خود را در فراهم آوری زمینه های تحصیلات عالی با کیفیت و تربیت سالم فرزندان کشور به خرج داده اند.

سپاس ویژه از استاد گرانقدر و مهربان و دعوتگر بی آلایش محترم دکتور فصیح الله عبدالباقی که در عرصه نگارش این رساله ما را یاری رسانیده و راهنمایی فرمودند.

سپاس از سائر استادان مشفق و مهربان بورد ماستری پوهنتون سلام که از هیچگونه لطف و شفقت در حق ما دریغ نورزیدند.

خلاصه بحث

امت در لغت: طریقه و دین را گویند، و بیشتر از پنجاه بار در قرآن با صیغه مفرد وارد شده است، و در برگرفته معنای واحد و یا تعریف مشخص از امت نیست.

در اصطلاح، هر گروه و جمعیتی را گویند که جهت مشترکی آنها را به هم پیوند دهد: اشتراك در دین و آئین، و یا زمان و عصر واحد، یا مکان معین، خواه این وحدت، اختیاری بوده باشد و یا بدون اختیار.

امت اسلامی که الله متعال آنرا بهترین امت ها خوانده است، مسئولیت دارد، شهادتی که ادای آن را بر عهده دارد، در برابر تمام جهانیان اداء نماید.

اینک این وظیفه و مسئولیت که پس از رحلت خاتم پیامبران، بر دوش امت ایشان نهاده شده است. و الله متعال به سبب ویژگی (امر به معروف و نهي از منکر)، امت اسلامی را بهترین امت ها نامیده است؛ زیرا برای اصلاح و پیشرفت امور زندگی بشر تلاش می نمایند.

با برانگیخته شدن امت اسلامی، شرایع آسمانی به پایه اکمال رسید و کامل ترین و اصلح ترین دین جاگزین سائرادیان گردید، و مسئولیت رهبری جهان بشری به ایشان واگذار گردید، بناء، برپروان این امت است که از ویژگیهای امت خویش آگاهی داشته و از ارزش های آن محافظت نمایند.

امت اسلامی دارای ویژگیهای می باشد، که در سائرامت ها اثری از آنها دیده نمیشود، و به سبب آن، از بهترین امت ها شناخته میشود، و عمده ترین این ویژگی ها عبارتند از: وسطیت، وحدت، خیریت، جهان شمول بودن و سائر ویژگیهایی که در این رساله به آن تفصیلا اشاره شده است.

امت اسلامی با در نظر داشت ویژگیهایی که دارد، دارای مسئولیت هائی عمده هم هست، مانند:

- پیشبرد وظیفه امر به معروف و نهي از منکر، تا در جهت گسترش ارزش های اخلاقی، سلامتی جامعه و اصلاح اجتماعی، از هیچ نوع تلاشی یریغ نوززیده؛ و در این مورد هم فرد، هم خانواده و هم جامعه و امت، هر کدام در محدوده توانایی خود، بار این مسئولیت را بر دوش می گیرند.
- تلاش برای تامین وحدت و جلوگیری از تفرق امت، و این امر یکی از اموری است که بدون آن، کیان و وجود امت در خطر قرار گرفته و اکنون زیرسوال رفته است.

- قیادت جامعه بشری در سایه اسلام، بعد از آنکه مسلمانان به سبب انحطاط فکری و علمی و تقلید از مبادی جاهلیت، رهبری جهان را از دست دادند، اروپا و غرب زمام رهبری ملت ها را به دست گرفته و به سبب آن، اکنون که جهان بشریت به بحران جدی مواجه گردیده است، و هرآن امکان زوال و نابودی بشر فراهم گردیده است؛ باید راه حل معقول از این ورطه هولناک کنونی را جستجو نمود، و آن راه حل؛ تنها این امر شده میتواند که امت اسلامی دو باره قیادت جامعه بشری را بدست گرفته با منهج قوی ربانی و اصول انسانی و جهان شمول خویش، بشریت را از ورطه زوال و نابودی نجات داده و ادای مسئولیت نماید.

فهرست موضوعات

مقدمه	۵-۱
فصل اول : مفهوم امت در قرآن	
۲۰ - ۵	
مبحث اول: تعریف امت	۷
مبحث دوم: آیات وارده پیرامون موضوع امت در قرآن کریم	۱۰
فصل دوم: ویژگیهای امت اسلامی	
۲۱ - ۷۹	
مبحث اول: وسطیت	۲۲
مطلب اول : تعریف وسطیت	۲۲
مطلب دوم: مصادیق و مظاهر وسطیت	۲۸
الف: عدالت	۲۸
ب: آسان گیری	۳۰
ج: علم و حکمت	۳۳
د: استقامت	۳۵
ه: شریعت میانه و وسط	۳۶
● وسطیت در عقیده	۳۶
● وسطیت در عبادت	۳۹
● وسطیت در اخلاق	۴۲
مبحث دوم: وحدت امت	۴۵
مطلب اول: مفهوم وحدت امت	۴۶
مطلب دوم: مبانی وحدت امت	۴۸
الف: دین و عقیده	۴۹
ب: اخوت	۵۲
ج: قیادت و رهبری	۵۶
مبحث سوم: خیریت امت اسلامی	۵۷
مطلب اول: ایمان به الله متعال	۵۸
مطلب دوم: دعوت الی الله	۶۲

۶۵	مبحث چهارم: جهانی بودن امت اسلامی
۶۶	مطلب اول: آیاتی که به جهانی بودن امت دلالت دارد
۶۸	مطلب دوم: احادیثی که به جهانی بودن امت دلالت دارد
۷۰	مطلب سوم: وضعیت کنونی جهان اسلام
۷۰	الف: غربی سازی امت
۷۰	ب: پدیده جهانی شدن
۷۱	ج: ناهنجاری های اجتماعی و سیاسی
۷۲	د: استعمار
۷۴	مبحث پنجم: سائر ویژگیهای امت اسلامی

فصل سوم: مسئولیت های امت اسلامی

۸۰ - ۱۰۳

۸۱	مبحث اول: امر به معروف و نهی از منکر
۸۲	مطلب اول: ماهیت امر به معروف و نهی از منکر
۸۲	الف: معروف
۸۲	ب: منکر
۸۳	ج: اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
۸۶	مطلب دوم: حکمت مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر
۸۷	الف: نصرت مظلوم و عدم تمکین به ظالم
۸۷	ب: مقاومت و مبارزه بر ضد ظلم
۸۸	ج: پاسداری از مصالح و منافع امت
۸۹	د: تطبیق شریعت و اقامه دین
۸۹	ه: دعوت به همکاری میان ملت ها و گفتگوی تمدن ها
۹۰	و: دعوت و جهاد
۹۲	مبحث دوم: تلاش برای تامین وحدت
۹۳	مطلب اول: نصوصی که بیان امت واحده را ترسیم میکنند
۹۶	مطلب دوم: وعده های الهی مبنی بر وعده الهی بر بقاء وحدت امت
۹۶	الف: در حفظ قرآن و بقای آن
۹۶	ب: بقاء گروهی از مسلمانان که پاسداران حقیقی اسلام اند
۱۰۴	مبحث سوم: قیادت جامعه بشری در سایه اسلام
۱۰۵	مطلب اول: تعریف و مفهوم قیادت
۱۱۰	مطلب دوم: مزده هائی از کتاب و سنت مبنی بر تحقق حاکمیت حق
۱۱۰	الف: آیات قرآن

۱۱۱.....	ب: احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم
۱۱۳.....	مطلب سوم: مواصفات قیادت مسلمان
۱۱۳.....	الف: انسان های ربانی اند
۱۱۵.....	ب: از منافع مادی و شخصی بدور اند
۱۱۵.....	ج: استقامت و استواری بر هدف در مسیر دعوت دارند
۱۱۵.....	د: به علم و عبادت خالص توجه دارند
۱۱۶.....	نتیجه
۱۱۸.....	پیشنهادات
۱۲۰.....	فهارس
۱۲۰.....	الف : فهرست آیات
۱۲۸.....	ب : فهرست احادیث
۱۳۱.....	ج: فهرست اعلام
۱۳۴.....	مصادر ومراجع
۱۴۰.....	خلاصة البحث
۱۴۲.....	Summary of the Research

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.

و بعد:

ارشاد الهیست ﴿ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴾^۱ یقیناً این امت شما امت یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بترسید.

امت به معنای جماعت و یا گروهی اطلاق میگردد که در محور هدف معین و مشخصی چون دین و عقیده واحدی گرد هم آمده اند، و از ویژگی‌هایی برخوردار است که معنا و مفهومی درست به واژه امت می بخشد و مقومات آن را شکل می دهد. امت اسلامی، امت واحد است. این دیدگاه توحیدی، صرف به اعتقاد درونی و قلبی محدود نبوده، بلکه در عمل و رفتار نیز آثار آن متجلی است و دارای مبانی و معیارهایی میباشد، که امر امت را از وحدت عقیده به وحدت صف کشانده است.

امت اسلامی که الله متعال آنرا بهترین امت‌ها خوانده است، مسئولیت دارد، شهادتی که ادای آن را بر عهده دارد، در برابر تمام جهانیان اداء نماید، و حقانیت دینی را که برایشان روشن شده و یگانه راه سعادت و نجات بشریت است، مبرهن کند و حجت دین را بر جهانیان تمام کند. پیامبران الصلوات علیهم برای ادای همین شهادت فرستاده شده بودند، و ادای این شهادت بر آنان لازم بود و پس از رحلت هر پیامبری، امت او مکلف به ادای همین شهادت میشد.

اینک این وظیفه و مسئولیت به عهده امت اسلامی قرار دارد که پس از رحلت خاتم پیامبران، بر دوش ایشان نهاده شده است. الله متعال به سبب ویژگی (امر به معروف و نهي از منکر) امت اسلامی را بهترین امت‌ها نامیده است؛ زیرا برای اصلاح و پیشرفت امور زندگی بشر تلاش می نمایند و برخوردار از آن ویژگی اند و انسان مسلمان در اندیشه عمل به معروف و تشویق دیگران برای عمل به خیر است.

با نزول شریعت محمدی و برانگیخته شدن امت اسلامی، شرایع آسمانی به پایه اکمال رسید و کامل ترین دین، جاگزین سائرادیان گردید، بناء، بر پیروان این امت است تا از ویژگیهای امت خویش آگاهی داشته و به اصول آن تمسک ورزیده و از ارزش های آن محافظت نمایند و در برابر توطئه ها و تلاش هائی که بمنظور تشنیع اسلام و امت اسلامی و نادیده گرفتن مزایای امت، توسط گروه های الحادی و مجریان برنامه های کفری و مزدوران و اجیران داخلی آنها و انسان های ضعیف النفس از میان امت اسلامی جریان دارد، با متانت

^۱ - المومنون/۵۲.

و قوت، ایستادگی نموده و آنرا واضح و روشن سازند، تا امت اسلامی با مزایای که دارد، با خود بیابد و تحت تاثیر جلوه های مادی و زرق و برق تمدن میان قومی غرب قرار نگیرد، زیرا هرگاه افراد امت به ویژگیها و مزایای امت خویش آگاهی نداشته باشند، به ضعف و شکست روحی و روانی گرفتار گردیده قوت و اہمیت و عزت خود را در برابر دیگران از دست خواهند داد. ﴿ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُتَافِقِينَ لَأَيَعْلَمُونَ ﴾^۱ عزت و قدرت از آن خدا و فرستاده او و مؤمنان است، ولیکن منافقان (این را درک نمی کنند و) نمی دانند. چه زیبا میفرماید عمر رضی الله عنه : (إنا كنا أذل قوم؛ فأعزنا الله بالإسلام، فمهما نطلب العز بغير ما أعزنا الله به أذلنا الله)^۲ ما ذلیل ترین قومی بودیم و الله متعال با اسلام ما را عزت بخشید، و هر گاهی که عزت را در غیر از آنچه عزت داده شده ایم، جستجو کنیم، الله ما را ذلیل خواهد کرد. بنا، باید دانست که امت اسلامی و سائرامت ها هر گز با هم در یک مستوی قرار نمیگیرند، چنانکه مومن و کافر و مشرک با هم برابر نیستند.

تأمین وحدت میان مسلمانان، یکی از مسئولیت های عمده و اساسی امت اسلامی در حال حاضر میباشد، زیرا بدون تحقق آن، کیان و وجود امت به خطر مواجه شده و زیرسوال قرار خواهد گرفت، دشمنان امت با درک حساسیت این موضوع، جهت فروپاشی امت اسلامی از این حربه (تفرق میان امت) کار گرفتند، مسلمانان را در میان هم انداخته و به عناوین مختلف قوم، نژاد، زبان، مذهب و... از هم جدا ساختند.

اهمیت موضوع:

تحقیق پیرامون مفهوم امت با توجه به ارشادات قرآنی، دارای اهمیت بزرگی میباشد، از جمله:

- ارائه تصویری درست و واقعی از مفهوم امت، زیرا بدون معرفت و شناخت مفهوم امت، نمیتوان در این مسیر گام برداشت و ایجاد انگیزه نمود.
- درک خواسته های امت از مسلمانان در راستای ایجاد و استحکام امت واحد.
- ارائه تصویر واقعی و حقیقی از امت، که سبب ایجاد انگیزه در میان افراد امت میگردد.
- شناخت وظایف و مسئولیت ها و تکالیف و حقوق مسلمانان به عنوان عضوی از امت اسلامی و درک مزایای آن در میان سائر امت های موجود در جهان.

بنا، قرار بر آن شد، تا تحقیقی پیرامون موضوع داشته باشم و مفهوم کلمه امت، ویژگی ها و مسئولیت های امت را از منظر قرآن مورد بحث قرار دهم.

اسباب اختیار موضوع:

امت اسلامی، با وجود آن که بهترین امت ها میباشد و صلاحیت قیادت بشریت را در همه عرصه ها دارد، در بدترین شرایط و ناگوارترین حالات بصری برد، و این امر بدون شک، اسباب و عواملی دارد و قضیه بنیادین برای مسلمانان در عصر حاضر، قضیه سرنوشت امت اسلامی و حالات ناگوار کنونی حاکم در جهان است که در جهت نا مطلوب و خلاف منافع و مصالح مسلمانان در حال حرکت است، و این قضیه

^۱ - المتافقون/۸.

^۲ - الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)، العلامة المحقق السيد جعفر مرتضى العاملي، دار النشر، المركز الإسلامي للدراسات، ۱/۱۷۷.

به تحقیق پیرامون دریافت عوامل و راه حل‌هایی نیاز دارد، تا امت مسیر خویش را در جهت مثبت و تأمین مصالح‌اش ادامه دهد، بناء، این موضوع به علت موجودیت اسباب ذیل انتخاب گردید:

۱- ضرورت درک و برداشت درست از مفهوم امت و آگاهی از ویژگیها، مسئولیت‌ها و راهکارهای عملی و معقول.

۲- نیاز شدید به شناخت و تعریف امت واحده.

۳- ضرورت درک مسئولیت‌های افراد امت.

۴- ضرورت شناخت اسباب و عوامل انحطاط مسلمانان در این برهه‌ای از زمان.

۵- فراهم آوری اسباب بیداری امت و موجبات و عوامل آن.

بناء، خواستم پیرامون مفهوم امت از دیدگاه قرآن بحث خویش را انتخاب نمایم.

و با مشاوره و همکاری استادان و همکاران، به این نتیجه رسیدم تا پیرامون تحلیل و تبیین آیات قرآنی در مورد (امت) بحثی را تحت عنوان (امت از دیدگاه قرآن) تحت اشراف و راهنمایی دانشمند محترم دکتر فصیح‌الله استاد پوهنتون سلام، روی دست گیرم.

سوال‌های اصلی تحقیق:

امت در قرآن کریم به کدام معانی وارد شده است؟

ویژگیهای امت اسلامی چیست؟

اسباب برتری امت اسلامی کدام‌ها اند؟

مسئولیت‌های امت اسلامی در عصر حاضر چیست؟

عوامل انحطاط مسلمانان کدام‌ها اند؟

چگونه میتوان امت اسلامی را متحد و یک پارچه ساخت؟

مبانی وحدت امت کدام‌ها اند؟

امت اسلامی چگونه میتواند اقتدار و مجد از دست رفته خویش را اعاده کند؟

راه‌های حل معضلات موجود امت اسلامی کدام‌ها اند؟

پیشینه تحقیق:

در مورد امت به شکل پراکنده و جزئی تحقیقات زیادی انجام یافته است، و در تفاسیر قرآن کریم پیرامون آیات مبارکه که حاوی کلمه امت میباشند، تحقیقات لازم صورت گرفته است، اما تحقیق به شکل همه‌جانبه و موضوعی، که حاوی تمام آیات قرآنی مشتمل بر کلمه (امت) باشد، خصوصاً به زبان‌های ملی و در داخل کشور، تحت این عنوان و مفردات، تا اکنون به چشم نخورده است.

مواد و روش تحقیق:

رساله‌ها طبق روش‌های معمول در نهاد‌های علمی و آکادمیک، نگارش یافته و بالاخص از شیوه

های تحلیلی بیشتر استفاده بعمل آمده است.

این تحقیق، یکی از نمونه‌های تفسیر موضوعی بوده، طوریکه در ابتداء، آیاتی که پیرامون موضوع

در قرآن کریم وارد است، جمع آوری شده و از میان آنها، آیاتی که با مفهوم اصطلاحی امت مطابقت دارد،

مورد تحقیق و تفسیر مختصر قرار گرفته و سائر آیات قرآنی که مفهوم اصطلاحی موضوع در آن مراد نیست، بطور شاهد ذکر گردیده و تفسیر نگریده است.

در ترجمه آیات، احتیاط لازم در نظر گرفته شده و جهت اینکه ترجمه معنای آیات قرآن کریم کار ساده و آسان نباشد، و بنده خود را ناتوان تر از آن میدانند که بتواند حق ترجمه قرآن عظیم الشان، کلام الهی و معجزه پیامبر آخرین را اداء کرده بتواند، بناء، شخصا از ترجمه آیات اباء ورزیده و از میان ترجمه های ارائه شده در این اواخر، از ترجمه مصطفی (خرم دل) که تقریبا پذیرفته شده در میان حلقات علمی و اکادمیک میباشد، و بصورت بسیار دقیق، جامع و علمی صورت گرفته است، مورد استفاده قرار داده ام. تلاش بعمل آمده تا احادیث وارده تخریح گردد، و در تخریح احادیث از اختصار غیرمخل کار گرفته شده است. به قدر امکان اعلام و اماکن در پاورقی بصورت مختصر به معرفی گرفته شده است.

اهداف تحقیق:

- این تحقیق طوریکه از عنوان آن دانسته میشود، روی تحقق چند هدف عمده و اساسی می چرخد:
- ۱- تبیین و ریشه یابی کلمه امت از حیث لغت و اصطلاح، با مراجعه به کتب معتمد لغت.
 - ۲- شرح و تفسیر آیات قرآن که کلمه (امت با مفهوم مصطلح) در آن وارد گردیده است.
 - ۳- بیان تصویر واضح از امت وسط.
 - ۴- بیان ویژگیهای امت اسلامی در روشنی آیات قرآن و دیدگاه های مفسرین و علمای امت.
 - ۵- بیان مسئولیت های امت اسلامی با در نظر داشت ویژگیهای ممتاز و منحصر به فرد آن.
 - ۶- بیان شایستگی ها و صلاحیت های مادی و معنوی امت اسلامی برای قیادت جامعه بشری، با ارائه دلایل و واقعیت های عینی، در روشنی نصوص شرعی.
 - ۷- بیان امکانات موجود در دسترس امت اسلامی اعم از وسایل مادی و توانائی ها و امتیازات معنوی.
 - ۸- تشخیص اولویت های که جهت وحدت امت و درک و شناخت مسئولیت های افراد باید در نظر گرفته شود.

مشکلات تحقیق:

مشکلات عدیده ای فرا راه انجام تحقیقات علمی در کشور بصورت عام وجود دارد، و اما آنچه بنده حین انجام تحقیق هذا بصورت خاص به آن مواجه شدم، و عمده ترین آنها قرار ذیل برشمرده میشود:

- ۱- نبود امکانات و وسایل کافی برای تحقیقات علمی.
- ۲- عدم دسترسی به منابع و مآخذ علمی بطور کافی در کشور که جوابگوی همه نیازمندی ها باشد.
- ۳- مصروفیت های بیش از حد و عدم وقت کافی برای انجام تحقیقات علمی.
- ۴- ناملائمات زندگی و اوضاع و احوال نابسامان داخلی.

خطه و پلان تحقیق:

مفردات این بحث، در تمهید، مقدمه، سه فصل، نتیجه گیری، پیشنهادات و ارائه فهرس، ترتیب گردیده و حاوی مطالب و عنوان ذیل میباشد:

مقدمه

فصل اول : مفهوم امت در قرآن

مبحث اول: تعریف امت

مبحث دوم: ذکر آیات وارده پیرامون موضوع (امت) در قرآن کریم

فصل دوم: ویژگیهای امت اسلامی

مبحث اول: وسطیت

مبحث دوم: وحدت

مبحث سوم: خیریت

مبحث چهارم: جهانی بودن

مبحث پنجم: سائر ویژگیهای امت اسلامی

فصل سوم: مسئولیت های امت اسلامی

مبحث اول: امر به معروف و نهی از منکر

مبحث دوم: تلاش برای تامین وحدت

مبحث سوم: قیادت جامعه بشری در سایه اسلام

نتیجه

پیشنهادات

فهرست ها

الله متعال این جهد و تلاش ناچیز بنده را در جهت تبیین مفهوم، ویژگیها، جایگاه و رسالت امت اسلامی قبول و منظور فرماید. آمین یارب العالمین.

نورالحق (عزیزی)

۱۵/۱۱/۱۳۹۷ خورشیدی

مطابق با ۵ فروری ۲۰۱۹ میلادی



فصل اول

مفهوم امت در قرآن

این فصل شامل مباحث ذیل میباشد:

مبحث اول: تعریف امت

مبحث دوم: آیات وارده پیرامون موضوع (امت) در قرآن کریم

مبحث اول تعریف امت

کلمه امت پنجاه و دو بار در قرآن با صیغه مفرد وارد شده است، لفظ (امت) در آیات قرآن کریم در برگیرنده معنای واحد و یا تعریف مشخص از امت نیست، و این امر عجیب نیست، زیرا اشتراک لفظی در همه لغات، و همچنان اشتراک در میان معانی حقیقی و معنای مجازی، امر معمول است. امت در لغت: طریقه و دین را گویند، گفته میشود: (فَلَانٌ لَا أُمَّةَ لَهُ) یعنی: فلان دین و کیشی ندارد.^۱

در فرهنگ معین آمده است: واژه (امت) از ریشه (أُمَّ) بمعنی: پیروان و گروه آمده و جمع آن: (امم) است.^۲

امت در لغت بمعنای زیادی آمده است، و مشهورترین آن عبارتست از:

۱- گروه و قوم، در لسان العرب آمده است: (و أمة الرجل: قومه) یعنی: امت يك شخص بمعني قوم وي است. امت یعنی: جماعت، و لفظ (امت) مفرد و معنای آن جمع است، و جمع آن (امم) میباشد: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾^۳ (ای پیغمبر! ناراحت مباش که پیغمبران زیادی را) ما به سوی ملتتهائی که پیش از تو بوده‌اند گسیل داشته‌ایم (و هنگامی که علم طغیان برافراشته و سرپیچی ورزیده اند) آنان را به سختیها و زیانها گرفتار و به شدائد و بلاها دچار ساخته‌ایم تا بلکه خشوع و خضوع نمایند (و توبه کنند و به سوی خدای خود برگردند).^۴

این معنی در تعریف امت در لسان انگلیسی و فرانسوی (NATION) با اختلاف تلفظ آمده است.

^۱ - الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، إسماعيل بن حماد الجوهري، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، الناشر: دار العلم للملايين بيروت، الطبعة: الرابعة ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م، ٥/١٨٦٤.

^۲ - فرهنگ معین، دکتر محمد معین، چاپ اول ۱۳۸۲، چاپ گلرنگ یکتا، مرکز پخش آرمان نو/ ۲۷۶.

^۳ - الأنعام/ ٤٢.

^۴ - لسان العرب، الامام جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور الافريقي المصري، نشر أدب الحوزة قم - ایران ١٤٠٥ هـ ١٣٦٣ ق، ٥١/٦.

۲- امام و پیشوای که نظیری ندارد و به او اقتداء میشود و یا کسیکه خیر را تعلیم میدهد^۱ ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۲ ابراهیم (که شما مشرکان و شما یهودیان بدو می‌نازید) پیشوائی بود (جامع همه فضائل اخلاقی) و مطیع (فرمان الهی) و حَقَّکَرای (بیزار از باطل و کناره‌گیر از بدیها) و او از زمره مشرکان (چون شما) نبوده است .

۳- مدت زمان: ﴿وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾^۳ . و کسی که از آن دو نفر نجات پیدا کرده بود بعد از مدتها به یاد آورد (و) گفت: (من شما را از تعبیر آن باخبر می‌کنم، مرا بفرستید. یعنی وصیت یوسف را بعد مدت زمانی، یا بعد از فراموشی بیاد آورد.

۴- کلمه (امت) در قرآن کریم بمعنی جماعتی از انسان‌ها در زمان و مکان معین؛ و بمعنی: گروهی از مخلوقات الهی نیز آمده است: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ﴾^۴ (یکی از دلائل قوی قدرت خدا و حکمت و رحمتش این است که او همه چیز را آفریده است) و هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند وجود ندارد مگر این که گروههائی همچون شمایند (و هر یک دارای خصائص و تمیزات و نظام حیات خاص خود می‌باشند) .
امت در اصل از ماده (ام) اشتقاق گردیده و به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد، و به همین جهت، (امت) به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آنها باشد، گفته می‌شود؛ خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام باشد، بنابراین، به اشخاص متفرق و پراکنده امت گفته نمی‌شود^۵.

در حدیثی وارد است: ﴿ لا تزال عصابة من أمتي يقاتلون علي أمر الله قاهرين لعدوهم لا يضرهم من خالفهم حتى تأتيهم الساعة وهم على ذلك ﴾^۶ گروهی از امت همواره براساس دین خدا مبارزه کرده و مخالفان نمی‌توانند ایشان را به زانو در آورند و تاقیامت این چنین خواهند بود. زیرا ممکن است مراد از (عصابة) که بمعنی گروه‌های متعدد مؤمنان همچون: فرماندهان، فقهاء، محدثین، مفسرین و ... باشند، و لازم نیست همه آنان در یک منطقه سکونت داشته باشند، بلکه امکان دارد، در نقاط مختلف جهان اسلام پراکنده باشند.

امت در اصطلاح: راغب در مفردات می‌گوید: (والأمة: كل جماعة يجمعهم أمر ما إما دين واحد، أو زمان واحد، أو مكان واحد سواء كان ذلك الأمر الجامع تسخيرا أو اختيارا، وجمعها: أمم.)^۷

^۱ - لسان العرب، ابی الفضل جمال الدین مد بن مکرم ابن منظور الافریقی المصری، ۶/۵۰.

^۲ - النحل/ ۱۲۰.

^۳ - یوسف/ ۴۵.

^۴ - الأنعام/ ۳۸.

^۵ - تفسیرمخونه، شیرازی، آیت الله مکارم و همکاران، ۱۳۸۱هـ، چاپخانه امیرالمؤمنین، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱/۴۸۷.

^۶ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، محمد بن فتوح الحمیدی، عدد الأجزاء / ۴، دار النشر / دار ابن حزم، لبنان/ بیروت - ۱۴۲۳هـ - ۲۰۰۲م، الطبعة: الثانية، ۳/۳۵۰.

^۷ - مفردات ألفاظ القرآن، الحسین بن محمد بن المفضل المعروف بالرأغب الأصفهانی أبو القاسم، ۴۲/۱.

امت به معنی هر گروه و جمعیتی است که جهت مشترکی آنها را به هم پیوند دهد: دین و آئین، و یا زمان و عصر واحد، یا مکان معین، خواه این وحدت، اختیاری بوده باشد و یا بدون اختیار (به اساس قوانین تکوینی الله متعال) بوده باشد.

با ملاحظه جمله تعاریفی که از (امت) ارائه گردید، این تعریف جامع تر و معقول تر بوده و چنین ارائه می‌گردد: امت متشکل از یک تعداد افرادی است که رابطه خاصی با هم داشته و تمام آنها را چنان وحدت و هماهنگی می‌بخشد که گویا اعضای یک بدن واحد اند. و هر فرد امت اسلامی اراده ساختن چنین امتی را داشته و بخاطر ایجاد آن باید دست بکار شود.

تفاوت میان امت و جماعت: قول اصح اینست که کلمه امت نسبت به کلمه جماعت، که از یک تعداد افراد بوجود می‌آید، خاص تر می‌باشد. امت متشکل از یک تعداد افرادی است که رابطه خاصی با هم داشته و تمام آنها را چنان وحدت و هماهنگی می‌بخشد که گویا اعضای یک بدن واحد اند. مصطلحات دیگری که در برخی موارد، مرادف کلمه (امت) استعمال می‌گردد، که بدون شک، از لحاظ لغت و اصطلاح، باهم متفاوت هم می‌باشند، قرارذیل است:

۱- دولت: امت قدیمی تر از دولت می‌باشد، و اصطلاح دولت قبل از تاریخ مدون وجود نداشته است، برخلاف امت که قبلاً وجود داشته است. بناء امت بالای جماعت و گروهی بزرگی از انسان ها اطلاق می‌گردد، که دارای اصل و نسب واحد، زبان و تاریخ مشترک و مصالح بزرگ؛ و جغرافیا و تاریخ واحد در سرزمین معین، طی قرن های متمادی می‌باشد. اما دولت عبارت از تشکل قانونی است که دارای عناصر سه گانه: رعیت؛ سرزمین و سلطه سیاسی می‌باشد. به تعبیر دیگر: امت موجود زنده در طول زمان ها و دولت تشکل قانونی را گویند که واقعیت زمان آن را اقتضاء میکند.^۱

۲- جماعت: کلمه امت نسبت به کلمه جماعت، که از یک تعداد افراد بوجود می‌آید، خاص تر می‌باشد. امت متشکل از یک تعداد افرادی است که رابطه خاصی با هم داشته و تمام آنها را وحدت و هماهنگی می‌بخشد.

۳- ملت: بمعنی دین است، و دین عبارت از شرع الهی برای بندگان است که به زبان انبیاء بیان می‌گردد.^۲



^۱ - الأمة الوسط والمنهاج النبوي في الدعوة إلى الله، عبد الله بن عبد المحسن التركي، الطبعة: الأولى، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، المملكة العربية السعودية، تاريخ النشر: ۱۴۱۸هـ، الصفحة / ۱۴.

^۲ - مفردات ألفاظ القرآن، الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني، ۳۸۳/۲.

مبحث دوم

آیات وارده پیرامون موضوع (امت) در قرآن کریم

کلمه (امت) در قرآن کریم در موارد مختلف وارد گردیده است، از جمله:

۱- ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱ ایشان قومی بودند که مردند و سر خود گرفتند. آنچه به جنگ آوردند متعلق به خودشان است، و آنچه شما فراچنگ آورده‌اید، از آن شما است، و درباره آنچه می‌کرده‌اند از شما پرسیده نمی‌شود (و هیچ کس مسئول اعمال دیگری نیست و کسی را به گناه دیگری نمی‌گیرند).

۲- ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲ ایشان قومی بودند که مردند و سر خود گرفتند. آنچه به جنگ آوردند متعلق به خودشان است، و آنچه شما فراچنگ آورده‌اید، از آن شما است، و درباره آنچه می‌کرده‌اند از شما پرسیده نمی‌شود (و هیچ کس مسئول اعمال دیگری نیست و کسی را به گناه دیگری نمی‌گیرند).

کلمه امت در این دو آیه مبارکه بمعنی جماعت یا گروه آمده است، امام أبو جعفر طبری می‌گوید: (و قد بینا فیما مضی أن (الأمة الجماعة) قبلا اشاره کردیم که امت بمعنی جماعت است.^۳ و معنی آیه مبارکه بنا بر قول امام طبری رح چنین میشود: به یهود و نصاری که با تو در باره الله متعال مجادله میکنند، بگو: اگر شما شهادت حق در مورد ابراهیم علیه السلام را کتمان میکنید، مسلما ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط امت‌های بودند که منقرض شدند و بسوی پروردگارشان شتافتند، و با اعمال و آرزوهای شان رفتند، آنچه کردند و انجام دادند به پاداش و یا جزای آن نائل شدند، شما از آنها پرسیده نمیشوید، بلکه از نتایج بد اعمال و جنایات تان پاسخگو میباشید.

۳- ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى

^۱ - البقره/۱۳۴.

^۲ - البقره/۱۴۱.

^۳ - جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ۳۱۰هـ)، تحقيق: أحمد محمد شاکر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰ م ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰ م، ۳/۱۲۸.

الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ^۱ و بی گمان شما را ملت میانه روی کرده ایم (نه در دین افراط و غلوی می ورزید و نه در آن تفريط و تعطیلی می شناسید . حق روح و حق جسم را مراعات می دارید و آمیزه ای از حیوان و فرشته اید) تا گواهی بر مردم باشید (و بر تفريط مادیگرایان لذائد جسمانی طلب و روحانیت باخته ، و بر افراط تارکان دنیا و ترك لذائد جسمانی کرده ، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشاهده نمائید) و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانچه دسته ای از شما راه او گیرد ، و یا گروهی از شما از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود ، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجّت و گواه باشد) . و ما قبله ای را که بر آن بوده ای (و تا کنون به سوی آن نماز خوانده ای و هم اینک فرمان رو کردن به جهت کعبه صادره شده است) قبله نموده بودیم مگر این که بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می نماید و چه کسی بر پاشنه های خود می چرخد (و به عقب بر می گردد تا صف ثابت قدمان بر ایمان ، و فرصت طلبان بی ایمان از هم روشن و جدا شود) . و اگرچه (تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته است بدان رو کند) بس بزرگ و دشوار است مگر بر کسانی که خدا ایشان را رهنمون کرده باشد (به احکام دین و راز قانونگذاری و بداند که هدف از رو کردن به این سو یا آن سو اطاعت فرمان خدا است نه به خاطر تقدّس خود جهات) و خدا ایمان شما را (که انگیزه پیروی از پیغمبر است) ضایع نمی گرداند (و اجر و پاداش عبادات قبلی شما را هدر نمی دهد ، چه) بی گمان خدا نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است .

امام أبو جعفر طبری در تفسیر آیه مبارکه میفرماید: همانطوریکه شما را با بعثت محمد ﷺ و با آنچه به وی نازل گردیده است، هدایت نمودیم و شما را به قبله ابراهیم و ملت وی اختصاص دادیم، همچنان شما را بالای دیگر امت ها از اهل ملل و ادیان، برتری دادیم که شما را امت وسط گردانیدیم.^۲

۴- ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۳ مردمان (برابر فطرت در آغاز از نظر اندیشه و صورت اجتماعی يك گونه و) يك دسته بودند . (كم كم دوره صرف فطري به پایان رسید و جوامع و طبقات پدید آمدند و بنا به استعدادهاي عقلي و شرائط اجتماعی، اختلافات و تضادهائي به وجود آمد و مرحله بلوغ و بيداري بشریت فرا رسید) پس خداوند پیغمبران را برانگیخت تا (مردمان را به بھشت و دوزخ) بشارت دهند و بترسانند . و کتاب (آسمانی) که مشتمل بر حق بود و به سوی حقیقت (و عدالت) دعوت می کرد، بر آنان نازل کرد تا در میان مردمان راجع بدانچه اختلاف می ورزیدند داوری کند (و بدین وسیله مرحله نبوت فرا رسید . آن گاه) در (مطالب و حقایق) کتاب (آسمانی) تنها کسانی اختلاف ورزیدند که در

^۱ - البقره/۱۴۳ .

^۲ - جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير الطبري، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ۳/۱۴۱ .

^۳ - البقره/۲۱۳ .

دسترستان قرار داده شده بود و به دنبال دریافت دلایل روشن، از روی ستمگری و کینه‌توزی (و خودخواهی و هواپرستی، در پذیرش و فهم و ابلاغ و اجرا کتاب) اختلاف نمودند (و مرحله اختلاف در دین و ظهور دینداران و دین‌سازان حرفه‌ای فرا رسید و زمینه بروز و سلطه طاغوت فراهم شد) . پس خداوند کسانی را که ایمان آورده بودند، با اجازه خویش (که مایه رشد فکری و ایمان پاک و زمینه رستن از انگیزه‌های نفسانی و تمسک کامل به کتاب آسمانی است) به آنچه که حق بود و در آن اختلاف ورزیده بودند، رهنمون شد، و خداوند هر کسی را که بخواهد به راه راست (که همان راه حق است) رهنمود می‌نماید (تا حق را از میان انحرافها و اختلافها دریابند، و مرحله برگشت به دین راستین و حاکمیت کتاب و شریعت فرا رسد) .

امام طبری در تفسر آیه مبارکه مینویسد: (و أصل الأمة الجماعة تجتمع علی دین واحد، ثم یکنفی بالخبر عن الأمة من الخبر عن الدین، لدلالتها علیه، كما قال جل ثناؤه: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾^۱، یراد به أهل دین واحد وملة واحدة. فوجه ابن عباس فی تأویل قوله: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ إلى أن الناس كانوا أهل دین واحد حتی اختلفوا.)

کلمه امت در این آیات مبارکه ذکر شده، بمعنی (جماعت و گروهی که دارای دین واحد باشند)، تعبیر گردیده است، که میتوان آنرا بمعنی (دین) تفسیر کرد. طوریکه الله متعال میفرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾^۲ و مراد از (امت واحده) در این آیه مبارکه، اهل دین واحد و ملت واحد آمده که ابن عباس رضی الله عنه نیز در تفسیر این آیه مبارکه (امت واحده) را بمعنی اهل دین واحد تفسیر نموده است.^۳

۵- ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۴ باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارند .

۶- ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۵ شما بهترین امتی هستید که برای (سود) مردم آفریده شده اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند بر ایشان بهتر بود، تعداد کمی از آنها با ایمان هستند و بیشترشان فاسق اند.

کلمه امت در این آیه مبارکه بمعنی معروف آن یعنی: (جماعت) بوده و مراد از آن، امت رسول الله ﷺ میباشد.

^۱ - المائدة/۴۸ .

^۲ - المائدة/۴۸ .

^۳ - جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ۴/۲۷۶ .

^۴ - آل عمران / ۱۰۴ .

^۵ - آل عمران / ۱۱۰ .

ابن عباس، عمر بن الخطاب و عكرمه رضی الله عنهم و سائرین، این آیه را به صحابه خاص نموده و یا حتی به مهاجرین و بعضا به انصار اختصاص داده اند، اما امام ابو جعفر طبری میگوید: بهترین نظر و قول، سخن حسن رضی الله عنه است که میگوید: رسول الله ﷺ در این مورد فرموده اند: ﴿أَلَا إِنَّكُمْ وَفِيْتُمْ سَبْعِينَ أُمَّةً، أَنْتُمْ آخِرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ﴾^۱ شما هفتاد امت را تکمیل نمودید و شما آخرین امت ها و مكرم ترين آنها میباشید. و در روایتی نیز فرموده اند: ﴿أَنْتُمْ تَتَمُّونَ سَبْعِينَ أُمَّةً، أَنْتُمْ خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ﴾. یعنی: شما هفتاد امت را پوره کردید و شما بهترین و اکرم آنها هستید.^۲ ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾^۳ چگونه خواهد بود آنگاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را به عنوان گواه بر اینان بیاوریم؟.

در تفسیر این آیه مبارکه اقوال و دیدگاه های متفاوت از مفسرین کرام نقل گردیده است، از جمله این اقوال ابی زهره در تفسیر زهرة التفاسیر چنین میگوید: (أن المشار إليهم في النص الكريم هم أمة محمد صلى الله عليه وسلم، وهي أكثر الأمم عددا؛ لأن محمدا صلى الله عليه وسلم أكثر الأنبياء تابعا؛ إذ دينه لم يحرف ولم يبدل، فقد حفظت أصوله في القرآن الكريم، و هو نور الله تعالى الباقي إلى يوم القيامة، كما قال تعالى: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۴ وإن الكثيرين على الأول، لأن النبي صلى الله عليه وسلم شهداتان إحداهما شهادته للرسالات السابقة بالصدق والبيان، وقد اطلع على هذه الشهادة المسلمون ببيان القرآن، والثانية شهادته على أمته، و قد جمع الشهادتين قوله تعالى: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾، وإن تلك منزلة عالية للنبي صلى الله عليه وسلم. در آیه مبارکه اشاره است به امت محمد ﷺ که بیشترین امت ها از حیث عدد بوده و دین آنها به اساس تضمین الهی تحریف نیافته و بحیث نور درخشنده الی روز قیامت باقی و جاویدان خواهد بود. ارشاد الهیست: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

برخی به این نظراند که رسول الله ﷺ را دو نوع گواهی و شهادت وجود دارد: اول شهادت به رسالت های سابقه با تصدیق و بیان؛ و دوم: شهادت ایشان بالای امت شان، و هردو شهادتین در این آیه مبارکه جمع گردیده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ که به منزلت علی رسول الله ﷺ دلالت دارد.

۷- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۶ و کسانی را ناسزا نگوئید که غیر از خدا را به فریاد می خوانند، تا آنان تجاوز کارانه و از روی نادانی خدا را دشنام ندهند، این چنین برای هر ملت و هر

^۱ - محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمي، الجامع الصحیح سنن الترمذی، ۲۲۶/۵. ترمذی آن را حسن گفته و آلبانی نیز آن را درجه (حسن) داده است.

^۲ - جامع البیان فی تأویل القرآن، محمد بن جریر أبو جعفر الطبری، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ۱۰۴/۷.

^۳ - النساء / ۴۱.

^۴ - الحجر / ۹.

^۵ - زهرة التفاسیر، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة، دار النشر: دار الفكر العربي، عدد الأجزاء: ۱۰، ۱۶۸۸/۲.

^۶ - الانعام / ۱۰۸.

گروهی کارهایشان را آراسته ایم، سپس بازگشت شان به سوی پروردگارشان است و آنگاه آنان را از آنچه که می کردند آگاه می سازد.

ابو زهره در تفسیر جمله: ﴿كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ﴾ میگوید: (ترئین الله متعال طبق سنت الهی در مخلوقات صورت میگیرد، و این امر مایه رضایت او تعالی و تبریر عامل آن عمل نمی گردد، و هدف از بیان الله متعال، ذکر قوانین حاکم و سنت الهی در موجودات و بیان اینکه الله متعال در مورد ثواب و عقاب بندگان، آنچه انجام میدهد، فاعل مختار میباشد، است، نه بیان ثواب و یا عقاب و تکلیف.)^۱ لذا میفرماید: ﴿ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.^۲ سپس بازگشت شان به سوی پروردگارشان است و آنگاه آنان را از آنچه که می کردند آگاه می سازد.

۸- ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾^۳ و مردم جز یک ملت نبودند، پس اختلاف کردند، و اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود، حتماً میانشان بر سر آنچه در آن اختلاف می ورزند داوری می شد.

۱۰- ﴿وَكَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَلْتَلَوْا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ﴾^۴ بدین گونه تو را به میان امتی فرستادیم که امتهای فراوانی پیش از آن آمده و رفته اند، تا آنچه را به تو وحی کرده ایم بر آنان هر چند که منکر خداوند مهربانند بخوانند. بگو: خداوند پروردگار من است، جز او معبود به حقی نیست، بر او توکل نموده ام و باز گشت من به سوی اوست.

ابن کثیر در تفسیر این آیه مبارکه میگوید: (يَقُولُ تَعَالَى: وَكَمَا أَرْسَلْنَاكَ يَا مُحَمَّدُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ: ﴿لِتَلْتَلَوْا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ﴾ أي: تبليغهم رسالة الله إليهم، كذلك أرسلنا في الأمم الماضية الكافرة بالله، وقد كذب الرسل من قبلك، فللك بهم أسوة، وكما أوقعنا بأسنا ونقمنا بأولئك، فليحذر هؤلاء من حلول النقم بهم، فإن تكذبتهم لك أشد من تكذيب غيرك من المرسلين، قال الله تعالى: ﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَرَيْنَ لَهُمْ لَشَيْطَانٌ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۵

همانطوریکه ترا در این امت برانگیختیم تا وحی الهی را بر آنها تلاوت نمائی، و رسالت الهی را برسانی، به همین طور، میان امت های قبلی که کافر بودند پیامبران را فرستادیم، و انبیاء را تکذیب کردند، پس پیامبران را اسوه و الگو قرار بده، و همانطوریکه عذاب خود را بالای امت های قبلی نازل کردم، اینها نیز از عذاب الهی باید برحذر باشند، زیرا تکذیب قوم تو سخت تر و شدید تر نسبت به تکذیب امت های قبلی پیامبران شان را میباشد.

^۱ - زهرة التفاسیر، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة، ۲۶۲۶/۵.

^۲ - الانعام / ۱۰۸.

^۳ - یونس / ۱۹.

^۴ - الرعد / ۳۰.

^۵ - النحل / ۶۳.

۱۱ - ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾^۱ و روزی که در میان هر امتی گواهی از خودشان بر آنان بر می انگیزیم و تو را بر اینان گواه می گیریم، و کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و وسیله هدایت و مایه رحمت و مژده رسان مسلمانان است.

۱۲ - ﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾^۲ و (در آن روز) از هر امتی گواهی بیرون می کشیم، آنگاه می گوئیم: دلیل خود را بیاورید. پس می دانند که حق با خداوند است، و آنچه که به هم می بافتند از ایشان گم و ناپدید می شود.

شیخ ابو زهره در تفسیر ﴿وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ﴾ مینویسد:

والنبي صلى الله عليه وسلم شهيد على كل الرسل، لأن رسالته هي الكاملة، وهي المتضمنة لكل الرسالات الإلهية كلها، فالإسلام دين الله، وهو دين النبيين أجمعين، وهو خاتم الرسالات كلها. وتدل بهذا الجمع بين الماضي والمستقبل بأن الله تعالى يبعث مع كل أمة يوم القيامة شهيداً عليها بأنه أدى الرسالة وشهيدا لمن آمن واتقى، وشاهداً على من كفر وعصى.^۳ رسول الله صلى الله عليه وسلم گواه بر همه انبیاء علیهم السلام میباشد، زیرا رسالت ایشان کامل و متضمن همه رسالات الهی میباشد و اسلام دین الله متعال و دین همه انبیاء میباشد و ایشان خاتم النبيين اند، و اینکه بین دو صیغه ماضی و مضارع در این جمله جمع بعمل آمده دلالت میکند بر اینکه الله متعال با هر امتی گواه و شاهدهی را بر می انگیزد که گواهی دهد بر رسانیدن رسالت ایشان و نیز گواه باشد بر همه کسانی که ایمان آورده و تقوی را اختیار نموده اند، و یا کفر و نافرمانی را برگزیده اند.

۱۳ - ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۴ به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع و علاقه مند به توحید بود و از مشرکان نبود.

ابن عطیه الاندلسی در تفسیر آیه مبارکه میگوید: (وَأُمَّةً لَفْظَةً مَشْرُوكَةً تَقَعُ لِلْعَيْنِ وَالْقَامَةِ وَالْجَمْعِ الْكَثِيرِ مِنَ النَّاسِ، ثُمَّ يَشَبِّهُهُ الرَّجُلُ الْعَالِمُ أَوْ الْمَلِكُ أَوْ الْمُنْفَرِدُ بِطَرِيقَةٍ وَحْدَهُ بِالنَّاسِ الْكَثِيرِ فَيَسْمَى أُمَّةً، وَ عَلَى هَذَا الْوَجْهِ سَمِيَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً).^۵ امت لفظ مشترک است که برای عین و قامت و جماعت زیاد از مردم اطلاق میگردد، و به شخص عالم و یا حاکم و شخصی که بر خلاف سائرین آئینی را برای خود بصورت منفردانه انتخاب کرده باشد، نیز اطلاق گردیده است، و به لفظ (امت) از او تعبیر میگردد، و کلمه (امت) به این اساس، بالای ابراهیم علیه السلام اطلاق گردیده است.

^۱ - النحل / ۸۹.

^۲ - القصص / ۷۵.

^۳ - زهرة التفاسیر، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة ۴۲۴۷/۸.

^۴ - النحل / ۱۲۰.

^۵ - المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي الحاربي، المحقق: عبد السلام عبد الشافي

محمد، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۲۲ هـ، ۳/۴۳۰.

۱۴- ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾^۱ همانا این است امت شما که امت یگانه

ای است، و من پروردگار شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید.

قشیری در تفسیر آیه مبارکه میگوید:

(معبودکم واحد، و نبیکم واحد، و شرعکم واحد فأنتم فی الأصول شرع سواء، فلا تسلكوا ثنیات الطرق فتنطیحوا فی أودیة الضلالة. و علیکم باتباع سلفکم، واحذروا موافقة ابتداع خلفکم.)^۲

معبودتان یکی و نبی تان یکی و شرع تان یگان است، پس شما در اصول شرع با هم یکی هستید، و راه های دوگانه را پیروی نکنید، تا در وادی های گمراهی غرق نشوید و بر شماست پیروی از سلف تان و از موافقت با ابتداع جانشین واپسین تان برحذر باشید.

در این تفسیر کلمه امت بمعنی دین و شریعت آمده است.

از مجموع این آیات که کلمه امت در موارد مختلف ذکر گردیده است، با در نظر داشت مورد آیه و سیاق و سباق جمله، معانی مختلف و مشابهی را با خود حمل میکند، و تفاسیر متعددی از آن صورت گرفته است، که مختصراً به آن اشاراتی بعمل آمده و دیدگاه مفسرین پیرامون آن بیان گردید. و علاوه بر آن، در آیات متعدد دیگری که تعداد آنها به سی آیه میرسد، نیز این کلمه وارد شده است؛ و چونکه معنی مطلوب را که ما در صدد تفسیر و تبیین معنی آن هستیم، افاده نمی کرد، از ذکر تفسیر و بیان دیدگاه علماء و مفسرین پیرامون آن صرف نظر نمودیم. و آن آیات را اینک بعنوان شاهد متذکر میشویم:

آیاتی که کلمه (امت) در آن وارد گردیده است، از جمله:

۱- ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾^۳ آنان همه

یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی پابرجا هستند و در بخش هایی از شب به نماز ایستاده و آیات خدا را می خوانند.

۲- ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً

وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾^۴ و ما این کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که ملازم حق، و تصدیق کننده کتابهای پیشین، و مشتمل بر چیزهایی است که کتابهای گذشته دربر داشته اند، پس برابر آنچه خدا نازل کرده است میان آنان داوری کن، و از خواست هایشان پیروی مکن، و از حق و حقیقتی که برای تو آمده است روی مگردان. برای هر یک از شما شریعت و برنامه ای قرار داده ایم. و اگر خداوند می خواست همه شما را یک امت می نمود ولی (خواست) تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس به سوی

^۱ - المومنون / ۵۲.

^۲ - لطائف الإشارات = تفسیر القشیری، عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملک القشیری، المحقق: إبراهيم البسيوني، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، الطبعة: الثالثة، ۵۷۷/۲.

^۳ - آل عمران / ۱۱۳.

^۴ - المائدة / ۴۸.

نیکی ها بشتابید. بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را در رابطه با آنچه که در آن اختلاف می ورزیدید آگاه می سازد.

۳- ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾^۱ و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه بر آنان از جانب پروردگارشان نازل شده است عمل کنند، از بالای سرشان و از زیر پاهایشان روزی می خورند، گروهی از آنان عادل و میانه روند و بسیاری از آنها بدترین کار را می کنند.

۴- ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۲ و برای هر گروهی مدت زمانی است، پس هرگاه مدت آن فرا رسد نه لحظه ای از آن تأخیر خواهند کرد و نه لحظه ای پیشی می گیرند.

۵- ﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۳ می فرماید: به همراه گروه هایی از انسان ها و جن ها که پیش از شما رفته اند وارد جهنم شوید، هر قوت گروهی وارد آتش شود هم جنس خود را نفرین می کند، تا اینکه همه در آن گرد می آیند، آن وقت پیروان به پیشینیان خود می گویند: پروردگارا! اینها ما را گمراه کردند، پس به آنان عذابی دو برابر از آتش بده. خداوند می فرماید: برای هر یک عذاب دو چندان است اما شما نمی دانید.

۶- ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾^۴ و از (میان) قوم موسی گروهی است که به حق راهنمایی می نمایند و با آن دادگری می کنند.

۷- ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْرِفَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ وَعَلَّاهُمْ يَتَّقُونَ﴾^۵ و به یادآور آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا قومی را پند می دهید که خداوند آنها را نابود می کند یا به آنان عذاب سختی می دهد؟ گفتند: تا پیش پروردگارتان معذور باشیم و باشد که آنها پرهیزگار شوند.

۸- ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾^۶ و از جمله کسانی که آفریده ایم گروهی هستند که به حق راهنمایی می کنند و با آن دادگری می نمایند.

۹- ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾^۷ و مردم جز یک ملت نبودند، پس اختلاف کردند، و اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود، حتماً میانشان بر سر آنچه در آن اختلاف می ورزند داوری می شد.

۱- المائدة / ۶۶.

۲- الاعراف / ۳۴.

۳- الاعراف / ۳۸.

۴- الاعراف / ۱۵۹.

۵- الاعراف / ۱۶۴.

۶- یونس / ۴۹.

۷- یونس / ۱۹.

۱۰- ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۱ و هر امتی دارای پیامبری است، پس هرگاه پیامبرشان آید به دادگری در میانشان داوری می شود، و هیچ ستمی بدیشان نمی شود.

۱۱- ﴿..أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لِيَقُولُوا مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۲ و اگر عذاب را تا مدت زمان محدودی به تأخیر اندازیم، می گویند: چه چیز آن را باز می دارد؟ آگاه باشید روزی که عذاب به سراغ آنان بیاید از آنان بازداشته نمی شود، و چیزی را که مسخره می کردند آنان را دربر می گیرد.

۱۲- وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾^۳ و اگر پروردگارت می خواست مردمان را یک امت قرار می داد، ولی همواره اختلاف دارند.

۱۳- ﴿وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمْمَا وَاذَكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ﴾^۴ و کسی که از آن دو نفر نجات پیدا کرده بود بعد از مدتها به یاد آورد (و) گفت: من شما را از تعبیر آن باخبر می کنم، مرا بفرستید.

۱۴- ﴿مَا تَسْقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ﴾^۵ و هیچ ملتی بر اجل خود پیشی نمی گیرد و از آن عقب نمی افتد.

۱۵- ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾^۶ و به یقین ما به میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگویند): خداوند را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید. پس از، میان ایشان کسانی بودند که خداوند آنها را هدایت کرد، و دسته ای دیگر نیز بودند که گمراهی بر آنها واجب گردید. پس در زمین گردش کنید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه شد.

۱۶- ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾^۷ و مانند آن (زنی) نباشید که رشته خود را پس از محکم تاییدن از هم وا می کرد، شما نباید سوگند هایتان را در میان مایه فریب سازید تا گروهی از گروهی دیگر (از لحاظ داشتن امکانات) فزونتر گردد. جز این نیست که خداوند شما را به آن می آزماید، و به یقین روز قیامت آنچه را که در آن اختلاف می ورزیدید، برایتان روشن خواهد ساخت.

۱- الشوری/۱۴.

۲- هود/۸.

۳- هود/۱۱۸.

۴- یوسف/۴۵.

۵- الحجر/۵.

۶- النحل/۳۶.

۷- النحل/۹۲.

- ۱۷- ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسَأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱ و اگر خداوند می خواست شما را امتی واحد قرار می داد، ولی هرکس را که بخواهد گمراه می نماید و هرکس را که بخواهد هدایت می کند، و به طور قطع از آنچه می کردید پرسیده خواهید شد.
- ۱۸- ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾^۲ و برای هر امتی قربانی کردن را مقرر داشته ایم تا با نام خدا چهارپایانی را ذبح کنند که خدا بدیشان عطا نموده است. معبودتان معبود یگانه است، پس برای او تسلیم شوید، و فروتنان را نوید ده.
- ۱۹- ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ﴾^۳ برای هر ملتی آیینی مقرر داشته ایم تا آنان بدان عمل کنند، پس باید درباره این امر با تو ستیز نکنند. و به سوی پروردگارت دعوت کن، بی گمان تو بر راه راست هستی.
- ۲۰- ﴿مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ﴾^۴ هیچ امتی از اجلش پیشی نمی گیرد، و باز پس نمی ماند.
- ۲۱- ﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ﴾^۵ سپس پیامبرانی خود را یکی پس از دیگری روانه کردیم، هر گاه پیامبری به نزد امتش می آمد، او را تکذیب می کردند، ما هم (ملتهای سرکش را نابود و) یکی را پس از دیگری روانه (دیار نیستی) کردیم، و آنان را افسانه ساختیم. آری! نفرین بر گروهی که ایمان نمی آورند.
- ۲۲- ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۶ و روزی که از هر امتی گروهی از آنان را گرد می آوریم که آیات ما را تکذیب می کردند، پس آنان نگاه داشته می شوند تا به یکدیگر ملحق گردند.
- ۲۳- ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾^۷ و هنگامی که به آب مدین رسید، بر آن گروهی از مردم را دید که به (حیوانات) آب می دادند، و آن طرف دیگر دو زن را یافت که گوسفندان خویش را دور می کردند. گفت: منظورتان از این کار چیست؟ گفتند: ما (گوسفندان خود را) آب نمی دهیم تا اینکه چوپانان (گوسفندانشان را) باز گردانند، و پدر ما پیرمرد کهنسالی است.

۱- النحل/۹۳.

۲- الحج/۳۴.

۳- الحج/۶۷.

۴- المومنون/۴۳.

۵- المومنون/۴۴.

۶- النمل/۸۳.

۷- القصص/۲۳.

- ۲۴- ﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ﴾^۱ و (در آن روز) از هر امتی گواهی بیرون می کشیم، آنگاه می گوئیم: دلیل خود را بیاورید. پس می دانند که حق با خداوند است، و آنچه که به هم می بافتند از ایشان گم و ناپدید می شود.
- ۲۵- ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾^۲ بدون شک ما تو را همراه (دین) حق به عنوان مژده رسان و بیم دهنده فرستاده ایم، و هیچ امتی نیست، مگر آنکه در آن بیم دهنده ای بوده است.
- ۲۶- ﴿كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾^۳ پیش از اینان قوم نوح و دسته ها و گروه هایی که بعد از ایشان بوده اند تکذیب کرده اند و هر امتی آهنگ پیامبر خود کرد تا او را بگیرد، و به ناحق حدال و نزاع ورزید تا به وسیله باطل، حق را نابود کنند ولی من ایشان را گرفتار ساختم، پس بنگر که کیفر من چگونه بود؟!.
- ۲۷- ﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ﴾^۴ بلکه گفتند: بی گمان ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و ما بر رد و نشان آنها راه یافته ایم.
- ۲۸- ﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ﴾^۵ همین گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو بیم دهنده ای نفرستاده ایم، مگر آنکه متنعمان آنجا گفتند: بی گمان ما پدرانمان را بر آیینی یافته ایم، و بی گمان به دنبال آنان می رویم.
- ۲۹- ﴿وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾^۶ اگر (این احتمال) نبود که مردم (در گمراهی) همه یک امت شوند ما برای کسانی که به خداوند مهربان کفر می ورزند خانه هایی با سقف هایی از نقره فراهم می آوردیم و برای آنان نردبان هایی از نقره قرار می دادیم که از آنها بالا روند.
- از مجموع این آیات مبارکه دانسته میشود که کلمه امت به معنی اصطلاحی آن یعنی: (جماعت)، طبق آنچه در تعریف (امت) ارائه گردید، میباشد و سائر مفاهیم که از لحاظ لغت در مورد امت گفته شده، و در این آیات از آن ذکر به عمل آمده است، در این بحث مراد نمیباشد.



^۱ - القصص / ۷۵.

^۲ - فاطر / ۲۴.

^۳ - غافر / ۵.

^۴ - الزخرف / ۲۲.

^۵ - الزخرف / ۲۳.

^۶ - الزخرف / ۳۳.

فصل دوم

ویژگی های امت اسلامی

امت اسلامی دارای ویژگی‌هایی می‌باشد، که در سائرامت‌ها اثری از آنها دیده نمی‌شود، و به سبب آن، از بهترین امت‌ها شناخته می‌شود، و عمده‌ترین این ویژگی‌ها را در مباحث ذیل مورد بحث قرار می‌دهیم:

مبحث اول: وسطیت

مبحث دوم: وحدت

مبحث سوم: خیریت (افضالیت)

مبحث چهارم: جهانی بودن

مبحث پنجم: سائر ویژگی‌های امت اسلامی

مبحث اول

وسطیت

الله متعال امت اسلامی را به سبب وسطیت در دین به صفت (وسط) موصوف نموده است، زیرا امت اسلامی امت وسطی است با تمام معانی که وسط دارد، به معنی حسن و فضل، اعتدال و میانه روی، در جهان بینی و اعتقاد، و سایر موارد، در این مبحث تعریف، مزایا و معانی وسطیت را در دو مطلب متذکر میشویم:

مطلب اول

تعریف وسطیت

وسطیت به مفهوم اعتدال و میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط آمده و از ویژگی های جامعه برتر و امت اسلامی است. ارشاد الهیست: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۱ و اینگونه شما را امتی میانه و معتدل گردانیدیم تا گواهان بر مردم باشید و پیامبر (نیز) بر شما گواه باشد. و ما قبله ای را که بر آن بودی قبله قرار ندادیم مگر برای اینکه بدانیم چه کسی از پیامبر پیروی می کند و چه کسی به عقب بر می گردد، و گرچه آن بسی دشوار است مگر بر کسانی که خداوند آنان را هدایت نموده، و الله متعال ایمانان را ضایع نمی گرداند، همانا خداوند نسبت به مردم رئوف و مهربان است.

^۱ - البقره/۱۴۳.

ابن کثیر در تفسیر: ﴿أُمَّةٌ وَسَطًا﴾^(۱) می گوید: وسط در اینجا به معنای بهترین و شایسته ترین است. همانطور که گفته می شود: قریش از نظر نژادی و خانوادگی اوسط عرب می باشند، یعنی بهترین آن ها. و پیامبر ﷺ در میان قوم خود وسط، یعنی شریفترین آن ها از نظر نسبی بودند. و نیز در همین رابطه مفسرین در تفسیر: (الصلاة الوسطی) میگویند: برترین نماز هاست^۲.
در تاج العروس آمده است: (أَنَّ الْوَسْطَ بِالْتَّحْرِیکِ: (اسمٌ لِمَا بَيْنَ طَرَفَيْ الشَّيْءِ وَهُوَ مِنْهُ كَقَوْلِكَ: قَبَضْتُ وَسْطَ الْحَبْلِ وَكَسَرْتُ وَسْطَ الرُّمْحِ وَجَلَسْتُ وَسْطَ الدَّارِ) ^۳ وسط (به تحریک واو و سین)، اسم است برای میان دو طرف که او از آن جمله باشد، طوریکه میگوئی: وسط ریسمان را گرفتم و وسط تیر را شکستم و وسط خانه نشستم.

در معجم الوسیط آمده است: (وسط) الشیء (یسطه) وسطا وسطة صار فی وسطه یقال وسط القوم و وسط المكان فهو اوسط والقوم و فیهم وساطة توسط بینهم بالحق والعدل. ^۴ وسط شیء بمعنی میانه شیء، گفته میشود: میانه قوم و میانه مکان قرار گرفت، میانجی گری کرد، یعنی: وساطت کرد بین آنها به حق و عدالت.
در تفسیر (زهرة التفاسیر) آمده است: (الوسط یطلق بإطلاقین، أحدهما: الشیء المتوسط أو الأمر المتوسط بین أمرین أو نحو ذلك مما یكون متوسطا، الثاني: الوسط بمعنی الخیر، و من ذلك قوله تعالی: ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾^۵ ای: قال أعدهم، و یقال وسط الوادی أي خیر موضع فیہ. ^۶ یعنی: وسط دو نوع اطلاق دارد: یکی بمعنی شیء متوسط و یا امر متوسط بین دو امر و مانند آن. دوم بمعنی: خیر. از همین جمله این فرموده الهی است: ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾^۷ یعنی: عادل ترین و بهترین آنها، و گفته میشود: (وسط الوادی) یعنی: بهترین محل آن. و مفسرین تفسیرثانی (خیر) را برگزیده اند، زیرا بمعنی متوسط بین دو طرف قرار دارد، که هر دو آن گناه و باطل است، زیرا در (وسط)، دوری از غلو و تقصیر مطرح است.

در تفسیر طبری آمده است: (وَأَمَّا الْوَسْطُ فَإِنَّهُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ: الْخِيَارُ، يُقَالُ مِنْهُ: فَلَانٌ وَسْطُ الْحَسَبِ فِي قَوْمِهِ: أَيُّ مُتَوَسِّطِ الْحَسَبِ، إِذَا أَرَادُوا بِذَلِكَ الرَّفْعِ فِي حَسَبِهِ، وَهُوَ وَسْطٌ فِي قَوْمِهِ..)^۸
وسط در کلام عرب بمعنی (خیار) نیز آمده است، گفته میشود: فلان در میان قومش دارای نسب وسط است، یعنی: دارای نسب متوسط است، در صورتیکه هدف از این مقوله بزرگی نسبی مراد باشد، و همچنان گفته میشود: فلان در میان قومش وسط است.

^۱ - تفسیر ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري ثم الدمشقي، المحقق: محمد حسین شمس الدین، ج ۱/۱۹۰.

^۲ - همان.

^۳ - تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي، تحقيق مجموعة من المحققين، الناشر دار الهداية، ۵۰۳۵/۱.

^۴ - المعجم الوسيط، إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، دار النشر: دار الدعوة، تحقيق / مجمع اللغة العربية، ۱۰۳۱، ۷/۲.

^۵ - القلم/۲۸.

^۶ - زهرة التفاسير، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة، دار النشر: دار الفكر العربي، ۴۳۷/۱.

^۷ - القلم/۲۸.

^۸ - تفسیر الطبری = جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، ۶۲۶/۲.

در الموسوعة الفقهية الكويتية آمده است: وسط یعنی: معتدل. گفته میشود: (شَيْءٌ وَسَطٌ أَيْ بَيْنَ الْجَيْدِ وَالرَّدِيِّ) شی وسط میانه اعلی و ادنی، الله متعال در قرآن کریم میفرماید: ﴿مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ﴾^۱ از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواده خود می‌دهید. یعنی: وسط بمعنی متوسط. و وسط شی: ما بین طرفین آن شی، و آنچه که اطراف آن، آن را پوشانیده و احاطه نموده باشد. و گفته میشود: (وَهُوَ مِنْ أَوْسَطِ قَوْمِهِ) یعنی: از بهترین آنها میباشد.^۲

عرب‌ها می‌گویند: (خیر الامور اوسطها)^۳ بهترین کارها، میانه روی است.

ابن کثیر در تفسیر: ﴿أُمَّةً وَسَطًا﴾^(۴) می‌گوید: وسط در اینجا به معنای بهترین و شایسته‌ترین است.^۵

در تفسیر طبری آمده است: (فوصفهم الله بذلك؛ إذ كان أحب الأمور إلى الله أوسطها).^۶ الله متعال امت اسلامی را به این وصف توصیف نموده است، بدلیل اینکه بهترین امور اوسط آن میباشد.

طوریکه در بحث لغوی کلمه (وسط) اشاره شد، که به معنای بهترین و شایسته‌ترین است، وسطیت در اصطلاح به معنای دیگری نیز دلالت دارد که مصادیق همه این معانی در امت اسلامی تبلور یافته و امت اسلامی را جاودانگی بخشیده و از سائر امت‌ها متمایز می‌سازد، و مشخصه اصلی امت اسلامی است، امتی که آخرین امت هاست، و الله متعال پیام‌های آسمانی را با آن خاتمه بخشیده است، و اینک به برخی از این معانی اشاره می‌گردد:

وسط در اصطلاح:

امت وسط به معنی (امت میانه) آمده است، طوریکه اشاره شد، کلمه (وسط) در لغت هم به معنی حد متوسط در میان دو چیز و هم به معنی عالی و زیبا آمده است، و این معانی به یک حقیقت باز می‌گردد، که همانا معنی اعتدال است، زیرا معمولاً زیبایی و برتری در عاری بودن از افراط و تفریط و در حد اعتدال قرار گرفتن میباشد. و قرآن در بیان برتری‌های امت اسلامی نیز امت اسلامی را امت میانه و معتدل نامیده است.

ابن جریر رحمه الله مینویسد: (و أرى أن الله تعالى ذكره، إنما وصفهم بأهم وسط، لتوسطهم في الدين، فلا هم أهل غلوة فيه، غلوة النصراني الذين غلوا بالترهب، وقيلهم في عيسى ما قالوا فيه، ولا هم أهل تقصير فيه، تقصير اليهود الذين بدلوا كتاب الله، وقتلوا أنبياءهم، وكذبوا على ربه، وكفروا به، ولكنهم أهل توسط واعتدال فيه، فوصفهم الله بذلك؛ إذ كان أحب الأمور إلى الله أوسطها).^۷

^۱ - المأينة / ۸۹.

^۲ - الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية - الكويت، عدد الأجزاء: ۴۵ جزء، الطبعة: (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ) الطبعة الثانية، طبع الوزارة، ۱۳۸/۴۳.

^۳ - العجالة في الأحاديث المسلسلة، علم الدين أبو الفيض محمد ياسين بن محمد عيسى الفادان المكي، الناشر: دار البصائر - دمشق، الطبعة: الثانية، ۱۹۸۵، ۷۳/۱.

^۴ - تفسیر ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، ۱ / ۱۹۰.

^۵ - همان.

^۶ - تفسیر الطبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري ۲/ ۶۲۶.

^۷ - تفسیر الطبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير الطبري ۲/ ۶۲۶.

اللّٰه متعال امت اسلامی را به سبب وسطیت در دین به این صفت (وسط) موصوف نموده است، زیرا از غلو نصاری با رهبانیت در دین و سخنان زشت آنها در شان عیسی علیه السلام و تفریط یهود که کتاب الهی را بدل نموده و انبیاء علیهم السلام را به قتل رسانیده و به اللّٰه متعال دروغ بسته و کفر ورزیدند، میرا میباشند، و اهل توسط و اعتدال بوده اند، اللّٰه متعال آنها را به این صفت متصف نموده، زیرا محبوب ترین امور به نزد اللّٰه متعال اوسط آن است.

معانی که قبلاً از کلمه وسط ذکر گردید، در تضاد و مخالفت با هم نبوده همه صحیح اند، و این مفهوم را میرساند که امت اسلامی، امت خیار و عدالت پسند است، تا بالای امت های دیگر گواهی دهند که پیامبران رسالت خویش را بسر رسانیده اند، و گواهی نمیدهد مگر کسانی که عادل ترین همه باشند. و معنی امت وسط بمعنی خیرالامم و عادل ترین همه، بدلیل گواهی آنها بالای سائر امت ها میباشند. و امت وسط به سبب وسطیت، از آفات و عوارض که به سائر امت ها میرسید، در امان اند.^۱

با در نظر داشت این معنی و مفهوم از کلمه (وسط)، سید قطب رح در تفسیر امت وسط میفرماید:

"ملت مسلمان ملت وسطی است با تمام معانی که وسط دارد، چه؛ وساطت به معنی حسن و فضل باشد، یا به معنی اعتدال و میانه روی، ملت وسط و میانه رو است در جهان بینی و اعتقاد، طوریکه نه در روحانیت صرف، غلو و افراط می کند، و نه در مادیت تنها فرو می رود و ماندگار می شود. بلکه از فطرت پیروی می کند که در روحی مجسم و نمودار است که جامه جسد به تن کرده است، یا جسدی است که لباس روح به تن دارد. چنین ملتی می کوشد تا به این وجود دو قلوب و پرداخته انرژیهای دو بعدی مادی و معنوی، حق کاملی از هر نوع توشه که لازم دارد عطاء کند، و به تکاپو می ایستد تا زندگی را بالا برد و بدان رفعت بخشد، همزمان با چنین کاری سعی می کند زندگی را حفظ نماید و آن را امتداد دهد، و بدون هیچگونه تفریط و افراطی، بلکه برعکس، با میانه روی و هماهنگی و اعتدال، همه توان خویش را در جهان علائق و اشواق، و در جهان کششها و جذبه ها، به کار می گیرد «أُمَّةٌ وَسْطًا» ملت میانه روی است در اندیشه و احساس... بر دانسته های خویش راکد و ایستاده نمی ماند. منافذ و ابواب تجربه و معرفت و آزمایش و دانش را بر روی خود نمی بندد. به دنبال هر صدائی روان نمی گردد. همسان میمونها، مضحکانه دست به تقلید نمی یازد.. بلکه به اندیشه ها و برنامه ها و اصولی که خودش دارد چنگ می زند، سپس به محصول و فرآورده های فکر و تجربه می نگرند و از روی ثبوت و یقین به گلچینی و استفاده ی بخردانه می پردازد، و شعار همیشگی او این است که: حقیقت گمشده مومن است، هر کجا بیابدش، آن را بر می دارد.

(أُمَّةٌ وَسْطًا) ملت میانه روی است در سر و سامان بخشیدن و هماهنگ و همنا کردن... زندگی را تنها به دست احساسات و نفسانیات نمی سپارد، و آن را هم فقط در دست قانونگذاری و تنبیه سازی رها نمی سازد. بلکه قلوب و ضمائر را به وسیله رهنمود کردن و پاکیزه داشتن بالا می برد، و نظام اجتماع را با قانون و تنبیه سرپرستی می کند، و میان این و آن آمیزش و اختلاط می دهد. پس

^۱ - الأمة الوسط والمنهاج النبوي في الدعوة إلى الله، عبد الله بن عبد المحسن التركي، الطبعة: الأولى، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، تاريخ النشر: ١٤١٨هـ - ص ١٨.

نه مردم را به دست تازیانه سلطان می‌سپارد، و نه ایشان را به الهام وجدان وا می‌گذارد... و بلکه آمیزه‌ای از این و از آن، بر آنان فرمان می‌راند (أمةً وسطاً) ملت میانه روی است در رابطه‌ها و پیوستگی‌ها... نه شخصیت فرد و ارکان او را نادیده می‌گیرد، و نه شخصیت او را در شخصیت جامعه یا دولت محو می‌گرداند، همچنین او را رها نمی‌سازد تا به فرد خود خواه و حریصی تبدیل شود که به فکر کسی و چیزی جز خود نباشد... تنها آن اندازه از انگیزه‌ها و نیروها را به کار می‌گیرد که وسیله حرکت و رشد گردد. و از کششها و ویژگیها تنها آن اندازه سر راه او به وجود می‌آورد و چوب لای چرخو دهنه به دهان اسب نفس می‌اندازد که جلو غلو و سرکشی او را بگیرد، و از رغائب و علائق آن مقدار در اختیارش می‌گذارد که رغبت فرد را در راه خدمت به جامعه برانگیزد، و از تکالیف و واجبات آن اندازه برای فرد مقرر می‌دارد که او را خدمتگزار جامعه نماید، و جامعه را هم ضامن و مسوول فرد کند، و در نتیجه فرد و جامعه را هماهنگ و همگام گرداند.

(أمةً وسطاً) ملت میانه‌ای است در مکان... در ناف کره زمین، و در میانه‌ترین سرزمینهای آن، و هنوز هم که هنوز است این ملتی که اسلام سرزمین او را تا این لحظه فرا گرفته است، همان ملتی است که در میانه اقطار و نواحی کره زمین بین شرق و غرب و جنوب و شمال قرار گرفته است. و پیوسته با این موقعیتی که دارد، همه مردم را می‌بندد و بر همه مردم گواهی می‌دهد، و آنچه دارد به همه مردم زمین عطاء می‌کند، و از راه او میوه‌های طبیعت و میوه‌های روح و اندیشه، از اینجا به آنجا می‌رود، و او است که در باره این حرکت مادی و معنوی به طور یکسان فرمان می‌راند و به قضاوت می‌نشیند.

(أمةً وسطاً) ملت میانه‌ای است در زمان... روزگار کودکی بشریت را پشت سر می‌نهد، و دوره رشد عقلانی انسانیت را می‌یابد. در وسط گذشته و آینده می‌ایستد و از انسان گرد و غبار اوهام و خرافات دوران کودکی بشریت را که بر او نشسته باشد، می‌تکاند و پاکیزه‌اش می‌دارد، و او را از گرفتار آمدن به آشوب و گمراهی و کفر و ضلالت به سبب پیروی از آرزو پرستیها و استمداد از خرد تنها، باز می‌دارد. و میراث روحی بشریت را که از دوران پیامبران بر جای مانده است، با پشتوانه عقلانی او که پیوسته در حال رشد و فزونی است، آمیزش می‌دهد، و کاروان بشریت را بر جاده راست و درستی که میان این و آن قرار دارد، راه می‌برد.^۱

میانه روی و عدالت که به معنی توازن نیز تعبیر شده است، مظاهر و مصادیق آن را در پدیده‌های هستی و در نظام کائنات به وضوح مشاهده می‌کنیم: می‌بینیم که وسطیت و اعتدال میان شب و روز، تاریکی و روشنایی، گرمی و سردی، خشکی و آب و... رعایت گردیده و همه به حساب و کتاب دقیق آفریده شده‌اند.

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾^۲ ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده ایم.

^۱ - تفسیر فی ظلال القرآن، شهید سید قطب، ترجمه: مصطفی خرم دل ۱۹۹/۱-۲۰۱.

^۲ - القمر / ۴۹.

طبیعت انسان و عموم موجوداتی که بر روی این کره زمین بصورت متعادل واقع اند، و در ساختار شان تعادلی وجود دارد، حتی حیوانات، گیاهان و جمادات در ساختار بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی شان نوعی از تعادل موجود است.

مطلب دوم

مصادیق و مظاهر وسطیت

وسطیت بر بالای مفاهیم ذیل نیز صدق میکند که مختصراً پیرامون آن بحث بعمل می آوریم:
الف: عدالت:

از معانی وسطیت که امت اسلامی در آیه کریمه با آن توصیف گردیده، گواه بودن این امت بر تمامی جهانیان است که از همان ویژگی «عدالت» نشأت گرفته است، که برای پذیرفتن شهادت شاهد، به آن نیاز است.

عدل در لغت: دادگری کردن، داد دادن، دادگری^۱.

در تاج العروس آمده است: عدل ضد ظلم و آنچه در نفوس آنرا مستقیم بدانند، و گفته میشود: عدل بمعنی امر متوسط بین افراط و تفریط میباشد.^۲

طبری در تفسیر آیه: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا﴾^۳ میگوید: "هنگامیکه بین مردم حکم (قضاوت) مینمودید، حق را در میان تان بگوئید، و عدالت و انصاف را پیشه کنید." ^۴
سید قطب رح مینویسد:

"ملت مسلمان، ملت میانه روی است که بر همه مردم گواهی می دهد، و میانشان عدالت و دادگری را پا بر جا می دارد، و میزانش و ارزشها را برایشان وضع می کند و می گذارد، و رای خود را درباره آنان خواهد گفت و رای معتمد و سخن مقبول همان است که او می گوید. ارزشها و اندیشه ها و آداب و رسوم و شعارهایشان را می سنجد و درباره آنها قضاوت می نماید و خواهد گفت: از میان آنها این حق است و آن باطل. ملت مسلمان ملتی نیست که جهان بینی و تفکرات و ارزشها و موازین خود را از مردم دریافت دارد. او گواه بر مردم است، و در میانشان مقام داور دادگری را دارد... و در همان حال که او اینگونه بر مردم گواهی می دهد، کسی که بر او گواهی می دهد شخص پیغمبر است. پیغمبر برای چنین ملتی میزانش و ارزشها معین می کند، و درباره اعمال و عادات آنان داوری می نماید، و آنچه را از ایشان سر می زند می سنجد، و راجع بدان سخن پایانی

^۱ - فرهنگ معین، دکتر محمد معین، چاپ اول ۱۳۸۲، چاپ گلرنگ یکتا، مرکز پخش آرمان نو ۳/۲۳۴.

^۲ - تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، ۷۳۰۵.

^۳ - الانعام/۱۵۲.

^۴ - جامع البیان فی تأویل القرآن، محمد بن جریر الطبری، ۲۲۵/۱۲.

قاطعانه را صادر می‌نماید... بدین نحو حقیقت این ملت و وظیفه آن مشخص و روشن می‌شود... تا خود را بشناسد، و به اهمیت خویش پی‌برد و اندازه نقش خویش‌تر را چنانکه باید، درک کند، و بگونه شایسته برای آن آمادگی بهم رساند.^۱

ابوالسعود می‌گوید: "وسط نام نقطه است که نسبت آن با کناره‌ها، یکسان و برابر است، همانند: مرکز دایره. سپس کنایه شد برای خصایل پسندیده انسانی، چرا که این خصایل در میان صفات زشت ناشی از افراط و تفریط حالت مرکزیت و میانگین دارند."^۲

عدالت یکی از ویژگیهای کلی اسلام است. و به این اصل اهمیت خاصی داده است، و قرآن کریم اعتنای خاصی به عدالت نموده و روش عادلانه را در تعامل با دوست و دشمن، قریب و بیگانه لازم شمرده و رعایت عدالت را در همه موارد زندگی از اهم واجبات دینی معرفی مینماید، و به رعایت آن امر نموده می‌فرماید:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾^۳. یعنی: دشمنی مردم شما را باعث نسازد که اصل عدالت را بگذارید و با ایشان بی‌عدالتی کنید، عدالت را پیشه خود سازید که شما را براه تقوی نزدیک می‌سازد و در قطار پرهیز گاران حساب می‌شوید. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۴ الله متعال به عدل و احسان امر می‌کند.

هیچ قانونی جامع‌تر و مفید‌تر از عدل وجود ندارد، قانونی که تمام نظام هستی بر محور آن می‌چرخد، آسمانها و زمین، آفتاب و مهتاب، شب و روز و همه موجودات بر اساس عدالت قایم است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾^۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید، و به خاطر خدا شهادت دهید (و از این سو و آن سو جانبداری نکنید) هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد.

﴿وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۶ و عدالت کنید، لای شکر الله متعال عدل کنندگان را دوست دارد.

﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ﴾^۷ و هنگامی که سخنی (در کار داوری یا گواهی و یا راجع به روایت و خبری) گفتید، دادگری کنید (و از حق منحرف نشوید) هر چند (کسی که سخن به نفع یا به زیان او گفته می‌شود) از خویشاوندان باشد.

^۱ - تفسیر فی ظلل القرآن، سید قطب، ترجمه: مصطفی حرم دل ۱/۱۹۹.

^۲ - تفسیر ابي السعود، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ۱/ ۱۲۳.

^۳ - المائدة / ۷.

^۴ - النحل / ۹۰.

^۵ - النساء / ۱۳۵.

^۶ - الحجرات / ۹.

^۷ - الأنعام / ۱۵۲.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۱ بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می‌دهد که امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده، و چه چیزهایی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته‌اند) به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید.

رسول الله ﷺ از منزلت و جایگاه عادلان خبر داده می‌فرماید: ﴿سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ...﴾^۲ الله متعال هفت طایفه را روز قیامت که بجز سایه (رحمت) او، سایه ای وجود ندارد، زیر سایه خود جای می‌دهد که یکی از آنها رهبر و حاکم عادل است.

قرآن کریم امت اسلامی را امت میانه و معتدل نامیده است، زیرا امت اسلامی مصداق وسطیت و اعتدال میباشد، معتدل از نظر عقیده که از غلو و تقصیر در مدح و ستایش اولیاء و پیامبران میراء بوده، از جبر و تفویض بیزارند، و درباره صفات الله متعال نیز، تشبیه و تعطیل را نمی‌پذیرند و صفات الله متعال را به همان وصفی که در قرآن و سنت صحیح وارد است، به معرفی می‌گیرند.

امت اسلامی از نظر ارزشهای معنوی و مادی، نیز معتدل اند، نه در جهان ماده فرو می‌روند که معنویت نادیده گرفته شود، و نه آنچنان در عالم معنی فرو می‌روند که جهان ماده را به فراموشی سپارند، مانند راهبان مسیحی که ترك دنیا را پیشه نموده اند، و نه مانند طائفه از یهود که جز گرایش های مادی چیزی را نمی‌شناسند.

از نظر علم و دانش نیز راه اعتدال را پیشه می‌گیرند، نه به جمود مطلق باور دارند که علوم دیگران را نپذیرند، و نه با خود باختگی و خود فروختگی به دنبال هر کسی دیگری می‌روند.

از نظر روابط اجتماعی به اعتدال باورمند اند، طوریکه نه از جهانیان به کلی جدا میشوند، و نه اصالت و استقلال خود را از دست می‌دهند، که تحت تاثیر دیگران قرار گرفته و در این و آن ذوب شوند. همچنان، از نظر شیوه های اخلاقی، عبادت، تفکر و سائر مکارم اخلاقی و انسانی نیز راه وسطیت و اعتدال را در خود جا داده و از تمام خطوط انحرافی در چپ و راست بدور میباشند.

خلاصه مطلب اینکه وسطیت در جوانب مختلف اسلام، در اعتقاد، عدالت، بینش، عبادت، اخلاق و قانونگذاری، قابل درک بوده و آن را اصل قرار میدهند و مظاهر آن را در موارد زیر میتوان متذکر شد:

ب: آسان گیری:

آسان گیری یکی از مظاهر و ویژگیهای امت اسلامی در احکام، عقیده، اخلاق و معاملات به شمار می‌آید، و نصوص زیادی به این امر دلالت دارد، الله متعال ارشاد فرموده اند:

^۱ - النساء / ۵۸.

^۲ - الجامع الصحیح، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری، أبو عبد الله، حسب ترقیم فتح الباری، الناشر: دار الشعب - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، ۱/۱۶۸.

○ ﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾^۱ خداوند می‌خواهد (با وضع احکام سهل و ساده) کار را بر شما آسان کند و انسان ضعیف آفریده شده است.

○ ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^۲ یعنی: خداوند آسایش شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست. ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِثْلَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾^۳ و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است (تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس اماره است، پیروز گردید). خدا شما را (از میان مردم برای یاری دین خود) برگزیده است (و به شما شخصیت و عظمت بخشیده است) و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است (و بلکه تکالیف و وظائفی مقرر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است. این دین همان (آئین پدرتان ابراهیم است. خدا شما را قبلاً (در کتابهای پیشین) و در این (واپسین کتاب) مسلمین نامیده است) و افتخار تسلیم در برابر فرمانهای الهی را به شما داده است و شما را الگو و اسوه حسنه ملت‌های دیگر کرده است) تا پیغمبر (با شهادت عملی خود) گواه بر شما باشد (و در روز قیامت رفتار و کردارش مقیاس سنجش اعمال شما مسلمانان گردد) و شما هم (با شهادت عملی خود) گواه بر مردمان باشید (و رفتار و کردارتان به عنوان امت نمونه، محک سنجش اعمال سایرین، و الگوی بارز خداپرستان راستین گردد). پس (برای حصول این منظور) نماز را بخوانید و زکات مال به در کنید و به خدا چنگ زیند که سرپرست و یاور شما او است، و چه سرور و یاور نیک و چه مددکار و کمک‌کننده خوبی است!

پیامبر ﷺ با دین حنیف و آسان برانگیخته شده است، ارشاد میفرماید:

○ ﴿إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ﴾^۴ یعنی: همانا این دین بر استواری پایه ریزی شده است، پس با مهربانی و آرام در آن وارد شوید.

○ ﴿إِنَّ خَيْرَ دِينِكُمْ أَيْسَرُهُ، إِنَّ خَيْرَ دِينِكُمْ أَيْسَرُهُ﴾^۵ یعنی: بهترین دین شما، دین کسی است که آنرا آسان بگیرد. و این جمله را سه بار تکرار نمود. **و فی روایة: ﴿إِنَّكُمْ أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمْ الْيُسْرَ﴾^۶ و در روایتی چنین آمده: شما امتی هستی که آسان‌گیری به شما اراده شده است.**

^۱ - النساء/۲۸.

^۲ - البقرة/۱۸۵.

^۳ - الحج/۷۸.

^۴ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة ۱۹۸/۳. امام احمد اسناد آن را قوی و رجال آن را صلوق خوانده و مرتبه حدیث را حسن گفته است.

^۵ - بخاری، الادب المفرد، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۹ - ۱۹۸۹، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي / ۳۴۱.

^۶ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة ۳۲/۵.

با نزول شریعت اسلامی بار های سنگین که در شرایع قبلی وجود داشت، برداشته شد و رسول الله ﷺ در کتابهای پیشین بدین ویژگی ها شناخته شده بود:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.^۱ (به ویژه رحمت خود را اختصاص می‌دهم به) کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی که (خواندن و نوشتن نمی‌داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند . او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد ، و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر (احکام طاقت‌فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت ، و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می‌آورد (و از غل استعمار و استعمارشان می‌رهاند) . پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند ، و از نوری پیروی کنند که (قرآن نام است و همسان نور مایه هدایت مردمان است و) به همراه او نازل شده است ، بیگمان آنان رستگارانند .

این امر در احکام شریعت اسلام و در عبادات، بطور واضح قابل مشاهده است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.^۲ خداوند نمی‌خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد ، و بلکه می‌خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت خود را بر شما تمام نماید ، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را (با دوام بر طاعت و عبادت) به جایی آورید .

هنگامیکه پیامبر ﷺ معاذ و ابوموسی اشعری را به حاکمیت یمن فرستاد، به ایشان چنین سفارش نمود: ﴿يَسْرًا وَلَا تَعْسْرًا وَبَشْرًا وَلَا تَنْفَرًا وَتَطَوَّعًا وَلَا تَخْتَلِفًا﴾^۳ . آسان بگیرید و دشواری ایجاد نکنید، بشارت دهنده باشید و تنفر نیاگیرید، بپذیرید و اختلاف نکنید.

بنابراین، سختگیری در دین و تشدد با روح اسلام مخالف است. رسول الله ﷺ در مورد افراد سختگیر چنین ارشاد فرموده اند:

﴿أَلَا هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ، أَلَا هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ، أَلَا هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ﴾^۴ . آگاه باشید سختگیران هلاک شدند و این جمله را سه بار تکرار نمودند که دال به عظمت و اهمیت موضوع میباشد.

از غلو و زیاده روی که باعث هلاکت میشود، نمی‌فرموده اند: ﴿إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْغُلُوِّ فِي الدِّينِ﴾^۱ . از غلو بپرهیزید، زیرا غلو و زیاده روی، باعث هلاکت کسانی که قبل از شما بودند، گردید.

^۱ - الاعراف/ ۱۵۷ .

^۲ - المائدة/ ۶ .

^۳ - صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي، ۱۳۵۸/۳ .
شعیب الأرئوط اسناد آترا صحیح دانسته و به شرط الشیخین معرفی نموده است .

^۴ - سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، ۳۳۰/۴ .

ج: علم و حکمت:

ارشاد الهیست: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^۲ و همچنین (برای تکمیل نعمت خود بر شما) پیغمبری را از خودتان در میانتان برانگیختیم که آیات (قرآن) ما را بر شما فرو می‌خواند (و نشانه‌های وحدانیت و عظمت خدا را در گستره جهان به شما می‌نمایاند) و شما را پاکیزه می‌دارد (از رذائلی همچون زنده‌بگور کردن دختران و خونریزیها و کشتن فرزندان از ترس فقر و فاقه و غیره . و با کاشتن نهال فضائل در اندرونتان ، شما را سرور و سرمشق دیگران می‌سازد) و به شما کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار و منافع احکام) را می‌آموزد (تا با حفظ نظم و لفظ قرآن و بهره‌مندی از نور آن ، به زندگی خویش حیات و تحرک بخشید و با استفاده از سنت عملی و سیرت نبوی ، به احکام شریعت آشنا گردید) . و به شما (به همراه کتاب و حکمت) چیزی یاد می‌دهد که نمی‌توانستید آن را بیاموزید (چون وسیله آموزش آن ، اندیشه و نگاه نیست ، بلکه باید از راه وحی آموخته شود . همانند اخبار عالم غیب و اشارات علمی و بیان سرگذشت پیغمبران و احوال پیشینیان ، که نه تنها برای اعراب بلکه برای اهل کتاب نیز مجهول بود) .

در تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن در مورد کلمه حکمت آمده است:

(والحکمه) هي الإصابة في القول و العمل، و وضع كل شيء موضعه، و المراد بالحكمة هنا المعرفة بالدين و الفقه في التأويل و الفهم للشريعة.^۳

حکمت یعنی: اصابت (صائب بودن) در قول و عمل و قرار دادن هر شی در موضع آن، و مراد از حکمت در این جا معرفت به دین و فقاها در تاویل و فهم شریعت است.

ابن قتیبه میگوید: حکمت عبارت از علم و عمل است، و شخصی که این دو در او جمع نشده باشد، حکیم بوده نمی‌تواند.^۴

امت اسلامی، اساس گذار علم و حکمت است، قرآن کریم در اولین پیامی که برای بشر میدهد، با کلمه «اقرأ» آغاز میگردد، و به این ترتیب، اساس تمدن جدید را در زمین با امر به خواندن (اقرأ) پایه گذاری میکند، به همین ترتیب، (علم و مشتقات آن) ۸۶۵ بار، (تذکر) ۱۸۴ بار، (سؤال) که نصف علم است، ۱۲۹ بار، (عقل) ۴۹ بار و (تدبر) ۴۴ بار در قرآن تکرار شده است. علاوه برآن، در احادیث رسول الله ﷺ به اهتمام به جنبه های علمی ترکیب عمل آمده است، تا این امتی که قرار است، قیادت بشر را بدوش داشته باشد، باید با زیور علم و تفکر و اندیشه همگام بوده در هر میدانی پیشقدم

^۱ - سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، الناشر: مكتبة أبي المعاطي، ۴/۲۲۸. شعب الأرنؤوط : إسناده این حدیث را صحیح و به شرط مسلم دانسته و رجال آن را ثقات و رجال شیخین معرفی نموده است.

^۲ - البقره/۱۵۱.

^۳ - فتح البیان فی مقاصد القرآن، أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسینی البخاری القنوجی، الناشر: المكتبة العصرية للطباعة والنشر، صیدا - بیروت، عام النشر: ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م، ۱/۲۸۴.

^۴ - همان.

باشد. و به همین سبب است که برای ایجاد امت الگو و پیشوا، علم شرعی و عملی و علوم تجربی و معاصر مورد نیاز جامعه بشری از قبیل تکنولوژی و سایر علوم سودمند، نیاز مبرم مییابد.

قرطبی در تفسیر این آیه ﴿وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ مینویسد: (الكتاب القرآن و" الحكمة": المَعْرِفَةُ بِالذِّينِ، وَالْفَقْهَ فِي التَّأْوِيلِ وَالْفَهْمُ الَّذِي هُوَ سَجِيَّةٌ وَنُورٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى).^۱

مراد از کتاب قرآن و مراد از حکمت معرفت در دین و فقه در تاویل و فهمی است که سنجیه مومن مییابد و نوری از جانب الله متعال است.

تمدن اسلامی که مشعل نور برای تمام بشریت بوده، باید در دو جنبه مادی و معنوی سخن اول را بگوید. زیرا امتی که رهبری بشریت را بدوش دارد، باید تمامی گنجینه های علمی را از آن خود کند و تمام علوم مورد نیاز را ملبس به لباس اسلامی کند، لباسی که در آن ماده با روح؛ مال با ارزشها؛ قوانین با تربیت؛ هدف با وسیله؛ و ... ارتباط پیدا می کند.

الله متعال ذات حکیم است و هر چیزی را از روی حکمت هایی می شناسد، هیچ چیز را بیهوده نمی آفریند، طوریکه فرشتگان به آن شهادت داده اند: ﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾^۲ فرشتگان گفتند: منزهی تو، ما چیزی جز آنچه به ما آموخته ای نمی دانیم (و توانایی جانمایی را در زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم موجودی شایسته تر از ما است و) تو دانا و حکیمی.

ارشاد الهیست: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾^۳ قرآن که در ام الكتاب در پیش ما است، والا و استوار است.

دعوت الی الله که وظیفه اصلی انبیاء علیهم السلام است، نیز باید با در نظر داشت حکمت انجام یابد و با مجادله نیکو صورت گیرد، ارشاد الهیست: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۴ (مردم را) با حکمت و اندرز نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه نیکوتر و بهتر گفتگو کن. بی گمان پروردگارت به حال کسی که از راه او گمراه و منحرف می شود آگاهتر و او به راه یافتگان داناتر است.

قرآن مجید اصول و ارکان دعوت را بر پایه هائی استوار و پایدار می سازد، و وسائل دعوت و راه های آن را مشخص می گرداند، و برنامه و مسیر را برای دعوت کنندگان تهیه و ترسیم می کند.

بناء دعوت باید با حکمت صورت گیرد. و حکمت ایجاب میکند که اصول و قواعد دعوت رعایت گردد، اوضاع و احوال مخاطبان را درک و شرائط و ظروف آنان را در نظر گیرد و دقت داشته باشد، در پذیرش تکالیف و وظائف، موانع موجود نباشد. باید راه و شیوه ای را درکار دعوت در پیش گیرد، که موجب تنفر و انزجار مخاطبان نشود و مقتضیات راه دعوت را مراعات نماید و به گونه ای سخن گوید، که

^۱ - الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴م، ۲/۱۳۰.

^۲ - البقره/ ۳۲.

^۳ - الزحرف/ ۴.

^۴ - النحل/ ۱۲۵.

بدور از احساسات بوده باشد. با الفاظ زیبا و دلنشین به سخن آغاز کند، تا بر دلها نشیند، و حواس و شعور را تحت تاثیر قرار دهد. بی مورد و بدون علت، از تهدید و توییح کار نگیرد، و از خطاها و اشتباهات تا حد ممکن در گذر شود، زیرا اکثرا خطاها اشتباهات از روی نادانی، و یا از روی حسن نیت صورت می‌گیرد. باید مجادله و مباحثه را به شیوه ای بهتر، و با دلایل قویتر و رساتر انجام دهد. تا طرف مقابل به دعوت‌کننده اطمینان پیدا کند و بداند که هدف او از مباحثه و مجادله غالب آمدن نیست. بلکه هدفش قانع کردن است.

د: استقامت:

استقامت یعنی: ثبات و دوام به عمل صالح و اقرار به وحدانیت الله متعال و مقتضیات آن. از خلفاء راشدین در معنی استقامت آمده است: "ثبات به ایمان و اخلاص عمل و اداء فرایض با جزئیات آن."^۱

اسلام دارای قواعد و اصول ثابتی است که زیادی و کمی و تحریف و تبدیل در آن راه ندارد. زیرا اسلام نظام کاملی است که همه ابعاد زندگی را در بر گرفته و شامل عقیده، عبادت، سیاست، شریعت، حکومت و قیادت است، بنابراین، هیچ فرد و یا نهادی حق ندارد که چیزی بر آن اضافه کند، یا از آن بکاهد، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ﴾^۲ هر کسی که در آیین ما چیزی پدید آورد که از آن آیین نباشد مردود است. بناء، بدعت‌ها و افسانه‌ها و خرافات، باطل و مردودند. و اسلام آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

روشنی برنامه و راستی راه و روش زندگی و ثبات قدم، از مهمترین مظاهر توانمندی و نیرومندی انسان با ایمان است. هیچ وعده و وعیدی باعث انحراف او نمی‌شود. و تحت تأثیر هوای نفس خویش قرار نمی‌گیرد، همواره به خیر دعوت می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و در برابر باطل و ستم مقاومت می‌کند. به سوی حق و عدالت رهنمون است. زیرا اسلام، پیروانش را به رشادت، جرأت و فداکاری تا سرحد مرگ، فرا میخواند و مرگ را در راه حق، بزرگترین سعادت می‌شمارد: ﴿وَيَخْشَوْنَ وَالَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾^۳ از او تعالی می‌ترسند و از غیر او نمی‌هراسند، و الله برای شمارش بس است. و می‌فرماید: ﴿وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾^۴ و از سرزنش ملامت‌گران نمی‌ترسند. یعنی چنان شهامت و استقامتی دارند که از شکستن سنتهای غلط و مخالفت با کسانی که راه انحراف را پیش گرفته‌اند، و با تکیه بر کثرت عددی خود، دیگران را به باد استهزاء می‌گیرند، پروائی ندارند.

^۱ - التفسیر المنیر فی العقیلة والشریعة والمنهج، دوهبة بن مصطفی الزحیلی، ۲۴/۲۲۲.

^۲ - الجامع الصحیح، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، أبو عبد الله، ۳/۲۴۱.

^۳ - الأحزاب/۳۹.

^۴ - المائدة/۵۴.

رسول الله ﷺ می فرماید: ﴿سید الشهداء حمزة بن عبد المطلب و رجل قام إلى إمام جائر فأمره و نماه فقتله﴾^۱
سید الشهداء یکی حمزه بن عبدالمطلب است و کسی است که در برابر پیشوای ستمگری بایستد و او را امر و
نهی کند و او را بکشد.

﴿أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ قَالَ كَلِمَةَ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ﴾^۲ برترین جهاد سخن حق گفتن در برابر فرمانروای
ستمگر است.

تصدیق به حق و حقیقت، و اعلان کردن این باور و تصدیق، یکی از مميزات امت اسلامی است که
این امت را الگو و گواه بر همه جهانیان قرار داده است. همانطور که گواه نباید در ادای گواهی و شهادت
دادن سستی کند، مسلمانان نیز به هیچ وجه نباید در جهت اعتلا بخشیدن کلمه حق کوتاهی کنند، و در
مسیر ادای این فریضه از هیچ ملامت ملامت کننده نهراسند، و استقامت پیشه نموده، تاآنکه در آن راه جان
بدهند. اینجا است که امر به معروف و نهی از منکر بزرگترین فریضه اسلامی شناخته شده است.

عقیده توحید به مسلمانان می آموزاند که ترس و فروتنی جز برای الله متعال جائز نیست، بناء،
نباید از غیر او تعالی ترسید و نه در برابر غیر او سر تعظیم و تکریم فرود آورد. کسی که از غیر خدا
می ترسد، در حقیقت غیر او تعالی را شایسته ترس و فرمانبرداری دانسته است، و چنین عقیده ای هرگز با
توحید سازگاری ندارد.

۵: شریعت میانه و وسط:

همانطوریکه گفته آمدیم، امت اسلامی امت وسط بوده و این وسطیت در همه ابعاد و عرصه های
آن قابل درک میباشد، در مورد وسطیت در مبحث قبلی مطالبی ارائه گردید، در این مبحث، پیرامون
وسطیت در شریعت بحث بعمل می آوریم که شامل عقیده، عبادت و اخلاق میباشد:

۱- وسطیت در عقیده:

عقیده در لغت: در فرهنگ معین آمده است: عقیده (ا.) باور، فکر، آن چه که انسان به آن باور
دارد.^۳

در فرهنگ ابجدی عربی به فارسی آمده است: الْعَقِيدَةُ جمع آن: عَقَائِدُ: عقیده قلبی، ضمیر، روش و معتقدات
دینی و مذهبی.^۴

عقیده وسط، میان اعتقاد خرافی که هر چیزی را بدون تامل و اندیشیدن تصدیق می نماید و میان
مادیگرایی که امور ماورای ماده و حس را انکار نموده به ندای فطرت و عقل توجه نمی کند.
وسطیت میان عقاید باطل ملحدین که اصلاً از وجود الله متعال انکار نموده و کفر میورزند و میان عقاید
مشرکینی که به معبودان متعدد معتقد اند، و مخلوق را می پرستند.

^۱ - مسند أبي حنيفة، أحمد بن عبد الله أبو نعيم الأصبهاني، المحقق: نظر محمد الفارابي، الناشر: مكتبة الكوثر - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵/۱، ۱۸۷.

^۲ - شرح السنة، الحسين بن مسعود البغوي، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمد زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي، دمشق - بيروت، الطبعة: الثانية،
۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م/۱۰/۶۶. شعيب الأرنؤوط درتعلیق خویش إسناد آنرا صحیح خوانده است.

^۳ - فرهنگ معین، دکتر محمد معین، ۳/۳۶۸.

^۴ - فرهنگ ابجدی عربی به فارسی، ترجمه المنجد الابجدی، مترجم: استاد رضا مهبیار، چاپ اول ۱۳۷۰، چاپخانه لوحه، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران
۱/۱۶۴۱.

اسلام به الله و معبود یگانه دعوت می‌کند که هیچ شریک و یآوری ندارد، نه کسی از او زاده شده و نه او از کسی زاده شده است، و هیچ احدی همتا و همانند او نیست: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^۱ بگو: خدا یگانه یکتا است. خداوند سرور و والا و برآورنده امیدها و برطرف کننده نیازها است. نه (فرزند) زاده و نه زاده شده است. و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

همه چیز غیر از او تعالی مخلوقات هستند که مالک سود و زیانی نبوده، و بر مرگ و زندگی و رستخیز توانایی و اختیاری ندارند. بر همین اساس به خدایی گرفتن آن‌ها، شرک، ظلم و گمراهی آشکار می‌باشد: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ﴾^۲ چه کسی گمراهتر از آن کسی است که به جای الله یگانه افرادی را بخواند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند) پاسخش نمی‌گویند و از درخواست شان اصلاً اطلاعی ندارند. وسطیت میان کسانی که بشر را به مقام خدایی یا فرزندی او تعالی قرار میدهند و بین کسانی که پیامبران را تکذیب کرده و به ایشان قیمت‌های ناروا میزنند.

از دیدگاه اسلام، انبیا بشر بوده و صفات بشری داشتند، غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند، دارای همسر و فرزند بودند. با این تفاوت که او تعالی با وحی، بر آنان منت نهاده، و با معجزات حمایت تأییدشان کرده است.

وسطیت میان دو دیدگاه، افراط نفی الوهیت در نزد کمونیستها و مادیگرایانی که الله متعال درباره شان می‌فرماید: (منکران رستخیز) می‌گویند: ﴿.. مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾^۳ حیاتی جز همین زندگی دنیائی که در آن به سر می‌بریم در کار نیست. گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای ایشان را می‌گیرند، و جز طبیعت روزگار، ما را هلاک نمی‌سازد.

وسطیت میان تفریط کسانی که معتقد به تعدد آله و خدایان هستند، مانند یهودیان و مسیحیان و سائر مشرکین؛ طوریکه الله متعال در مورد دیدگاه یهود می‌فرماید: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَهُنَّ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾^۴ یهودیان می‌گویند: عزیر پسر خدا است (چرا که آنان را بعد از یک قرن خواری و مذلت از بند اسارت رهانید و تورات را که از حفظ داشت دو باره برای ایشان نگاشت و در دسترسشان گذاشت)، و مسیحیان می‌گویند: مسیح پسر خدا است (چرا که او بی‌پدر از مادر زائید). این سخنی است که آنان به زبان می‌گویند (و ادعائی بیش نیست و مبنی بر دلیل و برهانی نمی‌باشد. نه هیچ پیغمبری آن را گفته است و نه در هیچ کتاب آسمانی از سوی خدا آمده است. این گفتار آنان به کافرانی می‌ماند، که پیش از آنان هم، چنین می‌گفتند (و مثلاً معتقد به حلول خدا در برخی از مخلوقات بودند و یا اینکه فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند). خداوند کافران را نفرین و نابود کند چگونه (دروغ می‌گویند و چگونه از حق با وجود این همه روشنی به دور می‌گردند و) باز داشته می‌شوند؟!.

^۱ - سوره اخلاص.

^۲ - الاحقاف/۵.

^۳ - الجاثیه/۲۴.

^۴ - التوبه/۳۰.

هندو ها ۳۸۰ میلیون اله غیر از الله ﷻ را مورد پرستش قرار می دهند؛ اما اسلام با عقیده میانه اش به وحدانیت الله متعال معتقد بوده و راه وسط بین افراط و تفریط را برگزیده است، که رسالت اسلام برای تمام پیامبران است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُون﴾^۱ ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم، مگر اینکه به او وحی کرده ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید.

از جمله میانه روی و اعتدال عقیده اسلامی این است که میان دو جریان غلو و افراط واقع شده است. میان عقیده کمونیستی که معتقد است هیچ خدائی وجود ندارد و زندگی تنها ماده است و بس. و هستی آفریدگاری ندارد، و ما نیازی به الله نداریم. و تمام آنچه که به آن ایمان دارند، چیزهایی است که چشم آن را می بیند، یا دست لمسش می کند، یا بینی آن را استشمام می کند. و میان عقیده لائیک و ملحدی که وجود آفریدگار را نفی نمی کند، بلکه معتقد است خالق هستی، حقی در قانونگذاری و امر و نهی و وضع برنامه برای بشر ندارد. از نظر آنان آفریدگار، خدائی عاجز و ناتوان است، طوری که (ارسطو)* گفته: خداوند هستی را آفریده سپس آن را رها کرده و به وسیله قوانین طبیعت می چرخد. به همین سبب، احکامی را وضع می کنند که مخالف همه ادیان گذشته الهی است؛ از قبیل اباحت زنا، فقیر کردن فقرا و نیازمندان، و از بین بردن ضعیفان.

اما در اسلام عقیده کامل و ایمان به پروردگار، هم به عنوان آفریدگار و هم به عنوان آمر و فرمانروا وجود دارد؛ الله متعال می فرماید: ﴿..أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^۲ آگاه باشید که تنها او می آفریند و تنها او فرمان می دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

زیرا ذاتی که هستی را آفرید، حق امر و نهی و تحلیل و تحریم و وضع تشریح را نیز دارد. و این فرق اساسی است میان عقیده صحیح و عقیده باطل؛ طوری که بیهقی با سند خود از عدی بن حاتم روایت کرده که میگوید: ﴿آیت النبی ﷺ و فی عنقی صلیب من ذهب، قال:

فسمعتہ یقول: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ﴾ قال: قلت: یا رسول الله! إنهم لم یكونوا یعبدهم، قال: ﴿أجل، و لكن یحلون لهم ما حرم الله فیستحلونه، و یحرمون علیهم ما أحلّ الله فیحرمونه، فتلك عبادتهم لهم﴾^۳ نزد پیامبر ﷺ آمدم و در گردنم صلیبی از طلا بود. عدی گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: آنان به جز الله متعال، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند، عدی گفت، گفتم: ای رسول خدا، آنان علماء را نمی پرستیدند. پیامبر ﷺ فرمود: بله، اما علماء و پارسایان حرام خدا را حلال

^۱ - الانبیاء / ۲۵.

^۲ - الاعراف / ۵۴.

^۳ - سنن البیهقی الکبری، کتاب آداب القاضی، باب ما یقضی به القاضی و یتقی به المفتی فانه غیر جائز له أن...، شماره ۲۰۹۳۱.

* ارسطو طالیس یا ارسطاطالیس از کبار فلاسفه اغریق میباشند، و نزد فلاسفه مسلمان بنام معلم اول شناخته میشود، در سال ۳۸۴ ق در شهر آسپاغیرا) متولد گردیده مدتی شاگردی افلاطون را نمود و مدرسه مشائیه را تأسیس کرد، ۲۵ کتاب از وی به جامانده در سال (۲۲۲ ق. م) وفات یافته است. الموسوعة الموجزة فی التاریخ الإسلامی، نقلا عن: موسوعة سفیر للتاریخ الإسلامی ۵۲۸/۱۰.

می‌کنند، دیگران هم آن را حلال می‌دانند و علما و پارسایان حلال خدا را برایشان حرام می‌کنند، و آنان هم آن را حرام می‌دانند. پس پرستش علماء و پارسایان توسط دیگران، چنین است.

حدیث مذکور بیانگر تفسیر این آیه میباشد: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۱ یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند (چرا که علماء و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌کنند، و خودسرانه قانونگذاری می‌نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می‌برند و سخنان آنان را دین می‌دانند و کورکورانه به دنبالشان روان می‌گردند. ترسایان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می‌شمارند. (در صورتی که در همه کتابهای آسمانی و از سوی همه پیغمبران الهی) بدیشان جز این دستور داده نشده است که: تنها خدای یگانه را پرستند و بس. جز خدا معبودی نیست و او پاک و منزّه از شرك و روزی و چیزهایی است که ایشان آنها را انباز قرار می‌دهند.

یهودیان و مسیحیان علاوه از خدا، علماء دینی و راهبان خود را هم به خدائی پذیرفته اند، چرا که علماء و راهبان آنها، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌کنند، و خود سرانه قانونگذاری می‌نمایند، و دیگران هم از ایشان پیروی می‌کنند و سخنان آنان را دین می‌دانند. مسیحیان مسیح پسر مریم را نیز خدا می‌شمارند. (در صورتی که در همه کتابهای آسمانی و از سوی همه پیغمبران الهی) بدیشان جز این دستور داده نشده است که تنها خدای یگانه را پرستند و بس.

بنابراین، امت اسلامی، اعتدال و میانه روی در عقیده را به بهترین و نیکوترین صورت حمل می‌کند.

۲- وسطیت در عبادت:

اسلام میان ادیان و اندیشه‌هایی متعدد افراط و تفریط، راه وسط را اختیار نموده است؛ مانند اندیشه بودائی که تعالیم آن محدود به جنبه اخلاقی بوده و میان ادیانی که ترک دنیا را راه رسیدن به حق می‌شمارند، مانند: زیاده روی آیین یهود در باره دنیا و رهبانیت و بی‌توجهی به دنیا در مسیحیت. علامه قرضاوی حفظه الله میگوید: (تعادل و میانه روی در رابطه با مادیات و معنویات یا دین و دنیا، پنجمین اصل اصلاحی است که برای رفع و تصحیح تباهکاریهای تحریفگران ادیان در عرصه عبادت، از طرف اسلام مطرح شده و مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است).^۲

اسلام در بخش عبادت، آسانی و رفع دشواری و زدودن سختیها و برداشتن بارهای سنگین از گردن مکلفین را برگزیده است، که در بعضی از ادیان گذشته، مانند یهودیت موجود بود، لذا ارشاد مینماید که مومنان در دعای خود بگویند: ﴿رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۳. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها

^۱ - التوبه/۳۱.

^۲ - عبادت در اسلام، دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه: ستار خرقانی، نشر احسان، ۱۳۷۱، چاپخانه آرمان /۲۰۰۳.

^۳ - البقره/۲۸۶.

و محنتها گرفتار مساز) و از ما درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای .
تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان .

کلمه (اصر) که به معنی (بار سنگین) است، به تکالیف سختی که در مراسم مذهبی یهود، و سایر ادیان قبل از اسلام آمده و سخت گیری زیادی بالای مکلفین بود، مانند: قتل نفس در توبه، پرداخت ربع مال در زکات و قطع نمودن موضع نجاست در لباس، صورت گرفته است.^۱

علامه سلیمان الندوی* می گوید: "هیچ دینی خالی از عبادت خدا نیست، اما پیروان ادیان باستانی چنین می پنداشتند که دین، خواستار آزار و شکنجه بدنهای آنهاست و مقصود از عبادت، رنج دادن به اندامها می باشد و افزایش رنج و محنت بدن، پاکیزگی روح و پیراستگی درونی بوجود می آورد. همه این موارد و نظایر آن را پیروان ادیان مختلف پیش از بعثت محمدﷺ با تصور و خیال اینکه وسائل نزدیکی به خدا و بهترین عوامل تزکیه نفوس و پاکسازی روح می باشند، انجام می دادند."^۲

موارد دیگری که در ادیان قبل از اسلام، وسیله تقرب جستن به الله متعال محسوب می گردید، خود کشی بود. بدین جهت برای خدایان خویش قربانیان بشری نذر کرده و برای جلب خشنودی آنها انسان ها را سر می بریدند و خون انسان قربانی شده را بر تنها می مالیدند و چه بسا که گوشت او را می سوزاندند و به وسیله آن، تنها را دود و بخار می دادند. برای همین بود که یهودیان گوشت قربانیان را می سوزانیدند.^۳

نکته اساسی در عبادت از دیدگاه اسلام اینست که برای امتثال فرمان الهی و ادای حق بندگی و سپاسگزاری در مقابل نعمتهای او تعالی باید انجام شود؛ و بدست آوردن نتایج مادی آن در زندگی دنیوی انسان، مطلوب نمیباشند و درک حکمت آنها توسط عقل محدود انسانی نیز امر ضروری نیست، بلکه هدف اصلی در عبادت، آزمایش بندگی انسان در برابر پروردگار است.

از همین جاست که اسلام پیروانش را به انجام عبادات روزانه مانند نماز های پنجگانه، یا سالانه مانند روزه، یا در تمام عمر یک بار مانند حج، مکلف می سازد، تا بنده همیشه با الله متعال در ارتباط باقی بماند، و در عین حال، استفاده از نعمت های الهی را برای آنان مجاز می شمارد و به کسب و کار و تلاش و فعالیت امر می کند، تا هدف بزرگ عمران و آبادی زمین نیز تحقق یابد: ﴿...هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾^۴ اوست که شما را از زمین آفریده، و شما را به آباد کردن آن گمارده است. پس، از او آمرزش بخواهید و به سوي او برگردید، بی گمان پروردگارم نزدیک و اجابت کننده (ي دعا) است.

* ابوالحسن علي بن عبد الحی بن فخر الدین حسینی، در ماهرم سال ۱۳۳۲هـ در روستای تکیه از توابع شهر رای بریلی در فاصله هشتادکیلومتری شهر لکهنوی هندوستان متولد شده است. اصالتاً عرب تبار است، نسب او به محمد بن عبدالله حسینی مثنی بن امام حسن بن علی بن ابی طالب منتهی میشود، و از این رو به حسینی شهرت یافته اند. به سبب تمسک به شریعت، بذل کوشش برای نشر علوم، خدمت به اسلام و فعالیت برای مسلمانان شهرت جهانی دارد.

^۱ - دوهبة بن مصطفی الزحیلی، - التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج ۱۳۱/۳.

^۲ - الرسالة المحمدیه، علامه سلیمان الندوی، چاپ دوم، دمشق/ ۲۴۱.

^۳ - عبادت در اسلام، دکور یوسف قرضاوی، ۲۱۵/.

^۴ - هود/ ۶۱.

و هنگامیکه که به ادای نماز جمعه امر میکند، متعاقبا به طلب کسب حلال نیز دستور میدهد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيََتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز جمعه اذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و داد و ستد را رها سازید. این کار تان برای شما بهتر و سود مند تر است اگر متوجه باشید. آنگاه که مراسم نماز پایان پذیرفت، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید تا این که رستگار شوید.

رعایت اعتدال در جهر و اخفاء (در نماز های جهری و خفیه) میرساند که عبادت باید توأم با متانت و آرامش و ادب انجام شود؛ تا الگویی باشد برای همه اعمال و تمام برنامه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان، که بدور از افراط و تند روی، و همچنان پاک از تفریط و سهل انگاری باشد، تا اصل اساسی (و ابتغ بین ذلك سیبلا) همه جا رعایت گردد.

هنگامی که معاذ رضی الله عنه به عنوان امام جماعت گروهی انتخاب شده بود و نماز و قرائتش را طول داد، رسول الله ﷺ به او فرمود: ﴿يَا مُعَاذُ أَفَتَانَ أَنْتَ أَوْ فَاتِنٌ ثَلَاثَ مَرَارٍ﴾. قال ذلك (ثلاث مرار).

۲

ای معاذ آیا دنبال فتنه هستی و می خواهی مردم را به فتنه بیندازی، ای معاذ؟!.. و این را سه بار تکرار فرمود. این بدان معنی است که سختگیری بر مردم و وادار کردن آنها به تحمل مشقت و سختی، بمعنی به فتنه انداختن آنهاست.

رسول الله ﷺ هنگامی که برای خود و به تنهایی نماز می گزارد، از همه مردم بیشتر طول می داد، اما زمانی که امام برای نماز می شد، از همه بیشتر تخفیف می داد و بسیار سریع الصلاة بود، و در این مورد می فرمود: ﴿إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ فَلْيُخَفِّفْ، فَإِنَّ مِنْهُمْ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَالْكَبِيرَ. وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ﴾.^۳ هرگاه کسی از شما برای مردم نماز بگزارد، باید تخفیف دهد و طول ندهد؛ زیرا در بین آنها، افراد پیر و ضعیف و ناقص هم هستند. اما زمانی که برای خود نماز به پا می دارد، هر چقدر می خواهد طول دهد. از ابی قتادة رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: ﴿إِنِّي لِأَقُومُ فِي الصَّلَاةِ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَطُولَ فِيهَا، فَاسْمَعْ بَكَاءَ الصَّبِيِّ، فَاتَجُوزُ كِرَاهَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَىٰ أُمِّهِ﴾^۴ من زمانی که برای اقامه نماز می ایستادم و می خواهم آن را طول دهم، اما چون آواز گریه کودک را می شنوم. (پس آن را) کوتاه می سازم دادم، تا مبادا باعث رنجش خاطر مادرش گردم.

از عایشه رضی الله عنها روایت شده که: ﴿فَهَاؤُمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْوَصَالِ رَحْمَةً لَهُ فَقَالُوا إِنَّكَ تَوَاصَلٌ قَالَ لَسْتُ كَهَيْئَتِكُمْ إِنِّي يَطْعَمُنِي رَبِّي وَيَسْقِينِي﴾^۵ رسول الله صلی الله علیه و سلم آنها را از روی

^۱ - الجمعة/ ۹ - ۱۰.

^۲ - الجامع الصحيح، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري/ ۱۸۰.

^۳ - همان.

^۴ - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، محمد بن فوح الحميدي، ۲۸۳/۱.

^۵ - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، محمد بن فوح الحميدي، ۷۸/۲.

رحمت و رأفت به ایشان، از وصال (روزه بدون افطار) نمی فرمود، گفتند: ولی تو ای پیامبر، خودت آن دو را به هم وصل می کنی! فرمود: من مثل شما نیستم. همانا پروردگارم، شبانه مرا طعام و آشامیدنی می دهد.

۳- وسطیت در اخلاق:

در فرهنگ معین آمده است: اخلاق، ج خُلُق؛ خوی ها.^۱ اسلام نیکوترین صورتهای وسطیت و اعتدال در اخلاق را ارائه می دهد، طور مثال: شجاعت، حد وسط میان ترس و بی باکی است که مؤمن، نه بزدل و ترسو، و نه هم بی باک و جسور باید باشد؛ بلکه حد وسط میان هردو را باید انتخاب کند که عبارت از شجاعت قلب است که در حکمت عقل جلوه گرمیشود.

همچنین میانه روی در انفاق که حد وسط میان بخل و تبذیر می باشد، از دساتیر اسلام عزیز است. الله متعال با بیان صفت ممتاز (عباد الرحمن) که اعتدال و دوری از افراط و تفریط در کارها مخصوصاً در مساله انفاق است، اشاره کرده می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^۲ و کسانی اند که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده روی می کنند و نه سخت گیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل)، حد میانه روی و اعتدال را رعایت می کنند.

رعایت وسطیت و اعتدال در اخلاق و عملکرد رسول الله ﷺ و صحابه کرام، عامل اصلی فتوحات و پیروزیهای چشمگیر و ایجاد مدنیت بزرگ اسلامی در مدت زمان کوتاه بود، که توانستند قدرت های مطرح آن عصر را مغلوب ساخته و اسلام را در تقریباً نصف کره زمین برسانند.

(جان دیون پورت)* می نویسد: (... محمد يك نفر عرب ساده، قبائل پراکنده كوچك و برهنه و گرسنه كشور خودش را مبدل به يك جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین آنها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، این طرز و روش امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد.^۳

آیه مبارکه، اصل انفاق را امر مسلم شمرده بطوری که نیاز به ذکر ندارد، چرا که انفاق یکی از وظائف حتمی هر انسان مسلمان است، لذا از کیفیت انفاق سخن می راند و می فرماید: انفاقی عادلانه و دور از هر گونه اسراف و سختگیری دارند، نه آن چنان بذل و بخششی کنند، که زن و فرزندشان گرسنه بمانند، و نه آن چنان سختگیر باشند که خیری به دیگران نرسانند. اسراف آن است که مال بیش از حد و در غیر حق و بیجا مصرف گردد، و اقتار آن است که کمتر از حق و مقدار لازم بوده باشد.

قوام (بر وزن عوام) در لغت به معنی عدالت و استقامت و حد وسط میان دو چیز است. همچنان الله متعال در بیان وصف عباد الرحمن می فرماید که آنها متواضع اند، تواضعی که بر روح آنها حکومت می کند و حتی در راه رفتن آنها نمایان است، تواضعی که آنها را بر تسلیم در برابر حق وامی دارد.

^۱ - فرهنگ معین، داکتر محمد معین، ۱/۱۱۷.

^۲ - الفرقان / ۶۷.

* دانشمند معروف انگلیسی.

^۳ - تفسیر نمونه، شیرازی، آیت الله مکارم و همکاران، ۴/۲۳۴.

اما تواضع را نباید با ضعف و ناتوانی و سستی و تنبلی اشتباه کرد، زیرا تواضع در راه رفتن به این معنی نیست، که سست و بی رمق گام بردارند، بلکه باید در عین تواضع، گام‌هائی محکم و با جدیت و قدرت بردارند. ابوهیره رض روایت میکند و می‌گوید: ﴿وما رأيت أسرع في مشيته من رسول الله صلى الله عليه و سلم كأن الأرض تطوى له إنا لنجهد أنفسنا وإنه لغير مكترث﴾^۱ من کسی را سریعتر در راه رفتن از پیامبر ﷺ ندیدم، گوئی زمین زیر پای او جمع می‌شد، و ما به زحمت می‌توانستیم به او برسیم و او اهمیتی نمی‌داد.

مثال هائی از اخلاق رسول الله ﷺ:

می‌توان بهترین الگو و نمونه وسطیت و اعتدال در اخلاق، شخص رسول الله صلی الله علیه و سلم را قرار دهیم که با افراد گناهکار، مهربانترین مردم بود و معصیت و گناه کسی مانع باز کردن قلبش نبود، و به او نگاه می‌کرد، همانگونه که یک طیب معالج به یک مریض نگاه می‌کند، و اینک برخی از این نمونه‌ها را متذکر می‌شویم:

۱- عن أبي أمامة : أن رجلا أتى رسول الله صلى الله عليه و سلم فقال : يا رسول الله ائذن لي في الزنا فصاح به الناس فقال النبي صلى الله عليه و سلم : ﴿أقروه فدنا حتى جلس بين يدي رسول الله صلى الله عليه و سلم فقال له النبي صلى الله عليه و سلم : أتجبه لأملك قال : لا قال : وكذلك الناس لا يجبونه لأمهاتهم قال : أتجبه لابنتك ؟ قال : لا قال : وكذلك الناس لا يجبونه لبناتهم قال : أتجبه لأختك ؟ قال : لا قال : وكذلك الناس لا يجبونه لأخواتهم فوضع رسول الله صلى الله عليه و سلم يده على صدره فقال : ﴿اللهم كفر ذنبه وطهر قلبه وحصن فرجه﴾^۲

از ابی امامه روایت است که جوانی از قریش نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و از او خواست که در «زنا» به او اجازه دهد! اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم به خاطر این کارش بر او ناراحت شدند، اما موقف پیامبر صلی الله علیه و سلم در برابرش، موقفی دیگر غیر از اصحاب کرامش بود. فرمود: نزدیک شو!... پس نزدیک آمد. فرمود: آیا دوست داری این کار با مادرت انجام شود؟! گفت: نه، به خدا قسم نه! فدایت شوم! پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: مردم هم دوست ندارند با مادر شان چنین شود، و سپس همین جمله را در مورد دختر و خواهر و عمه و خاله اش نیز تکرار نمود... و در تمام موارد فرمود: آیا دوست داری با آنان چنین شود؟!... او هم می‌گفت: نه! به خدا قسم دوست ندارم! فدایت شوم یا رسول الله! پیامبر صلی الله علیه و سلم هم می‌فرمود: پس بدان که مردم هم دوست ندارند... و بدین ترتیب از او دست برداشت و فرمود: پروردگارا! گناهِش را بخش و قلبش را پاک گردان و شرمگاهش را محفوظ بدار!... و بعد از این جریان، دیگر متوجه چیزی از او نشد.

^۱ - صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، عدد الأجزاء: ۱۸، ۲۱۵/۱۴. ترمذی آنرا غریب والالبانی آنرا ضعیف خوانده است.

^۲ - المعجم الكبير، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، الموصل، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي/۱۸۳/۸.

می بینیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم چگونه با عطف و مهربانی با آن جوان برخورد می کند و از شر و بدی و پلیدی زنا و فحشاء او را باز میدارد. و در آخر برایش دعای خیر میکند. در نتیجه آن مرد جوان، از آن روز به بعد، دیگر مرتکب گناه و معصیت نشد.

عَنْ عَبْدِ بْنِ عُمَيْرٍ أَحَدِ كِبَارِ التَّابِعِينَ كَانَ الَّذِي يَشْرَبُ الْخَمْرَ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَبَعْضِ إِمَارَةِ عُمَرَ يَضْرِبُونَهُ بِأَيْدِيهِمْ وَنَعَالِهِمْ وَيَصُكُونَهُ...^۱

شخص دائم الخمر را در حالی نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آوردند که بیشتر از هر روزی خمر نوشیده بود؛ پس حد بر او اجرا کردند و مورد عقاب قرار گرفت. اما همین که رها شد، شیطان بر او غلبه یافت و او را مجدداً به نوشیدن شراب وا داشت. دو باره او را نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آوردند و باز هم مورد تعزیر قرار گرفت... و این چنین، چندین بار این عمل اتفاق افتاد تا اینکه روزی باز هم در حالی که شراب خورده بود، او را برای اقامه حد نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آوردند. بعضی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و سلم گفتند: خداوند او لعنت کند! مگر این برای چندمین بار است که نزد رسول الله ﷺ، این چنین آورده می شود؟!.. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و سلم بر لعن این مسلمان، علی رغم نوشیدن ام الخبائث و اصرار و مداومت بر آن، ساکت نشد و به کسانی که او را لعنت می کردند، فرمود: او را لعنت نکنید؛ زیرا خدا و رسولش را دوست دارد!، و در روایتی دیگر آمده است که فرمود: شیطان را بر علیه برادر تان یاری ندهید!.



^۱ - مصنف عبد الرزاق، أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳، ۳۷۷/۷.

مبحث دوم

وحدت امت

امت اسلامی به اساس ایمانی که به پروردگارش دارد، و به خاطر این انتساب مطمئن و مستحکم، امت واحد است که قبله ای واحد، کتاب واحد، پیامبر واحد و دین و عقیده واحد آن را جمع می‌گرداند. و مصدر اساسی برای تلقی برنامه و منهجش که هیچ‌گونه تعارض و تضادی در آن نیست، وحی الهی میباشد، که به صورت قرآن و سنت تجلی پیدا کرده است.

عقیده توحید و یکتاپرستی، اساس وحدت است، و به همین خاطر امت اسلامی، امت واحد است. مؤمنان این طرز فکر و دیدگاه توحیدی را محض به یک اعتقاد درونی و قلبی منحصر نکرده، بلکه در عمل و رفتار خود نیز این اعتقاد جازم را ممارست عملی بخشیده اند، که دارای مبانی و معیارهائی میباشد و اینک این مبانی را در دو مطلب مورد بحث قرار میدهیم:

مطلب اول

مفهوم وحدت امت

دانشمندان اسلامی معاصر، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را، خصوصاً در اوضاع و احوال کنونی، از ضروری ترین نیاز های امت اسلامی می دانند. از جانب دیگر، وحدت اسلامی و اخوت اسلامی، مورد اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد آن است. و قرآن و سنت به آن تأکید دارد. وحدت در لغت: یگانگی، اتحاد برای کمک به یکدیگر. وحدت: قابل انقسام نبودن یک شی را گویند، ضد آن، کثرت و قابل انقسام بودن شی می باشد.

برخی گفته اند: وحدت عین وجود است، زیرا وحدت شی یعنی وجود آن، و هر شی تا از جهتی وحدت نیابد، موجود نمی شود، مثلاً تا اجزای بدن انسان وحدت خاصی نیابد، و با یکدیگر متحد نشود، انسان بوجود نمی آید.^۱

وحدت امت: مهم ترین رکن استمرار و حضور جماعت، تضمین وحدت آن است. و وحدت جماعت، تنها در سایه طاعت از امام یا خلیفه متصور می باشد. و تضمین وحدت با وحدت سرزمین محقق می شود، از این رو همواره بر ضرورت طاعت امام برای حفظ وحدت امت تأکید شده است.

به این اساس، میتوان گفت: کیان و وجود امت اسلامی بحیث یک امت زنده که رهبری جهان را بدوش داشته باشد، در گرو وحدت آن است، و بدون وحدت و یک پارچگی، نمیتوان کیان امت را تصور کرد. این مطلب را الله متعال چنین ارشاد می فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۲ این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه ای بوده (و آیین واحد و برنامه ی یکتایی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید (چرا که ملت واحد، با برنامه واحد، باید رو به خدای واحد کند). مقصود از وحدت اسلامی کنار گذاشته شدن مذاهب اسلامی و مسائل اختلافی آنها نبوده و وحدت امت، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از وحدت امت، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، با وجود اختلافات مذهبی و فرعی، در برابر بیگانگان است. برخی از اهل غرض و مرض، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهوم غیر منطقی و غیر عملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند، و آن را رنگ و بوی مذهبی میدهند، تا با شکست و نابودی مواجه گردد. زیرا منظور از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات

^۱ - دائرة المعارف فارسی، غلام حسین مصاحب، چاپخانه سپهر، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۸۳، جلد ۲/۴۶۳.

^۲ - الانبیاء/۹۲.

مذاهب و جانب مفترقات آنها نمی باشد، که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی. بلکه منظور، وحدت و یک پارچگی امت اسلامی در یک صف واحد در برابر دشمنان مشترک شان است. زیرا مسلمانان مشترکات بسیار زیادی دارند که می تواند مبنای یک اتحاد مستحکم میان مسلمانان جهان گردد.

اساس وحدت امت اسلامی ایمان است، ایمانی که متضمن تصدیق پیام وحی و تسلیم شدن در برابر آن باشد و ثابت می کند که همه مسلمانان باهم برادر هستند. ارشاد الهیست: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱ فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.

پیامبران الهی دارای برنامه واحد و هدف و مقصد آنها نیز یکی بوده است، هر چند با اختلاف زمان و محیط، دارای ویژگیها و روشهای متفاوت بوده اند، اما همه در نهایت امر در یک خط واحد حرکت داشتند، که عبارت از خط توحید و مبارزه با شرک و دعوت جهانیان به یگانگی و حق و عدالت بود. رمز و راز این یگانگی و وحدت برنامه و هدف، در این حقیقت نهفته بوده که همه از یک مبدء الهی سرچشمه می گرفته اند.

جامعه متحد و یکپارچه، نیاز اولی و جدی برای هر امتی، اعم از کافر و یا مسلمان، می باشد؛ و امت اسلامی مستحق ترین امتهای درین امر است. زیرا اصول اعتقادی اسلام ایجاب میکند که همه مومنان، بندگان پروردگار واحد اند و تمام مسایل خود را طبق حکم و فرمان او تعالی حل می سازند. و یقین دارند که حکم و فرمان او تعالی برتر از هر فکر و اندیشه دیگری بوده و از بروز هر نوع اختلاف و تفرق فیمابین شان جلوگیری می نماید، و ارشادات الهی منبع و سرچشمه زندگی اجتماعی برای همه جوامع می باشد. و به منظور حفظ و نگهداری وحدت امت، الله متعال ما را دستور داده است تا به رسن الهی زده و از تفرق و اختلاف برحذر باشیم.

سید جمال الدین افغانی نیز به منظور تحقق وحدت امت اسلامی به حرکت افتیده و مردم شرق را بسوی احیای امت اسلامی فرا خواند. او تمام زندگی خود را بخاطر مقابله با اشغالگری و پیشبرد دعوت بسوی وحدت جامعه اسلامی وقف کرد. و به این باور بود که وحدت اسلامی یگانه راه مقاومت در برابر اشغالگری و استعمار اروپایی و ایستادگی در برابر اطماع آنها می باشد. و تأکید داشت که اسلام یگانه عنصر محوری در برابر استعمار می باشد.

بدون شک، که تحقق وحدت امت، با تقارب فرهنگی و ثقافی میان اقشار مختلف مسلمانان، آزاد سازی کشور های اسلامی، حفظ ارزش های دینی و مقدسات اسلامی و احیای مجد و عظمت آن ها صورت گرفته میتواند، تا وحدت کلی و همه جانبه و قیادت واحد اسلامی بمیان آمده و وحدت امت اسلامی دوباره اعاده گردد.



^۱ - الحجرات/۱۰.

مطلب دوم

مبانی وحدت امت

قرآن کریم، بنیاد های اساسی را وضع نموده است، که زیر بنای امت ها بوده و بر اساس آن ساخته می شود، و رسول الله صلی الله علیه وسلم امت خود را تشویق نموده است تا از این قواعد پیروی نموده و مطابق آن حرکت نمایند.

یکی از این قواعد، حفظ وحدت و تمسک جستن به رسن الهی، نمی از تفرقه پراگندگی و التزام به نصیحت و خیر خواهی، نمی از منکر و امر به معروف است و باید کسانی به ادای این وجیبه اقدام می نمایند، که خواستار دفاع از رسالت و ارزش های این امت اند. و بدون شک، اگر امت اسلامی مطابق همین دستاویز حرکت نماید، به فلاح و رستگاری کامل و نهائی می رسد.

مسلمانان یک امت واحد هستند، و اساس این وحدت، اسلام و پابندی به شریعت الهی است، و با وجود اختلاف زبان، رنگ و جغرافیا، به اساس اصول اسلامی و نص قرآن کریم، همه با هم برادر اند، و هیچ قوم و نژادی، بر بالای قوم و نژاد دیگری برتری ندارد، هیچ عرب بر عجم و هیچ سفید بر سیاه برتری ندارد، مگر به اساس تقوا، و این اصول اعتقادی اسلامی، همه اهل قبله را در تحت یک چتر قرار میدهد، مگر کسی که یکی از ضروریات دین را انکار نماید، که با این کار مرتد شده و از جامعه اسلامی خارج میگردد.

مسلمانان همه خدای یگانه را می پرستند، به نبوت رسول الله ﷺ ایمان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، همانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می خوانند و مانند هم روزه می گیرند و تشکیل خانواده می دهند و داد و ستد می نمایند و جنازه خود را دفن می نمایند. و جز در اموری جزئی، با هم اختلافی ندارند. دارای جهان بینی واحد و فرهنگ مشترک اند، منسوب به يك تمدن عظیم و با شکوه اسلامی اند. آداب و سنن اجتماعی آنها می تواند از آنها ملت واحد قدرتمند، با تمدن عظیم به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان را در برابر آنها به خضوع و اداری نماید.

علاوه بر آن، مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و مکلفیت های شرعی شان، آنها را به یکدیگر مربوط می کند. بناء، اگر به این اصل قرآنی عمل صورت گیرد، هیچ ضرورتی ایجاب نمی

کند که مسلمانان به خاطر ایجاد آشتی و توافق بین هم، به صلح و مصالحه و گذشت در مورد اصول یا فروع فقهی دست به کار شوند.

تنها چیزی که وحدت امت اسلامی را به خطر مواجه میکند، برانگیخته ساختن احساسات و ایجاد کینه توزی و تفرقه در میان مسلمانان و شعله ور نمودن حسادت ها میباشد، ارشاد الهیست: ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^۱ و از کسانی که می گویند: ما مسیحی هستیم (و ادعا دارند که یاران مسیح می باشند نیز) پیمان گرفتیم (که به انجیل عمل کنند و خدای را به یگانگی بستایند و محمد را پیغمبر و پسین بدانند) اما آنان قسمت قابل ملاحظه ای از آنچه بدانان تذکر داده شده بود به دست فراموشی سپردند ؛ لذا به پاداش آن تا دامنه قیامت ، میان (گروه های مختلف) ایشان کینه و دشمنی افکنیم (و تا روز رستاخیز پیوسته فرقه های مسیحی همدیگر را کافر و ملعون می نامند و یکدیگر را دشمن می دارند) و خداوند (در آن روز) ایشان را از آنچه کرده اند آگاه خواهد ساخت (و پاداش اعمالشان را خواهد داد) .

بناء، باید مسلمانان متانت و استواری خود را حفظ کنند، از لعن و نفرین و دشمنی بین هم اجتناب نمایند، به یکدیگر قهمت نزنند و دروغ نیندند، یکدیگر را مسخره نکنند، از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. و لاقبل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمانان به اسلام، لازم دانسته است، در باره خود شان رعایت نموده و بر این اصل قرآنی عمل کنند، که الله متعال در رابطه با تعامل با غیرمسلمانان ارشاد میفرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۲ . (ای پیغمبر !) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان ، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن ؛ چرا که (بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه ، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا .

یگانه راه رسیدن به وحدت و اجتناب از تفرقه و اختلافات ناپسند جزئی و فرعی که کیان امت را به چالش کشیده است، شناخت مشترکات امت و درک اصول و مبانی وحدت امت است که اینک در این مبحث مبانی وحدت امت اسلامی را تحت چند عنوان مورد بحث قرار می دهیم:

الف: دین و عقیده

تعریف عقیده: عقیده از نگاه لغت از (عقد الحبل) گرفته شده و بمعنی گره زدن ریسمان، به ریسمان دیگر می آید.

در معجم الوسیط چنین تعریف گردیده است: (الحکم الذی لا یقبل الشک فیہ لدی معتقدہ و) (فی الدین) ما یقصد به الإعتقاد دون العمل کعقیده وجود الله و بعثه الرسل)^۳ . یعنی: عقیده حکمی را گویند که شک را در امور اعتقادی نمی پذیرد، و عقیده در دین عبارت است از آنچه اعتقاد بنده به آن درست میشود، نه عمل، مانند: اعتقاد به وجود الله متعال و بعثت انبیاء صلی الله علیهم و آله و سلم، و جمع آن عقاید میباشد.

^۱ - المائدة/ ۱۴ .

^۲ - النحل/ ۱۲۵ .

^۳ - المعجم الوسیط، ابراهیم مصطفی أحمد الزیات - حامد عبد القادر - محمد النجار، ۲/ ۶۱۴ .

بناء، عقیده را در شریعت میتوان چنین تعریف کرد: اعتقاد جازم و یقین صحیح داشتن به اینکه الله متعال یگانه خالق، مالک و پروردگار هر چیز، و مالک و آفریدگار همه اشیاء میباشد و تنها او تعالی مستحق عبادت و متصف به تمام صفات کمال بوده، و منزله از هر عیب و نقص است. همراه با پای بندی به این عقیده و عمل کردن به آن. و اعتقاد جازم به اینکه تمام آنچه بالای پیامبرش محمد ﷺ نازل فرموده حق است. که این عقیده توحید و عملی میان امت اسلامی از منبع وحی سرچشمه می گیرد.

اهمیت و ارزش عقیده:

عقیده اسلامی و باور مندی به توحید الهی یگانه محوری است که امت اسلامی را با هم متحد ساخته است، و این در صورتی ممکن است، که این عقیده بصورت واضح و روشن و بدون غل و غش در افکار و دیدگاه های امت ترسیخ یابد و آنرا اساس و محور همه تعاملات و تصرفات دینی و دنیوی خویش بسازند.

احمد بن سعید الغامدی* در این مورد مینویسد: (عقیده اساس و زیر بنایی است که دین بر آن بنا گردیده است و هرگاه قوی و مستحکم باشد، و از انحرافات پاک باشد، تصحیح بقیه موارد آسان گردیده و امکانات وحدت و اجتماع بین مسلمانان بیشتر میگردد، و در غیر آن، همه به مشکلات عدیده مواجه خواهد گردید. سلامتی و صفای عقیده از آراء و دیدگاه های دخیل در آن، سبب از میان رفتن همه موانع وحدت امت اسلامی و تشکیل صف واحد میگردد.)^۱

اهمیت و ارزش عقیده را میتوان در چند نکته ذیل تلخیص کرد:

۱- عقیده اساس و زیربنای جامعه اسلامی بوده و در همه شئون جامعه نقش سازنده و تعیین کننده دارد.

۲- عقیده اساس دین و شرط قبول و صحت هر عمل نیک است، الله متعال میفرماید: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۲ و کسیکه از چیزهایی که باید به آن ایمان آورده شود منکر گردد، واقعاً عمل او حبط گردیده است و در آخرت از زیانکاران است. و میفرماید: ﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۳ همانا به تو و به پیشینیان تو وحی شده بود که اگر شرک آوری واقعاً عمل تو حبط میشود و بیگمان از زیانکاران میگردد.

۳- عقیده توحید اساس دعوت انبیاء علیهم السلام است: الله متعال میفرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۴ به تحقیق در هر امتی رسولی (با این فرمان) فرستادیم که خدا را پرستش کنید و از (عبادت) بتان پرهیزید. هر وحدتی که بر پایه توحید و تقوای الهی استوار نباشد، بی اساس و از بین رفتنی است. الله متعال این وحدت را به توحید و اخلاص عبادت برای خدا به وسیله

^۱ - أثر العقيدة الإسلامية في تضامن ووحدة الأمة الإسلامية، أحمد بن سعد حمدان الغامدي، الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة

الطبعة: السنة السادسة عشرة، العدد الواحد والستون - محرم - صفر - ربيع الأول ١٤٠٤هـ/ ١٩٨٤م، ١/١٠٧.

^۲ - المائدة/٥.

^۳ - الزمر/٦٥.

^۴ - النحل/٣٦.

بندگی ربط داده می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾^۱ و بدیشان گفتیم به اقوام خود برسانند که) این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه ای بوده (و آئین واحد و برنامه یکتائی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها از من بهراسید (چرا که ملت واحد، با برنامه واحد، باید از خدای واحد بترسد و خویشتن را از عذاب و عقاب او به دور دارد. و می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۲ این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه ای بوده (و آئین واحد و برنامه واحدی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید (چرا که ملت واحد، با برنامه واحد، باید رو به خدای واحد کند).

یکی از مبانی وحدت امت اسلامی کعبه معظمه به عنوان رمز توحید خالص است که امر امت را از وحدانیت عقیده به وحدت صف می‌کشاند، زیرا هر مسلمان همه روزه حد اقل پنج بار در همه نمازهای خویش رو به قبله ایستاده و فریضه الهی را بجا می‌آورد، بدین ترتیب، می‌بینیم که همه افراد این امت به رشته کعبه بعنوان رمز وحدت امت اسلامی چنگ زده اند.

علمای امت در این رابطه چنین اظهار نظر میکنند:

۱- امام طحاوی* در عقیده اش میگوید: اهل قبله مان را مسلمان و مؤمن می‌نامیم مادامی که به تمامی آنچه که پیامبر ﷺ آورده، اعتراف کنند و پیامبر ﷺ را در هر چیزی که فرموده و خبر داده، تصدیق نمایند.^۳

۲- ابن تیمیه در الفتاوی خویش می‌گوید: مذهب اهل سنت و جماعت تقریر کرده و کتاب و سنت هم بر آن دلالت می‌کند که آنان احدی از اهل قبله را به خاطر گناهی تکفیر نمی‌کنند و احدی را به خاطر ارتکاب عمل حرامی از قبیل زنا، دزدی و شراب‌خواری از دایره اسلام خارج نمی‌کنند تا زمانی که این عمل متضمن ترک ایمان نباشد. اما اگر متضمن ترک ایمان به چیزهایی باشد که الله متعال به آن امر نموده، مانند ایمان به خدا، فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیامبران، و زنده شدن پس از مرگ، در این صورت کافر و از دایره اسلام خارج می‌شود.^۴

امت اسلامی با وجود اختلافات فروعی فقهی و منازعات سیاسی و اجتماعی امت واحده بوده به

نص قرآن کریم امت یگانه خوانده شده اند: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾^۵ امت شما امت یگانه است.

^۱ - المؤمنون / ۵۲.

^۲ - الانبیاء / ۹۲.

* أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن سلمة بن عبد الملك بن سلمة بن سليم بن سليمان بن حوالب الأزدي الطحاوي، منسوب به قرية درصعيد مصر است، امام، محدث، فقیه، حافظ. درسال ۲۳۹ متولد گردید، علم را از مامانیش إسماعیل بن یحیی المزی، فقیه ترین أصحاب امام شافعی فراگرفت، به کتب اصحاب امام ابی حنیفه رحمه الله و منهج فقهی ایشان درتاصیل و تفریع می پرداخت، بعد از معرفت کامل از فقه امام، به اوقاتدی نموده واز بیروان او در مذهب گردید، اما این امر مانع مخالفت وی با امام دربرخی موارد نمیشد، از مهمترین مصنفات او شرح معانی الآثار وعقیده الطحاوی میباشد، درسال ۳۲۱ هجری در ذی القعدة وفات یافت و در مصر درقرافه به خاک سپرده شد. رحمه الله رحمه واسعه منبع: شرح عقیده الطحاوی، تالیف: علی بن علی بن محمد بن أبي العز الحنفی/ ۱۳.

^۳ - شرح العقيدة الطحاوية، محمد ناصر الدين الألبانی، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية - ۱۴۱۴، ۳۵۱/۱.

^۴ - مجموع الفتاوی، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تیمیة الحرائی الحنبلی الدمشقی، المحقق: أنور الباز عامر الجزائر، الناشر: دار الوفاء، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م. ۵۴۹/۷.

^۵ - الانبیاء / ۹۲.

اما اختلافات و تعصبات نژادی موجود که سبب تفرقه و اختلاف میان مسلمانان در این عصر گردیده است، دستور شیاطین جنی و انسی میباشد.

در حقیقت عقب هر فرقه، از فرقه های گمراه، فهم نادرستی وجود دارد و عقب هر خونی که به ناحق ریخته می شود، عقل و اندیشه انحرافی تکفیری وجود دارد، به گونه ای که مسلمان حاضر میشود خون مؤمنی را حلال دانسته آنرا بریزاند، در حالیکه هیچ مسلمانی خون مسلمان دیگر را حلال نمی داند، زیرا الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^۱ و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد (و از ایمان او باخبر بوده و تجاوز کارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر به شمار می آید) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی برای وی آماده می کند. به این ترتیب، می بینیم که میان همه برنامه ها و احکام اسلامی رابطه ای وجود دارد.

بنابراین، مسلمانان باید به اعمال و رفتار خود تجدید نظر کنند و عناصر و عوامل تفرق و اختلاف را کنار گذاشته و در جهت وحدت فکر و عقیده و توحید صفوف خویش تلاش نمایند، تا در مقابل عناصر شر و تفرقه ید واحدی باشند و در مقابله با خطرات موجود، ایستادگی نمایند. و با عمل و برنامه واحد دینی و عقیدتی و جنبه های معنوی و روحانی خود، وحدت امت اسلامی را تمثیل نمایند.

ب: اخوت

دومین اصلی که بعد از عقیده و ایمان به الله متعال، در حفظ وحدت امت نقش بارز و اساسی دارد، اخوت اسلامی است که همه مومنان به اساس آن برادر خوانده شده اند.

مراد از اخوت آنست که قلب ها و ارواح مومنان با رشتۀ ایمان پیوند عمیق یابند زیرا ایمان و عقیده، محکم ترین و برترین پیوندها می باشد.

از دیدگاه اسلام، اخوت نشانه ایمان و تفرق نشانه کفر است، اولین هسته قوت، قوت وحدت میان مومنان است و وحدت بدون محبت بوجود نمی آید. اولین مرحله محبت سلامت صدر و بلندترین مرتبه آن ایثار است. ارشاد الهی است: ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲ و کسیکه از بخل نفس وقایه شد، آن گروه از رستگاران است.

پیامبر ﷺ ارشاد میفرماید: ﴿الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَيْتِ إِذَا بَدَأَهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا﴾^۳

مسلمان با مسلمان مانند اجزای یک دیوار اند که یکی دیگری را مستحکم می گرداند.

اخوت اسلامی نعمت بزرگ الهی است، الله متعال ارشاد میفرماید: ﴿وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ

كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^۴ به یاد داشته باشید نعمت خدا را بر خودتان، آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و خدا دلهایتان را با یکدیگر الفت بخشید، و به نعمت او برادران یکدیگر شدید.

^۱ - النساء / ۹۳.

^۲ - الحشر / ۹.

^۳ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، محمد بن فتوح الحمیدی، ۱/۱۷۷.

^۴ - آل عمران / ۱۰۳.

﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ﴾^۱ و دل‌هایشان را با یکدیگر الفت بخشید. اگر همه آنچه در زمین است را خرج می‌کردی نمی‌توانستی دل‌هایشان را با یکدیگر الفت دهی، ولی الله متعال آنان را با یکدیگر الفت بخشید. او عزیز و حکیم است.

احساس برادری، یک اعتقادی است که شخص مومن با آن فرمان الله متعال را متقبل می‌گردد، او تعالی را با آن می‌پرستد و با همین اعتقاد با الله متعال ملاقات می‌کند، و این حالت را وسیله تقرب خویش به پروردگار می‌داند. رسول الله ﷺ در یکی از دعا های خود به مسئله اخوت دینی چنین تاکید می‌ورزد:

﴿اللهم ربنا ورب كل شيء ومليكه أنا شهيد أنك الرب وحدك لا شريك لك، اللهم ربنا ورب كل شيء أنا شهيد أن محمداً عبدك ورسولك، اللهم ربنا ورب كل شيء أنا شهيد أن العباد كلهم إخوة..﴾^۲

پروردگارا! ای پروردگار و دارنده همه چیز و همه کس، من گواهم که تو پروردگار یکتای من هستی و شریک و همانندی نداری. خدایا! پروردگار من! ای پروردگار همه چیز! من گواهم که محمد بنده تو و فرستاده تو است. خدایا! ای پروردگار همه چیز! من گواهم که بندگان تو همه باهم خواهر و برادرند... با این دعا پیامبر خدا ﷺ پس از هر نماز، با پروردگارش به راز و نیاز می‌پرداخت، و این دعا با آشکار ترین رهنمود، ما را از ارزش برادری انسانی در پیام اسلام آگاه می‌سازد.

این اعتقاد به برادری، نزد مسلمانان جایگاه بس بزرگی بعد از توحید و اعتقاد به پیامبری محمد ﷺ دارد، نهال محبت و اخوت را در قلب انسان مؤمن می‌کارد، زیرا همواره این دعا را زمزمه میکند: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۳ پروردگار ما! ما را بیامرز و برادران ما را که در ایمان بر ما سبقت گرفته اند نیز بیامرز. و در دل های ما کینه مسلمانان دیگر را قرار مده که تو خود رؤوف و رحیم هستی.

اخوت ایمانی، سلامت قلب از امراض قلبی، مانند کینه و حسد را به بار می‌آرد، و از ویژگی انسان مومن میباشد، زیرا ایمان شخص مسلمان کامل نمی‌شود، مگر آن که برای برادرش همان را بخواهد که برای خویش می‌خواهد و دوست می‌دارد، و برای برادرش نخواهد و نپسندد آنچه را برای خویش نمی‌خواهد و نمی‌پسندد، رسول الله ﷺ میفرماید: ﴿لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَجِبَ لِأَخِيهِ مَا يَجِبُ لِنَفْسِهِ﴾^۴ ایمان شما کامل نمی‌شود، تا آن که برای برادرش همان را بخواهد که برای خویش می‌خواهد و دوست می‌دارد. و قرآن کریم مومنان را با هم میخواند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۵ در حقیقت، مؤمنان باهم برادرند.

برادری در اسلام، از لوازم ایمان است، زیرا هیچ برادری واقعی، بدون ایمان و هیچ ایمانی بدون برادری نیست. اخوت دینی بین مسلمانان یکی از مزایای اسلام است که در بین پیروان ادیان و مذاهب

۱- الانفال/۶۳.

۲- سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، ۱/۵۵۷. شعيب الأرنؤوط درتعلق انش إسناد اورا ضعيف خوانده این معین میگوید: ليس بشيء وعقبلي اورا در (الضعفاء) ذکر کرده و گفته است: حديثنا باطلا لا أصل له.

۳- الحشر/۱۰.

۴- الجامع الصحيح سنن الترمذي محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، ۴/۶۶۷.

۵- المحجرات/۱۰.

دیگر دیده نمی شود و از اصول و قواعد نظام اجتماعی اسلام می باشد، و این اخوت که بر اساس اسلام و ایمان استوار می باشد، بالاتر و برتر از هر رابطه دیگری می باشد.

پیامبر اسلام ﷺ این معانی اخوت را بشکل عملی آن در صدر اسلام به نمایش گذاشتند، طوریکه سلمان فارسی، صهیب رومی، بلال حبشی، رهبران انصار، بزرگان قریش و برده های آزاد شده همه در کنار هم در کمال محبت به شکل برادر وار زندگی نمودند. و نمونه واضحی از اخوت اسلامی را به جهانیان تقدیم کردند، چیزی که مسلمانان در عصر حاضر از آن فاصله گرفته و این اصل اسلامی را بفراموشی سپاریده اند.

اموریکه بر این برادری دینی و اخوت اسلامی مرتب می گردد:

۱- محبت و مودت، صلح و تعاون، اتحاد و وحدت، اساس کار در روابط اجتماعی میان مسلمانان را تشکیل می دهد، و بروز هر نوع مخالفت و جدال سطحی و فروعی با مراجعه به اصول و قواعد متین اسلامی قابل حل بوده و نمونه از رحمت الهی پنداشته می شود.

پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرموده اند: ﴿إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالنَّبْتِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ﴾^۱ مؤمن با مؤمن، یعنی رابطه مسلمانها با همدیگر در تعاون و همکاری چون ساختمانی است که یک گوشه ای از آن، گوشه دیگر را مستحکم می کند. پس از آن رسول الله ﷺ برای بیشتر روشن شدن موضوع، انگشتان دو دست مبارک خود را به همدیگر در آوردند.

رسول الله ﷺ فرموده اند: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿الْمُتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي لَهُمْ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ يَعْطِيهِمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ﴾^۲ . الله جل جلاله فرمود: برای آنانیکه در راه من با هم مهر و محبت می ورزند، منبرهایی از نور است که پیامبران علیهم السلام و شهداء بر آن غبطه می برند، یعنی مقام آنها را انبیاء و شهداء آرزو میکنند و می پسندند.

۲- از هر نوع جدال و منازعه که به تفسیق و تکفیر یکدیگر انجامد، جلوگیری مینماید، عبدالله ابن مسعود^۳ روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرموده اند:

﴿إِنَّ قَتْلَ الْمُؤْمِنِ كُفْرٌ وَإِنَّ سِبَابَهُ فِسْقٌ﴾^۳ کشتن مومن کفر و ناسزا گفتن به او فسق است.

مال، آبرو و خون مسلمانان در بین همدیگر در امان بوده و هر نوع تجاوز بر آن حرام است. پیامبر ﷺ فرموده اند: ﴿كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ؛ مَالُهُ، وَعَرَضُهُ، وَدَمُهُ﴾^۴ مال، آبرو و جان هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.

۳- مسلمانان در میان همدیگر با مودت و محبت همانند یک پیکر واحدی به هم پیوسته اند.

پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرموده اند: ﴿مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى﴾^۵ . مثال مومنان در مودت و محبت و عاطفه موجود در

^۱ - الجامع الصحيح، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله، ۱/۱۲۹.

^۲ - الجامع الصحيح سنن الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، ۴/۵۹۷.

^۳ - المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۱۴۱۵، ۳۱/۸.

^۴ - سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، عدد الأجزاء: ۴، ۴۲۲/۴.

^۵ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، ۲۰/۸.

میانشان، همانند یک پیکر واحد اند، که اگر عضوی از اعضای آن به درد آید، سایر اعضای بدن با شب بیداری و تب، همراهی اش می کنند.

وقتی رسول الله ﷺ از مکه به مدینه مهاجرت نمود، میان مهاجرین و انصار پیمان برادری را بست، به این صورت که هر یک از مسلمانان مهاجر را با مسلمانی از انصار برادر و شریک گردانید.

هر انصاری دست برادر مهاجر خویش را می گرفت و به منزل خویش می برد. و همه دارایی خود را با او تقسیم می کرد و هم چون دوستی بسیار عزیز و گرامی از او پذیرایی می نمود، از هیچ نوع همکاری و راهنمایی به او از هیچ گونه تلاشی دریغ نمی ورزید. قرآن این ایثار و فداکاری انصار را بهترین الگو برای رهنمود نسل های بعدی قرار داده و آن را چنین به تصویر کشیده است: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه خود (آیین اسلامی) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار نمودند) کسانی را دوست می داشتند که به نزد ایشان مهاجرت کرده اند، و در درون خود به آنچه که به مهاجران داده اند احساس رغبت و نیاز نمی کنند و ایشان را بر خود ترجیح می دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از (بلای) بخل خود مصون بمانند ایشان قطعاً رستگارند.

اسلام این اصل برادری را با دو اصل بنیادی در اندیشه اسلام همراه ساخته است، دو اصلی که هیچ فردی جز در صورت ایمان آوردن و شهادت دادن بدان ها وارد این دین نخواهد شد، و عبارتند از: اعتقاد به وحدانیت او تعالی و رسالت بنده اش محمد ﷺ و این دلیلی است بر اهمیت برادری در اسلام.

این اصل، بنیاد برادری میان مسلمانان را ریشه دار و مستحکم می سازد و مفهوم برادری را مورد تأکید قرار داده و آن را نهادینه می کند و عنصر ایمان به این برادری استواری و پایداری بیشتر می بخشد، چرا که برادری دینی با برادری انسانی به هم می پیوندند؛ و مومنان که به این برادری ایمان دارند، آن را تبلیغ می کنند و از آن دفاع مینمایند، الله متعال در مورد اخوت می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲ مومنان باهم برادر اند و میان برادران تان صلح کنید، و از الله متعال بترسید تا رحم کرده شوید. و پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه﴾^۳ مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و وی را به دشمن تسلیم نمی سازد.

اخوت دینی در اسلام یک تصور دور از واقعیت نبوده بلکه اسلام به این برادری والا و ارزشمند جامه عمل پوشاند، که شعارش این بود: (از شما احدی مؤمن به شمار نخواهد آمد، مگر این که آنچه را برای خود دوست می دارد، برای برادرش هم دوست بدارد).

این گونه نظام و جامعه در سایه عقیده اسلامی و اخوت دینی، پس از هجرت پیامبر ﷺ در شهر مدینه به وجود آمد. در نتیجه برپایی آن، دشمنی های گذشته از میان رفت؛ موانع بین عرب های قحطانی و

^۱ - الحشر/۹.

^۲ - الحجرات/۱۰.

^۳ - السنن الكبرى و في ذيله الجوهر النقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، مؤلف الجوهر النقي: علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، ۶/۹۴.

عدنانی از میان برداشته شد، و کینه های میان عرب و عجم از بین رفت؛ تفاوت و اختلافات میان توانگران و نیازمندان، از میان برداشته شد و فضای دوستی و همدیگر پذیری حاکم گردید که حتی بلال حبشی، سلمان فارسی و صهیب رومی در کنار برادران عرب شان از صحابه، گرد هم می آمدند و تفاوت های نژادی، رنگ پوست، و اختلافات قبیله ای که مردم را دسته دسته و از هم جدا می کند، همه را شستشوداده و آنها را با هم برادر ساخت؛ قلب های آنها را از پلیدی های جاهلیت شست، و کینه توزی ها و حسادت ها را از میان برداشت، برادری ایمانی استحکام و قلب های مؤمنان به هم پیوند یافت و امت واحد به مفهوم واقعی کلمه ایجاد شد که اکنون هم با تامین همچو نظامی میتوان به آن جایگاه عظیم دست یافت و امت واحدی را از نو تعمیر نمود.

ج: قیادت و رهبری:

رهبری و قیادت جزء لاینفک یک جامعه موفق است و بدون قیادت سالم نمی تواند استحکام یابد، و این قیادت است که افراد امت را برای ادای وجایب شان آماده می ساد تا بحیث امت قاید، رهبری را به عهده بگیرد، و مسلمانان را تحت یک قیادت واحد، قرارداد و از پراکنده گی و تشتت جلوگیری بعمل آورد، تمام آنها را دور هم جمع نماید و تمام افراد آن را یکی با دیگری پیوند دهد همه را تحت قیادت رسول الله صلی الله علیه وسلم متحد ساخته و مجد و عزت از دست رفته شانرا اعاده کند. زیرا این دین آمده است تا بین مردم مطابق شریعت الهی حکم نموده و بشریت را به سوی خیر و صلاح، سوق داده و آنها را به راه راست رهنمایی کند. الله متعال ارشاد می فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱ همگان به ریسمان محکم (کتاب) الله چنگ بزنید و تفرقه نکنید. و می فرماید: ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۲ و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند. و این پیام را با وعده پیروزی و رستگاری خاتمه بخشیده می فرماید: ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۳ و اینانند که یقیناً رستگارند. البته تحقق این امور مهم که به سرنوشت امت تعلق دارد؛ و سرفرازی امت را تضمین میکند، بدون وحدت و انسجام لازم، ناممکن است، زیرا هیچ امتی نمی تواند به سوی نهضت و استحکام راه یابد، مگر بعد از آن که از جامعه با هم پیوسته و وحدت واقعی برخوردار باشند، تا در نتیجه به امت زنده، مانند جسد واحد مبدل شوند. که آرمان اسلام عزیز است، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم درین مورد فرموده اند: ﴿تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى﴾^۴ مسلمانان را در محبت، دوستی و ترحم بر یکدیگر، مانند یک جسد واحد می بینی که چون یک عضو آن بیمار شود، سایر اعضای آن، با بیدار خوابی و تب کردن او را همنوائی می کنند.



^۱ - آل عمران / ۱۰۳.

^۲ - آل عمران / ۱۰۴.

^۳ - آل عمران / ۱۰۴.

^۴ - الجامع الصحیح البخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة الجعفی البخاری، ۱۹۴/۱۵.

مبحث سوم

خیریت امت اسلامی

مسلمانان به عنوان بهترین امتی اند، که برای خدمت به جامعه انسانی پدید آمده است، و دلیل بهتر بودن امت، دو مسئله عمده : امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله متعال میباشد. این می رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان به الله متعال و دعوت بحق و همچنان مبارزه با فساد ممکن نیست، و ضمناً از مفهوم آن استفاده می شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام به عنوان کامل ترین ادیان آسمانی دارد، در آئین های پیشین مطرح نبوده است. زیرا آنها آخرین ادیان آسمانی نیستند و آخرین دین، روی حساب تکامل، کامل ترین آنها است.

در اینجا امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان بخدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیت این دو فریضه بزرگ الهی است و این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می باشد. اگر این دو وظیفه اجرا نگردد، ریشه های ایمان در دلها نیز سست و پایه های آن متزلزل میگردد، جامعه به فساد گرائیده خیر و نیکی از میان می رود. از این بیان نیز روشن می شود، مسلمانان تا زمانی يك امت ممتاز محسوب می گردند، که دعوت به سوی خیر و مبارزه با فساد را فراموش نکنند، و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد، نه بهترین امت اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود. و اینک این دو موضوع را بصورت جداگانه مورد بحث قرار میدهیم:

مطلب اول

ایمان به الله متعال

ارشاد الهیست: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱ شما بهترین امتی هستید که برای (سود) مردم آفریده شده اید، امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند بر ایشان بهتر بود، تعداد کمی از آنها با ایمان هستید و بیشترشان فاسق اند. ایمان در لغت یعنی: تصدیق و تأیید چیزی همراه با قبول و اذعان بدان.

در شرع یعنی: اینکه با قلب بدان باور داشته، با زبان آن را تأیید نموده و سپس همه فعالیتها را بر اساس آن تنظیم نماید.^۲

ارکان ایمان با هم پیوسته بوده و قابل انفکاک از یکدیگر نیستند و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسانها را تحت تاثیر خود قرار می دهند، و همه انسانها مورد خطاب و اهتمام همه پیامهای الهی قرار گرفته اند. ایمان به الله متعال یکی از پایه ها و ارکان بنیادین ایمان میباشد، که سایر ارکان بر آن استوار می گردند. ایمان به الله متعال یعنی: ایمان به ذات، صفات و یکتایی او تعالی، یعنی اعتقاد جازم به اینکه او تعالی یگانه و بی همتا بوده و دارای زن و فرزند و شریک و مثل و نظیر و مانندی نیست، پروردگار همه چیز است و برخوردار از تمامی صفات کمال میباشد، پس او آفریدگار، روزی دهنده، بخشنده، منع کننده، زنده کننده، میراننده و فرمانروای همه جهان هستی است.

بنابراین، اعتقاد راسخ به انجام همه انواع عبادات، چون: فروتنی، بیم و امید، بازگشت، درخواست، فریاد رسی، ذبح، نذر و امثال آنها برای الله متعال، جزو مستلزمات اصلی ایمان به الله متعال محسوب می گردند. و الله متعال دو گروه مختار و با اراده انسان و جن را برای انجام این مسؤلیت آفریده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۳ من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام.

معنی و مفهوم ایمان تنها به اقرار زبانی محدود نیست، زیرا منافقانی که به زبان گفتند: ایمان آورده ایم. و در میدان عمل آنها به اثبات رسانده نتوانسته اند، از دایره ایمان خارج میباشند،

^۱ - آل عمران/۱۱۰.

^۲ - نقش ایمان در زندگی، دکتر یوسف قرضاوی/۴۷.

^۳ - الذاریات/۵۶-۵۷.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾^۱ و از مردمند کسانی که می‌گویند به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌ایم، در حالی که به هیچ وجه ایمان نیاورده‌اند. خدا را و کسانی را که به راستی ایمان آورده‌اند فریب می‌دهند، در حالی که فریب نمی‌دهند، مگر خودشان را و در نمی‌یابند.

همچنان، معنی و مفهوم ایمان، به اعمال و مراسمی که مسلمانان امروز از روی عادت انجام می‌دهند، خلاصه نمی‌شود، زیرا ملحدینی وجود دارند، که به نیکوکاری و کارهای خیر و شعارهای بندگی و دینداری تظاهر می‌کنند، در حالی که در قلب‌هایشان اثری از خیر و صلاح و اخلاص وجود ندارد.

به همین ترتیب، معنا و مفهوم ایمان به شناخت ذهنی و سطحی از حقایق ایمان نیز منحصر نیست، زیرا بسا مردمانی وجود دارند، که حقایق ایمان را شناختند، اما هرگز ایمان نیاوردند ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾^۲ ستمگرانه و مستکبرانه معجزات را انکار کردند، هر چند که در دل بدانها یقین و اطمینان داشتند.

بلکه ایمان دارای حرارت و جدانی قلبی ای است، که انسان را به عملکردهایی متناسب با اعتقاداتش برمی‌انگیزد و او را برای جهاد و قربانی با مال و جان در راه دفاع از آن، آماده می‌گرداند، قرآنکریم در وصف مؤمنان می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾^۳ مؤمنان کسانی هستند که وقتی نام خدا برده می‌شود دل‌هایشان از خوف خدا به تپش درمی‌آید، و هنگامی که آیات خدا بر آنان تلاوت می‌شود بر ایمان‌شان می‌افزاید و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، آن کسانی که نماز را برپا می‌دارند و از هر آنچه که به آنان روزی کرده‌ایم به دیگران می‌رسانند. اینانند همانا مؤمنان حقیقی.

شهید اسلام استاد سید قطب رحمه الله در تفسیر این آیه در تفسیر (فی ظلال القرآن) می‌گوید:

(پس ایمان عبارت از باور و تصدیق قلب به خدا ورسولش . آنچنان تصدیق و باوری که هیچگونه شک و تردیدی بر آن وارد نشود تصدیق مطمئن و ثابت و یقینی که دچار لرزش و پریشانی نشود، و خیالات و وسوسه‌ها در آن تأثیر نگذارد و قلب و احساس در رابطه با آن گرفتار تردد نباشد. آنچنان باور و تصدیقی که جهاد و فداکاری مالی و جانی در راه خدا از آن سرچشمه می‌گیرد. دل و قلب انسان ، وقتی شیرینی چنین ایمانی را چشید و از چشمه گوارای آن نوشید و در کنار آن آرامش یافت و بر آن استوار ماند بی شک و تردید، تلاش میکند تا حقیقت آن ایمان را در دنیای خارج از قلب خود، در واقعیت‌های زندگی و در زندگی روزمره با مردم تحقق بخشد. می‌خواهد که بین حقیقت ایمان که در درونش احساس می‌کند ، از یک سو، و واقعیت زندگی و ظواهر آن و جریانات موجود در جامعه یکپارچه و هماهنگی و هم‌انگاری برقرار سازد، و در برابر جدائی تصور ایمانی که حسش است تا آنچه در واقیت‌های اطرافش مشاهده

^۱ - البقره/ ۸، ۹.

^۲ - النمل/ ۱۴.

^۳ - الانفال/ ۲- ۴.

در درون خود و در عمل خود می یابد و بس. کسیکه همه این صفات را نیابد، صفت ایمان را پیدا نکرده است. این آیه در عین حال، با حالتی روبرو می گردد که آیاتی درباره آن نازل گردیده است، بدین خاطر است با حرص و آزی روبرو می شود که مؤمنان با قهرمانی و هنرنمایی برای اخذ گواهی از حضرت باری از خود نشان می دهند. عنوان این گواهی چنین است: کسانی که این صفات را پیدا کنند (دارای درجات عالی و والا در پیشگاه خداوندگار خود هستند) این آیه با سوء اخلاقی که میان آنان پدیدار گشته است، همان گونه که عباده پسر صامت گفته است، این چنین روبرو می گردد: کسانی که این صفات را داشته باشند، برای ایشان در پیشگاه پروردگارشان (مغفرت) و آمرزش است. با کشمکش که بر سر غنائم پیش آمده بود، این چنین روبرو می گردد: کسانی که این صفات را فراهم آورند، در پیشگاه کردارگارشان برای ایشان (رزق پاک و فراوان) است... لذا حالتی را که پیش آمده است، و احساسات و موضعگیریهائی را که برانگخته است و پدیدار کرده است، به تمام و کمال به تصویر می کشد و پیش چشم می دارد. در عین حال یک حقیقت موضوعی را بیان می کند، و آن این که: اینها صفات مؤمنین است، هر که آنها را یکسره نداشته باشد، به حقیقت ایمان دسترسی پیدا نکرده است! ^(۱)

آیات و احادیث فراوانی لزوم و معانی ایمان را بیان می دارد، که برخی از آنها را یاد آور می

شویم:

۱- ارشاد الهیست: ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ...﴾ ^۲ (فرستاده خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مؤمنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا ایمان داشته اند). پس به این اساس، باید مؤمنان به یگانگی او تعالی ایمان داشته و معتقد باشند، زیرا جز او هیچ کس شایستگی الوهیت و ربوبیت را ندارد.

۲- ارشاد الهیست: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾ ^۳ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیغمبرش (محمد) ایمان بیاورید.

ابن کثیر در این باره می گوید: الله متعال مؤمنان را به ورود در دایره همه احکام، شاخه ها و ارکان ایمان، بخاطر تکمیل و استحکام هر چه بیشتر ایمان موجود، امر می فرماید،

^۱ - سید قطب، فی ظلل القرآن ۳/۲۵۴.

^۲ - البقره/۲۸۵.

^۳ - النساء/۱۳۶.

چنانچه در نماز می خوانیم: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ یعنی: خدایا! هدایت و استواری گامهایمان را در راه مستقیم نصیب فرما.^۱

۳- ابو هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرموده اند: ﴿أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فمن قال لا إله إلا الله عصم مني ماله و نفسه إلا بحقه و حسابه على الله﴾.^۲ فرمان داده شده ام تا زمان اقرار به الوهیت خدا با مردم مبارزه نمائیم، پس هرگاه آن را بر زبان جاری ساختند، جان و مال شان جز در صورت استحقاق، در امان خواهد بود، و حساب آخرت شان نیز به خدا واگذار میگردد.

چنانچه می بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث مأموریت خویش را مبنی بر مبارزه با مردم تا زمان ایمان آوردن به الله متعال بیان می فرماید، از این رو هر کس از ایمان و اعتقاد به الله سرباز زند، جزء جامعه اسلامی نبوده و مومن پنداشته نمیشود، زیرا ایمان به او تعالی جزو حقوق او تعالی بر بندگان نبوده و نباید از آن سرپیچی کنند ورنه جان و مالشان فاقد ارزش و اعتبار بوده و پیمان شکن محسوب می گردند. عثمان بن عفان رضی الله عنه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: ﴿من مات و هو يعلم أن لا إله إلا الله دخل الجنة﴾^۳ هر که در حال آگاهی (و ایمان) به الوهیت خدا از دنیا برود، وارد بهشت خواهد شد.

معنی حدیث این است که هر کسیکه از انحصار ویژگی الوهیت در حق او تعالی اطلاع داشته و بدان ایمان و اعتقاد داشته باشد، وارد بهشت می شود، بنابراین، ایمان به الله متعال، جزو حقوق الله متعال بر بندگان نبوده و باید از ادای آن کوتاهی نورزند، که هر کس مسئولیت خویش را به نحو احسن انجام داد، وارد بهشت شده و هر که نیز از آن تخطی نماید، مورد خشم و غضب الهی قرار خواهد گرفت.

^۱ - تفسیر القرآن العظيم (این کثیر)، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري ثم الدمشقي، ۳۸۴/۲.

^۲ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، محمد بن فتوح الحمیدی، ۱۳/۱.

^۳ - المسند المستخرج علی صحیح الإمام مسلم، أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسی بن مهران الهراي الأصبهاني، دار النشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، ۱/۱۲۰.

مطلب دوم

دعوت الی الله

مسلمانان مکلف به حمل رسالت اسلام و اندیشه اسلامی و اقامه حجت بر تمام بشریت اند. بنابراین، قرآن کریم مسلمانان را به حمل دعوت تشویق نموده و ترغیب می‌کند که باید به خاطر جهاد در راه الله متعال و پیروزی حق بکوشند و درین راه آماده هر نوع قربانی مالی و جانی باشند. ارشاد الهیست: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۱ گفتار چه کسی بهتر از گفتار کسی است که مردمان را به سوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته می‌کند و اعلام می‌دارد که من از زمره مسلمانان (و منقادان اوامر یزدان) هستم؟

هدف و مقصد از این دعوتی که مسئولیت ادای آن بر عهده امت اسلامی نهاده شده، آن است که به حقانیت دینی که نزد آنها آمده و صداقت پیامبری که برایشان روشن شده و یگانه راه سعادت و نجاتی که برای بشریت به ارمغان آورده اند، آنها را به تمام بشریت برسانند. و حجت دین را بر جهانیان اقامه کنند. پیامبران علیهم السلام برای ادای همین شهادت به جهانیان فرستاده شده بودند، و ادای این شهادت بر آنان لازم بود و پس از رحلت هر پیامبری، امت او مکلف به ادای همین شهادت میشد. اینک این وظیفه و مسئولیت به عهده امت اسلامی قرار دارد که پس از رحلت خاتم پیامبران، بر دوش ایشان نهاده شده است.

قانون جزا و مؤاخذه های که الله عزوجل مقرر فرموده بر همین گواهی استوار است. الله متعال ذات حکیم و رحیم و قائم به عدل و داد است و حکمت، رحمت و عدل و داد او تعالی ایجاب میکند که مردم بدانند رضایت و خشنودی او تعالی در چه چیزی است، و مطابق به آن، خود را آماده سازند و در نتیجه عدم سازگاری با آن، آنان را مؤاخذه کند.

به همین دلیل، الله متعال آفرینش بشر را با یک پیامبر آغاز کرد و سپس در هر مقطع زمانی پیامبرانی را فرستاد تا مردم را بسوی رضایت پروردگارشان فرا خوانند و واضح سازند که چه چیزی را انجام دهند و از چه چیزی برحذر بوده و از آن دوری گزینند. و بدانند که از چیزی از آنان سوال خواهد شد تا در مورد آنها در حضور او تعالی پاسخگو باشند. قرآن کریم هدف از این شهادتی که الله متعال به وسیله پیامبرانش آن را عملی نمود، بر بندگان اتمام حجت نموده است، تا ادعا نکنند که ما آگاهی نداشتیم و نسبت به آن به ما از قبل هشدار داده نشده بود.

^۱ - فصلت/ ۳۳.

﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۱ ما پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده رسان ، و (کافران را به عقاب) بیم دهنده باشند ، و بعد از آمدن پیغمبران حجّت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند (و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم) . و خدا چیره حکیم است (و کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می پذیرد) .

الله تعالی با فرستادن پیامبران، بار حجت مردم را بر دوش پیامبران نهاده است و پیامبران در این جایگاه بس خطیر شهادت قرار داده شده اند، که اگر حق شهادت را به نحو احسن ادا ننمایند، مردم خود مسئول اعمالشان خواهند بود و اگر پیامبران در امر ادای شهادت حق، کوتاهی کنند، مسئول کج روی ها و گمراهی های بندگان خدا خواهند بود.

به همین دلیل، پیامبران الهی مسئولیت این بار امانت را به شدت احساس میکردند و برای ادای حق شهادت و اتمام حجت بر مردم، از هیچ کوششی دریغ نکردند. و از پیروان آنها که علم حقیقت به آنان رسیده بود، و راه راست به وسیله پیامبران به آنها نشاندهی شده بود، امتهایی تشکیل داده شد و همان مسئولیت حساس شهادت حق که برعهده پیامبران بود، برعهده این امتهای قرار گرفت و به عنوان جانشینان پیامبران الهی این جایگاه را به دست آوردند که اگر حق شهادت حق را ادا نمایند و مردم اصلاح نشوند و تغییر رفتار ندهند، آنان مورد مؤاخذه قرار نخواهند گرفت و خود مردم مسئول اعمالشان خواهند بود. اما اگر امت در ادای شهادت حق، کوتاهی کنند و یا به جای شهادت حق، به نفع باطل شهادت بدهد، قبل از دیگران، امت مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و هم مسئول گمراهی خود خواهد بود و هم مسئول گمراهی کسانی که به دلیل عدم ارایه شهادت حق، به گمراهی و فساد مواجه شده اند.

ادای این شهادت باید با استفاده از وسایل مشروع، و به وسیله زبان و قلم به جهانیان رسانده شود، تا بشریت از آموزه های دینی که او تعالی برای انسان مقرر داشته است؛ آگاه گردد، تمام آموزه های اعتقادی، فکری و اخلاقی؛ فرهنگی و سیاسی، از احکام و مسایل اقتصادی گرفته تا قانون و قضا، سیاست و اداره مملکت، تامین روابط بین المللی و حقوق انسانی، برای جهانیان به نحو احسن، واضح و روشن گردد و حق بودن آنها با دلایل موجه به اثبات برسد.

جهت ادای حق این مسئولیت، باید مجموعه از افراد امت به این امر گماشته شوند و متصدی این رسالت بزرگ گردند و با تمام نیرو و امکانات در میدان کار زار وارد شده و تلاش های خود را در جهت تحقق آن منسجم و هم آهنگ کنند. ارشاد الهیست: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲ باید از میان شما

^۱ - النساء/۱۶۵.

^۲ - آل عمران/۱۰۴.

گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند.
امام محمد عبده* رعایت قواعد و اسلوب های جدید دعوت را ضمن یک جماعت توصیه نموده و کسب این مهارت در شیوه های دعوت و سایر امور مورد نیاز برای پیشبرد دعوت را واجب عصر دانسته میگوید:

"گرچه دعوت اسلامی در صدر اسلام بدون آموزش شیوه های فنی دعوت ممکن و آسان بود، اما در عصر حاضر که فهم اسلام موقوف بر آموزه های فنی و علمی است، دعوت بسوی دین نیز تا حد زیادی وابسته به این شیوه های فنی و علمی می باشد. امروزه پروسه امر به نیکی و نهی از منکر، نیازمند آموزه های خاص و تشکیل جمعیت های ویژه است تا این فریضه دینی را به صورت درست و مؤثر آن انجام دهد. و چنانچه قبلاً تذکر داده شد، باید متوجه بود که انتشار دین و حفاظت آن از هر نوع دستبازی، در گرو همین شیوه کار است. پس مراد از امتی که برای ادای این مسئولیت ایجاد می گردد، چیزی است که امروز از آن به نام های جمعیت، سازمان و تنظیم تعبیر می شود".^۱

در آن صورت است که وظیفه و مسئولیت نهاده شده بر دوش امت اسلامی ادا گردیده و حجت بر جهانیان تمام میشود و آنگاه این امت شایستگی آن را به دست می آورد که در دادگاه آخرت پس از پیامبر ﷺ به جایگاه مشهود بیاید و شهادت بدهد که آنچه را پیامبر ﷺ به ما رسانده بود، به جهانیان رسانیدیم. پس بعد از ادای این شهادت، اگر باز هم کسانی راه راست را اختیار نکنند، خود به تنهایی مسئول کج روی و گمراهی خویش خواهند بود، و جواب عملکرد خود را خواهند داد.

* محمد عبده فرزند حسن خیرالله از اهل ترکیه ومفتی مصر واز کبار مصلحین و مجددین اسلامی است، موصوف در (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ هـ = ۱۸۴۹ - ۱۹۰۵ م) در قریه (شبرا) واقع مصر متولد شده است. و در محله نصر به رشد رسیده است در طفولیت اسپ سواری و تیراندازی و آب بازی را دوست داشته در جامع احمدی طنطا بعد در جامعه ازهرتعلیم آموخته ودر فلسفه و تصوف تخصص حاصل نموده در بخش های تعلیمی و خیرنگاری وظیفه اجرا کرده است، زبان فرانسوی را فراگرفته به پاریس سفر کرده و با معیت استاذش جمال الدین (افغانی) جریده (العروة الوثقی) را ایجاد کرد، به مصر بازگشت و در اسکندریه وفات یافت، از بزرگترین آثار او تفسیرقرآن کریم است، در مورد وی گفته شده است: زندگانی وی دردونگنه خلاصه میگردد: دعوت به تحریفکرکز قید تقلید و تمیز و تفکیک میان حق دولت بالای رعیت که عبارت از طاعت میباشد وحق ملت بالای حکومت است. به نقل از (الأعلام) للزرکلی.

^۱ - جماعت های اصلاحی، تالیف: جمعی از علماء، ترجمه: مومن حکیمی، ناشر: انتشارات حامد رسالت ۱۳۹۷، ۵/.

مبحث چهارم

جهانی بودن امت اسلامی

یکی از ویژگی های امت اسلامی که الله متعال آنرا بهترین امت ها خوانده است، جهانی بودن این امت است، که تمام جامعه بشری را در بر گرفته و محمد ﷺ هم برای تمام انسان ها مبعوث گردیده است. الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾^۱ ای پیامبر! بگو: من فرستاده الله ﷺ به سوی همه شما هستم. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲ ما تو را نفرستاده ایم مگر برای همه مردم تا مژده دهنده و بیم دهنده باشی.

عموم رسالت پیامبر ﷺ برای تمام افراد جامعه بشری بوده و فرا زمانی و فرا مکانی میباشد، یعنی اسلام علاوه بر اینکه برای تمام افراد جامعه بشری در هر نقطه جهان عمومیت دارد، این عمومیت در هر زمانی و تا روز قیامت باقی خواهد ماند، زیرا احکام جاودانه اسلام در معرض هیچ گونه نسخ و تغییری قرار نمی گیرد، به دلیل این که اسلام و احکام آن، از جانب الله ﷻ نازل شده و محمد ﷺ خاتم پیامبران، و رسالت ایشان آخرین سلسله رسالت های الهی است، الله متعال فرموده است: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۳ محمد پدر هیچ کدام از مردان شما نبوده بلکه فرستاده ی خدا و خاتم پیامبران است.

بنابراین، هیچ پیامبر دیگری بعد از محمد ﷺ مبعوث نخواهد شد و در نتیجه نه دین جدیدی از جانب او تعالی خواهد آمد و نه آئین اسلام نسخ خواهد شد و بدین ترتیب، اسلام (تا قیامت) باقی خواهد ماند. و این همان عمومیت زمانی و مکانی اسلام است. یعنی اسلام دین تمام افراد بشری است تا روز قیامت، در هر زمان و مکانی که زندگی میکنند، و بر همه انسان ها، اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب واجب است که

^۱ -الأعراف/ ۱۵۸.

^۲ -سبا/ ۲۸.

^۳ -الأحزاب/ ۴۰.

اسلام را بپذیرند و به محمد ﷺ بعنوان فرستاده الله به ایمان بیاورند، و به اسلام بعنوان دینی که از جانب الله متعال بر او نازل شده عمل کنند.

شهید حسن البنا ابعاد جامعیت برنامه اسلامی را چنین اظهار می‌دارد: اسلام آن رسالتی است که از نظر طولی همیشه‌های روزگار را در نور دیده است، از نظر عرضی دور دوست‌های ملل را به زیر چتر خویش کشیده است، و از نظر ژرفا و عمق امور دنیا و آخرت را در بر گرفته است.^۱

اینک به بعضی از آیات و احادیثی بیکه بر عموم رسالت محمد ﷺ برای تمام بشر اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب دلالت می‌کنند، ضمن تفسیر مختصر در دو مطلب مورد بحث قرار می‌دهیم:

مطلب اول

آیاتی که به جهانی بودن امت اسلامی دلالت دارد

الله متعال می‌فرماید:

۱- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي

وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۲ ای

پیامبر (بگو: ای مردم! من فرستاده‌ی خدا به سوی همه شما هستم، خدائی که ملک آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست. جز او معبود (راستینی) نیست. اوست که زنده می‌گرداند و می‌میراند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، پیامبر درس ناخوانده ای که به خدا و سخنانش ایمان دارد. از او پیروی کنید باشد که هدایت یابید.

ابن عطیه در تفسیر آیه مبارکه مینویسد: در این آیه الله ﷻ به پیامبر ﷺ دستور داده است که دعوت خود را اعلام کند و مردم را به پذیرش شریعت اسلامی تشویق نماید. (حکم) این آیه از میان پیامبران تنها به محمد ﷺ اختصاص دارد، چون تنها اوست که برای همه مردم و نیز برای جنیان مبعوث شده است، در حالی که دیگر پیامبران تنها برای گروهی از مردم مبعوث شده‌اند نه برای همه آنها.^۳

بعد از اعلام حقانیت رسالت محمد ﷺ از جانب او تعالی، الله متعال خود را نیز طوری توصیف کرده است که مقتضی اعتراف به (الوهیت و ربوبیت) اوست، چرا که خود را فرمانروای آسمان‌ها و زمین و آفریننده و پدید آورنده آن‌ها و زنده کننده و میراننده معرفی کرده است، که هیچ معبود (راستینی) جز او وجود ندارد. ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ﴾^۴ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، پیامبر درس ناخوانده وی. این قسمت آیه مردم را به پیروی از رسول الله ﷺ امر می‌کند. منظور از {و کلماته} آیاتی

^۱ - ویژگیهای کلی اسلام، دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه و نظارت: جلیل بگرامی نیا، چاپ دوم ۱۳۸۶، چاپخانه مهارت / ۱۷۷.

^۲ - الاعراف/ ۱۵۸.

^۳ - المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطیة الأندلسی الحاربی، ۴۵/۵.

^۴ - الاعراف/ ۱۵۸.

است که از جانب الله متعال نازل شده است، چون تورات و انجیل. {واتبعوه} لفظ عام است که تمام الزامات شرعی را در بر می‌گیرد.^۱

در تفسیر ابن کثیر آمده است: در این آیه الله ﷻ به محمد ﷺ فرموده است که مردمان را با لفظ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ که همه مردمان اعم از سرخ پوست و سیاه پوست و عرب و غیر عرب را در بر می‌گیرد، مورد خطاب قرار دهد. ﴿إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾^۲ من فرستاده الله به سوی همه شما هستم. و اینکه محمد ﷺ بعنوان خاتم پیامبران برای همه انسان ها مبعوث شده است، بیانگر شرافت و عظمت اوست.^۳

﴿قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَنتُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾^۴ بگو: خدا میان من و شما گواه است و این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی که این قرآن بدانها می‌رسد به آن بیم دهم.

﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۵ و بگو به کسانی که بدانها کتاب داده شده است (یعنی یهودیان و مسیحیان) و به درس ناخواندگان (یعنی مشرکان عرب) آیا تسلیم شده اید؟ اگر تسلیم شوند، بی‌گمان هدایت یافته اند و اگر سرپیچی کنند (نگران نباش، چرا که) بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است.

آلوسی در تفسیر این آیه مینویسد: یعنی ما تو را نفرستاده ایم مگر برای اینکه بدین وسیله به جهانیان رحم کنیم. و این بدان سبب است؛ که الله ﷻ پیامبر ﷺ را با دین و برنامه ای مبعوث کرده است که سعادت و خوشبختی جامعه بشری را در دنیا و آخرت فراهم می‌سازد. ولی انسان کافر با رویگردانی از برنامه پیامبر ﷺ و ایمان نیاوردن به وی، خود را از این رحمت محروم می‌کند و این ضرری نمی‌رساند به اینکه محمد ﷺ بعنوان رحمت برای تمام جهانیان مبعوث شده است. همانطوری که اگر عده ای بعلت تنبلی یا هر علت دیگری از چشمه آب گوارایی که در دسترس آنان است، و به بهره‌گیری از آن دعوت شده اند، استفاده نکنند، ضرری به سودمند بودن این چشمه گوارا برای عموم مردم نمی‌رساند.^۶

^۱ - المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي الحاربي، ۱۱۰/۳.

^۲ - الاعراف/ ۱۵۸.

^۳ - تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، ۴۴۰/۳.

^۴ - الأنعام/ ۱۹.

^۵ - آل عمران/ ۲۰.

^۶ - روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، شهاب الدين محمود ابن عبدالله الحسيني الألويسي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، عدد الأجزاء:

۳۰، ۲/ ۹۸.

مطلب دوم

احادیثی که به جهانی بودن امت اسلامی اشاره دارد

در این مورد احادیث زیادی وارد است، از جمله:

۱- پیامبر ﷺ فرموده است: ﴿والذی نفس محمد بیده لایسمع بی رجل من هذه الأمة یهودی و لا نصرانی ثم لایؤمن بی إلا دخل النار﴾^۱ قسم به کسی که جان محمد در دست اوست هر شخص یهودی و مسیحی که دعوت مرا بشنود و به آن ایمان نیاورد، وارد جهنم می‌شود.

۲- پیامبر ﷺ میفرماید: ﴿أعطیت خمساً لم یعطهن أحد من الأنبياء قبلی: نصرت بالرعب مسيرة شهر، و جعلت لی الأرض مسجداً و طهوراً، فأیما رجل من امتی أدركته الصلاة فلیصل، و أحلت لی الغنائم و لم تحل لأحد قبلی، و أعطیت الشفاعة و كان النبی یبعث الی قومه خاصة و بعثت الی الناس عامة﴾ در روایتی بجای «عامه» «کافه» آمده است.^۲

به من پنج چیز داده شده که به پیامبران قبل از من داده نشده است، از مسیر یک ماهه، رعب و وحشت من در دل دشمن ایجاد شده و در نتیجه پیروز شده ام، تمام زمین برای من پاک و مسجد قرار داده شده است، پس هر کس از امت من وقت نمازش فرا رسد، (هر جا که باشد) باید نماز بخواند، غنائم جنگی برای من حلال شده در حالی که برای پیامبران قبل از من حلال نبوده است، به من (اجازه) شفاعت داده شده است، و بالاخره اینکه، پیامبران پیشین تنها برای اقوام خود مبعوث شده‌اند، ولی من برای تمام مردم فرستاده شده ام.

قرضاوی حفظه الله میگوید: (این برنامه همچنانکه دیرپاتر از آن است که در بند دوره ای یا نسلی معین گرفتار آید... برنامه ای است همه گیر و جهانی که تمامی گروه ها، نژاد ها، ملت ها و طبقات را مورد خطاب قرار می دهد و می خواهد دل از کف همه برآید. نه برنامه ای است متعلق به ملتی ویژه که به گمان خود فقط او ملت برگزیده خداوند است! و همگان باید گوش به فرمان و بله قربان گوی آنان باشند. و نه برنامه ای است متعلق به کشور های خاص که تمامی کشور های جهان باید در برابر آن سر فرود آورند و فرآورده ها و ارزاق آن ها جمع آوری و بدانجا حمل گردد. و نه برنامه ای است متعلق به طبقه ای معین که مأموریت آن عبارت باشد از: مهار کردن دیگر طبقات برای خدمت به مصالح آن طبقه، یا قبول خواسته های آن و یا همراهی با آن، بدون توجه به این که این طبقه صدرنشین حاکم، آیا از قدرتمندان هستند یا از ضعفا، از فرادستانند یا فرودستان؟ از سرمایه دارانند یا از فقرا و اقشار آسیب پذیر؟)^۳

^۱ - المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، ۳۷۲/۲.

^۲ - الجامع الصحیح، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، ۱۴۰۷، ۹۱/۱.

^۳ - ویژگیهای کلی اسلام، دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه جلیل بهرامی نیا، چاپ دوم ۱۳۸۶، چاپخانه مهارت / ۱۸۰.

همانطوریکه اسلام برنامه کامل زندگی برای همه زمان ها و مکان ها است، به همین منوال، برنامه اسلام انسان شمول نیز است، یعنی انسان را بچیت کل مخاطب قرار میدهد؛ روح، جسم، اندیشه، وجدان و همه ابعاد مادی و معنوی او را در نظر دارد.

برنامه که تمامی مراحل زندگی انسان را در بردارد، همواره انسان را در تمامی مراحل زندگی: در کودکی، نوجوانی، جوانی، میان سالی و در پیری همراهی می نماید و در تمامی این دوران های پیاپی، برنامه های سازنده، و ربانی را برای وی ترسیم می کند. برنامه که در تمامی موارد زندگی، انسان را ارشاد و هدایت میکند برنامه ای برای تمامی ابعاد زندگی و در همه زمینه های فعالیت انسان کارساز است، در اصلاح، تعدیل، تغییر، ارشاد و راهنمایی، قانون گذاری، موعظه حسنه و در برخی موارد هم هشدار بازدارنده، هرکدام را به تناسب موضوع و در جایگاه خود به کار می گیرد.

مرحوم عقاد می گوید: اسلام در تمامی زمینه ها، چه زمینه های فردی و چه اجتماعی، چه پرورش روحی و چه پرورش بدنی، چه در نگاه به دنیا و چه در نگرش به آخرت، چه در حال صلح و چه در جنگ، چه در توجه به حقوق فردی، و چه در چگونگی برخورد با حاکمان و دولت، پیشروترین اعتقاد و ایده آل ترین رویکرد برای نوع بشر می باشد. انسان نه از آخرت طلبی و دنیا گریزی مسلمان می شود، نه از دنیا گرایی و آخرت ستیزی؛ نه به واسطه تکیه به روح و انکار جسم، نه به دلیل مادیگرایی و انکار روح، و بالاخره نه بدین خاطر که در یک حالت اسلام را می پذیرد و در حالتی دیگر آن را به فراموشی می سپارد... بلکه وی فقط با همه اندیشه و اعتقاد یکپارچه اش، در تمامی حالات گوناگونش چه به صورت فرد تنها یا هنگامی که روابط اجتماعی وی را با مردم پیوند زده باشد، مسلمان به شمار می آید.^(۱)



^۱ - اسلام در قرن بیستم، استاد عباس محمود عقاد/۵۶.

مطلب سوم

وضعیت کنونی جهان اسلام

موقعیت جغرافیایی جهان اسلام و منابع اقتصادی و ثروت های عظیمی که جهان اسلام بصورت طبیعی آن را دارا میباشد، سبب گردیده است، تا غرب نقشه های تاریخی بر ضد اسلام و مسلمین و در کل، بر ضد جهان اسلام روی کار گیرد و مسئله فقط ترس فکری از اسلام نیست، بلکه ابعاد وسیع دیگری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و.. را نیز دربر می گیرد.

چالش های موجود در برابر امت:

چالش هایی که به صورت عموم در برابر امت اسلامی قرار دارد، عمده ترین آنها عبارت از عقب ماندگی، ناهنجاری های اجتماعی و سیاسی، استعمار، و حرکت غربی سازی میباشد.

الف: غربی سازی امت:

برخی از تحصیل یافتگان کشورهای اسلامی که تحت تاثیر اندیشه متفکران غربی قرار گرفته بودند و غرب را قبله آمال خود می دانستند، همکاب استعمار گردیده؛ و خواستند نمونه تمدن اروپایی را با تمام جزئیات آن در کشورهای خود عملی نمایند. این افراد از نظام سیاسی و اجتماعی اروپایی نسخه برداری نموده و خواهان تطبیق آن در کشورهای عربی و اسلامی شدند. و این دیدگاه، به اصطلاح (تغریب یا غربی سازی) نامیده شد.

این عملیه منتج به در هم شکستن و فرو ریزی بنیاد ساختار های اجتماعی و فکری جوامع اسلامی گردید که از مبادی اعتقادی بیگانه تولد شده در اوضاع اجتماعی ما پرورش یافت و مدافع ارزشهای تمدنی اجنبی بود و به این ترتیب، اندیشه سیکولریزم در کشورهای اسلامی ترویج یافته و تا امروز از همان حرکت نامیمون غربی سازی که از عصر استعمار بمیراث مانده است، امت اسلامی رنج می برد و چالش بزرگی را در برابر هویت اسلامی و مسلمانان قرار داد و همین چالش ها به مرور زمان بزرگ شده و امروز به شکل و گونه بسیار خطرناک همه کیان و هویت امت اسلامی را زیرسوال قرار داده است.

ب: پدیده جهانی شدن:

جهانی شدن معانی و مفاهیم مختلفی را دارا میباشد، و تعاریفات متعددی در این باب صورت گرفته و بصورت مختصر در مورد این موضوع میتوان گفت: جهانی شدن بمفهوم متأثر شدن از جریانات و حوادث جهانی، به سبب رشد و انکشاف وسائل ارتباط جمعی و فعالیت شرکت ها و موسسات بین المللی که جهان

شماره میباشند، همه انسانها به گونه ای جزء آن جریان قرار گرفته و هیچ کسی در هیچ گوشه از دنیا نمی تواند از آن خود را بی نیاز نموده و مستقلانه و بدون دخالت دیگران زندگی خویش را بسربرد.

امت اسلامی در عصر حاضر با این پدیده (جهانی شدن)، در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی دینی به سطح جهانی مواجه است که جهت تحقق منافع و مصالح کشور های صنعتی غربی مصرف فعالیت می باشد. این کشورها، علاوه بر سهم تجارت جهانی شدن، تأثیر قابل ملاحظه ای بر سرمایه جهانی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، مثل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی دارند. کشور های اسلامی و مردم فقیر جهان که متأسفانه همه آنها را مسلمانان تشکیل میدهد، تأثیر و نفوذ چندانی در سیاستگذاری جهانی امروز ندارند، و طبعاً کشور های فقیر و عقب مانده از این جریان را به مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... مواجه ساخته است که امت اسلامی نیز از این ناحیه زیان های زیادی را متحمل گردیده است.

۵۰ کشور مسلمان عضو سازمان ملل، نماینده تقریباً یک چهارم جمعیت جهان وجود دارند، که تأثیری بر تصمیمات جهانی ندارند، اما انگلستان با جمعیتی کمتر از یک درصد جمعیت جهان نقش بسیار مهمتری بر تصمیمات جهانی نسبت به همه مسلمانان جهان دارد.

این امر به عواملی برمیگردد که چنین وضعیتی را بمیان آورده است، و از مهمترین نکات ضعف مسلمانان و کشور های اسلامی پنداشته میشود و عامل اصلی آن، نداشتن بینش سیاسی برای وحدت است. زیرا به عقیده بسیاری از مسلمانان که تحت تأثیر زرق و برق مادی تمدن غرب قرار گرفته اند، چنین می پندارند که منافع شان از طریق تحکیم روابط با غرب تامین شده میتواند، و بی ثباتی سیاسی در بیشتر کشور های اسلامی و استبداد حکام جاهل و تحمیل شده توسط غربی ها و حمایت همه جانبه آنها توسط کشور های غربی و ادامه جنگهای داخلی و منطقه ای، بعضی کشور ها را به نا امنی مواجه کرده و در نتیجه آنها برای حمایت مادی و نظامی به غرب متوسل می شوند. و به هدف ایجاد و استحکام روابط با غرب به امضاء توافقات خطرناک نظامی و سیاسی ننگین تن داده همه دار و ندار مادی و معنوی خویش را قربانی این هدف نامیمون مینمایند.

ج: نا هنجاری های اجتماعی و سیاسی:

بعد از فرو پاشی خلافت اسلامی با مداخله ایادی کشور های غربی، کشور های اسلامی به دولتهای کوچک و در حال درگیری و کشمکش های سیاسی و نزاع های منطوقی مبدل شد، و این کشور ها را به سلب استقلال ملی، منابع و ثروت مواجه ساخت، و در نتیجه وحدت و نفوذ خود را از دست داده، و به کشور های غربی وابسته شدند. این امر، مسلمانان را در عصر کنونی با چالشهای مختلف داخلی و خارجی مواجه ساخته است، وضعیت داخلی کشور های اسلامی نیز حالت خوبی نداشته، به بی ثباتی سیاسی، سلطه حاکمان مزدور و غیر مسئول، بی عدالتیها، نابرابری ها، گرفتار اند، با وجود این که کشور های اسلامی از لحاظ سیاسی ظاهراً مستقل هستند، اما در عرصه حفظ ارزش های اسلامی و احیاء میراث های فرهنگی و ملی، اعاده جایگاه از دست رفته امت و کشور های اسلامی، به سبب

نفوذ حاکمیت استعمار بر سرزمینهای اسلامی و انعطاف پذیری حکام مسلمان در برابر سیاست های غرب، کاری انجام نداده اند.

د: استعمار:

رهروان غربی سازی کشور های اسلامی که وسیله خوبی برای تطبیق اهداف استعماری اند، هیچ طرح مفیدی از جانب خود برای سر افزای کشور متبوع و امت اسلامی ارائه نکرده اند، بلکه پروسه تمدنی که از آن سخن می زنند، برخاسته از اجتهادات فکری و نتیجه بحث و تحقیق در احوال امت اسلامی و بهبود آن نبوده؛ بلکه هر برنامه و پلان آنها در مجال های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، سیستم حکومت داری و مشارکت مردم در تصمیم گیریها، حقوق سیاسی افراد، آزادی های عمومی، مؤسسات و امثال آن، همه را از غرب کاپی نموده و بالای جوامع اسلامی تطبیق مینمایند. به عنوان مثال:

- ۱- حل و فصل قضایای حیاتی و اجتماعی جامعه در پیروی از عادات و رسوم بیگانه از جامعه اسلامی، و متضاد با تعالیم، اخلاق و ارزش های اسلامی.
- ۲- مداخله در نصاب تعلیمی در مکاتب و پوهنتون ها، و عاری کردن آن از عقیده و تراث امت اسلامی، و دور نگهداشتن این مناهج از هر نوع بحث و تحلیل در مورد تاریخ، ارزشها و قهرمانان این امت، و کشاندن نسل جدید بسوی پیروی از برنامه و مناهج وارداتی و بیگانه از فرهنگ اسلامی.
- ۳- تسلط فکری و فرهنگی غرب بالای کشور های اسلامی که امروزه به نام (جنگ فکری) نامیده می شود. و سوء استفاده از وسایل جدید و انقلاب معلوماتی، در جهت گمراه سازی و نابودی امت بی بضاعتی که سر چشمه های نو آوری و ابداع در اذهان شان خشکیده است.
- ۴- تسلط همه جانبه بالای رسانه ها و نفوذ اندیشه و تصورات تمدن و فرهنگ غرب بالای مردم و ملت توسط آنها در جهت پیشبرد پروسه به انحطاط کشاندن و ساختار شخصیت فرد و جامعه طبق فرهنگ و تصور غرب.



نفوذ حاکمیت استعمار بر سرزمینهای اسلامی و انعطاف پذیری حکام مسلمان در برابر سیاست های غرب، کاری انجام نداده اند.

د: استعمار:

رهروان غربی سازی کشور های اسلامی که وسیله خوبی برای تطبیق اهداف استعماری اند، هیچ طرح مفیدی از جانب خود برای سرافرازی کشور متبوع و امت اسلامی ارائه نکرده اند، بلکه پیروسه تمدنی که از آن سخن می زنند، برخاسته از اجتهادات فکری و نتیجه بحث و تحقیق در احوال امت اسلامی و بهبود آن نبوده؛ بلکه هر برنامه و پلان آنها در مجال های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، سیستم حکومت داری و مشارکت مردم در تصمیم گیریها، حقوق سیاسی افراد، آزادی های عمومی، مؤسسات و امثال آن، همه را از غرب کاپی نموده و بالای جوامع اسلامی تطبیق مینمایند. به عنوان مثال:

۵- حل و فصل قضایای حیاتی و اجتماعی جامعه در پیروی از عادات و رسوم بیگانه از جامعه اسلامی، و متضاد با تعالیم، اخلاق و ارزش های اسلامی.

۶- مداخله در نصاب تعلیمی در مکاتب و پوهنتون ها، و عاری کردن آن از عقیده و تراث امت اسلامی، و دور نگهداشتن این مناهج از هر نوع بحث و تحلیل در مورد تاریخ، ارزشها و قهرمانان این امت، و کشاندن نسل جدید بسوی پیروی از برنامه و مناهج وارداتی و بیگانه از فرهنگ اسلامی.

۷- تسلط فکری و فرهنگی غرب بالای کشور های اسلامی که امروزه به نام (جنگ فکری) نامیده می شود. و سوء استفاده از وسایل جدید و انقلاب معلوماتی، در جهت گمراه سازی و نابودی امت بی بضاعتی که سر چشمه های نو آوری و ابداع در اذهان شان خشکیده است.

۸- تسلط همه جانبه بالای رسانه ها و نفوذ اندیشه و تصورات تمدن و فرهنگ غرب بالای مردم و ملت توسط آنها در جهت پیشبرد پیروسه به انحطاط کشاندن و ساختار شخصیت فرد و جامعه طبق فرهنگ و تصور غرب.



مبحث پنجم

سائرویزگیهای امت اسلامی

الله متعال امت اسلامی را علاوه بر آنچه ذکر شد، به ویژگیهای دیگری نیز برتری بخشیده است که در سائر امت ها دیده نمیشود، و این ویژگیها را اینک چنین خلاصه مینمائیم:

۱- با به میان آمدن این امت، شرایع آسمانی به پایه اکمال رسید و کامل ترین و اصلح ترین شرایع را الله متعال برای بشریت به ارمغان آورد.

۲- با روی کار آمدن این امت، در حیات بشری روح حیویت و نشاط تازه گردیده بشریت فصل تازه از مدنیت و رفاه را تجربه کرد که تمدن امروزی با همه داشته های مادی و معنوی اش، از این مصدر سر چشمه میگیرد.

۳- به رسول الله ﷺ آنچه داده شده که به سائر انبیاء علیهم السلامی داده نشده است، که حدیث مبارک به آن اشاره دارد، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿أُعْطِيَتْ مَا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هُوَ؟ قَالَ: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأُعْطِيَتْ مَفَاتِيحُ الْأَرْضِ، وَسُمِّيَتْ أَحْمَدًا، وَجُعِلَ التُّرَابُ لِي طَهُورًا، وَجُعِلَتْ أُمَّتِي خَيْرَ الْأُمَّةِ﴾^۱ آنچه بمن داده شده است به انبیای گذشته داده نشده است، گفتیم یا رسول الله آنها کدام ها اند؟ فرمودند: با رعب (در قلب دشمن) نصرت شده ام، کلید خزاین زمین به من داده شده است، و بنام (احمد) مسمی گردیده ام، و خاک (پاک) وسیله طهارت برای من قرار داده شده است، و امت من بهترین امت ها گردیده است.

۴- امت اسلامی به صفت (یسر) و آسانی اختصاص یافته است، مشقت ها و تکالیف شاقه که بالای سائر امت ها وضع گردیده بود، از این امت مرفوع گردیده است، و بسیاری از اشیای که بالای امت های قبلی حرام بود، برای این امت حلال گردیده است، ارشاد الهیست: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^۲ و فرموده اند: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ﴾^۳ الله

^۱ - السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، مؤلف الجوهر النقي: علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، شعيب الأرنؤوط در تعليق خود گفته است: إسناد آن حسن است.

^۲ - البقره/۱۸۵.

متعال تخفیف را برای شما میخواهد. و میفرماید: ﴿هُوَ اجْتَبَكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾^۲ الله متعال شما را برگزید، و در دین بالای شما حرج (تکلیف مالایطاق) را مقرر نکرده است. پس به این اساس، شریعت اسلامی کامل ترین و آسان ترین شرایع آسمانی میباشد، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿وَأَحَلَّ لَنَا كَثِيرًا مَّا شُدِّدَ عَلَيَّ مِنْ قَبْلُنَا، وَلَمْ يَجْعَلْ عَلَيْنَا مِنْ حَرَجٍ﴾^۳ و الله متعال برای ما بسیاری آنچه از امور شاقه و سختی را که بالای امت های پیشین بود، حلال گردانید و بالای ما حرج را لازم نکرد.

۵- زمین برای امت رسول الله ﷺ مسجد و وسیله طهارت گردیده است، بر خلاف امت های قبلی که نماز آنها تنها در کنیسه ها و اماکن خاص عبادت جائز بود، عبدالله بن عمر روایت میکند که رسول الله ﷺ در غزوه تبوک به نماز ایستادند و مردانی به حراست عقب ایشان ایستاده شدند، هنگامیکه از نماز فارغ گردید، فرمودند: ﴿أَعْطَيْتِ اللَّيْلَةَ هِمْسًا مَا أَعْطَيْهِنَّ أَحَدٌ قَبْلِي﴾ و ذکر من هذه الخمس" و جعلت لي الأرض مسجداً و طهوراً، أينما أدرکتني الصلاة تمسحت و صليت، و كان من قبلي يعظمون ذلك، إنما كانوا يصلون في كنائسهم و بيعهم"؛^۴ امشب پنج چیزی داده شد که هیچ پیامبری قبل از من از آن بهره مند نبود، و از این پنج چیز این ها را شمردند: زمین برای من مسجد و وسیله طهارت شده هرجائی که وقت نماز فرا رسد، وضوء و (یاتیم) گرفته نماز میخوانم، در حالیکه امت های قبل از من این امر را بسیار شدید میگرفتند، و صرف در کنیسه ها و عبادت گاه های شان نماز (عبادت) را انجام میدادند.

۶- از خصوصیات این امت یکی اینست که الله متعال آنها را از فضیلت روز جمعه بهره مند ساخته است که بهترین روز ها میباشد، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿لَنْ نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بَلْ أَوْلَى الْكِتَابِ مِنْ قَبْلُنَا، ثُمَّ هَذَا يَوْمَهُمُ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْهِمْ فَاخْتَلَفُوا فِيهِ، فَهَدَانَا اللَّهُ فَاَلْناسُ لَنَا فِيهِ تَبَعٌ، الْيَهُودُ غَدًا وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَدٍ﴾^۵ ما آخرین و سابقین در روز قیامت هستیم، غیر اینکه به آنها قبل از ما کتاب داده شده، این روز که بر آنها فرض شده بود در آن اختلاف کردند، و ما را الله متعال هدایت کرد، پس مردمان در این امر پیروان ما اند، یهودیان فردا و نصاری بعد از فردا پیروان ما خواهند بود.

۷- از خطا و سهو آنها گذشت بعمل آمده و مورد مواخذه قرار نمی گیرند، و در دعاء قرآنی آمده است: ﴿رَبَّنَا لَا تَوَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾^۶ پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به

^۱ - النساء/۲۸.

^۲ - الحج/۷۸.

^۳ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، ۳۹۳/۵. شعيب الأرنؤوط در تعليق اش، إسناده این حدیث را ضعیف خوانده است.

^۴ - شرح مشکل الآثار، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوي، تحقيق شعيب الأرنؤوط، الناشر مؤسسة الرسالة، سنة النشر ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷م، مکان النشر لبنان/ بیروت، عدد الأجزاء ۱۵، ۳۴۹/۱۱.

^۵ - الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم، محمد بن فتوح، الحمیدی، ۱۰۰/۳.

^۶ - البقره/۲۸۶.

خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مؤاخذه و پرس و جو قرار مده). رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿أَنْ اللَّهُ تَجَاوَزَ لَهَا عَنِ الْخَطَا وَالنَّسِيَانِ وَمَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ﴾^۱ الله متعال در گذر شده است از خطاء و نسيان و آنچه که حيرا بالاي آنها تحميل ميشود.

۸- اين امت از هلاکت کلی و نابودی کامل در امان است، و بواسطه قحطی و گرسنگی و غرق و مسلط شدن دشمن که کيان آنها نابود کند، هلاک نمیشود، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَمَنْعَنِي وَاحِدَةً سَأَلْتُ رَبِّي: أَنْ لَا يُهْلِكَ أُمَّتِي بِسَنَةِ فَأَعْطَانِيهَا، وَسَأَلْتُهُ: أَنْ لَا يُهْلِكَ أُمَّتِي بِالْغَرَقِ فَأَعْطَانِيهَا وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بِأَسْمِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْعًا لَهَا﴾^۲ از پروردگار سه چیز را سوال نمودم، دوی آنها را اجابت فرمود و یکی از آنها را پذیرفت، سوال کردم که امتم را به سبب قحطی هلاک نسازد، اين سوالم را قبول کرد و سوال کردم امتم بواسطه غرق هلاک نشود، سوالم را پذیرفت، و سوال نمودم که جنگ در میان آنها واقع نشود، اين سوالم را منع فرمود. الله متعال اين سوال پیامبرش که را اجابت نموده که او (بواسطه غلبه دشمن کيان او نابود نمیشود) و با وجود توطئه ها و نیرنگ های دشمنان، اين امت هنوز هم به پا استاده بوده و کيان خود را حفظ نموده است و تا قيام قيامت محفوظ باقی خواهد ماند.

۹- امت اسلامی امت مرحومه است رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ، لَيْسَ عَلَيْهَا عَذَابٌ فِي الْآخِرَةِ، عَذَابُهَا فِي الدُّنْيَا الْفِتْنُ وَالزَّلْزَلُ وَالْقَتْلُ﴾^۳ امت من امت مرحومه است، عذابی متوجه آنها در آخرت نخواهد بود، عذاب آنها در دنيا فتنه ها، زلزله ها و قتل میباشد.

۱۰- امت اسلامی امت معصومه است، و به گمراهی و ضلالت اجماع نمیکند، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَجْمَعَ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ، فَأَعْطَانِيهَا﴾^۴ از پروردگار سوال کردم که امتم به گمراهی متفق نشود، اين دعایم را الله متعال پذیرفت. فرموده اند: ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَجَارَ أُمَّتِي أَنْ تَجْتَمَعَ عَلَى ضَلَالَةٍ﴾^۵ مسلما پروردگار امتم را از اجماع به گمراهی، نجات داده است. بدین اساس، علمای امت اسلامی به خطاء و گناه و بدعت و انحراف هرگز اجماع نخواهد کرد، و همیشه در میان آنها کسانی موجود خواهد بود که حق را شناسائی کرده و

^۱ - سنن الدارقطني، علي بن عمر أبو الحسن، الدارقطني البغدادي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۸۶ - ۱۷۱/۱۹۶۶، ۴.

^۲ - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، محمد بن فتوح الحميدي، ۱۰۵/۱.

^۳ - أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، ۱۶۹/۴. شيخ ألباني أنرا صحيح دانسته است.

^۴ - كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان فوري، المحقق: بكرى حيايى - صفوة السقا، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الطبعة الخامسة، ۱۴۰۱هـ/۱۹۸۱م، ۴۹/۱۴. اين حديث را امام احمد درمسند اش نيز روايت کرده وشعيب الأرنؤوط درتعليق خویش آنرا صحيح لغیره و إسناد انرا به سبب إمام راوي از أبي بصرة، ضعيف خوانده است.

^۵ - سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، ۳۰۸/۶.

پاسدار آن تا قیام قیامت باشند.

۱۱- صفوف نماز آنها همانند صفوف ملائکه میباشد و این خصوصیت امت اسلامی است و

هیچ امتی از این امتیاز بهره مند نبوده است، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿فَصَلُّنَا عَلَى النَّاسِ بِثَلَاثٍ: جُعِلَتْ صُفُوفُنَا كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ، وَجُعِلَتْ لَنَا الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدًا، وَجُعِلَتْ تُرْبَتُهَا لَنَا طَهُورًا، إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ﴾^۱ بالای دیگران به سه امر برتری داده شدیم: صف های ما صفوف ملائکه اند، همه زمین برای ما مسجد گردانیده شده و خاک آن را در صورتی که آب پاک پیدا نشود، وسیله پاکی قرار داده است.

۱۲- آمین و سلام گفتن، نیز از خصوصیات این امت است، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده

اند: ﴿مَا حَسَدْتُمْ الْيَهُودَ عَلَى شَيْءٍ مَا حَسَدْتُمْ عَلَى السَّلَامِ وَالتَّأْمِينِ﴾^۲ یهود بر شما در هیچ امری مانند (سلام و آمین) حسد و رشک نبرده است.

۱۳- کسیکه از امت اسلامی به سبب مرض طاعون بمیرد، مرگ وی شهادت میباشد،

عایشه صدیقه رض روایت میکند من از رسول الله ﷺ در مورد مرض طاعون پرسیدم، بمن خبر دادند: ﴿أَنَّهُ كَانَ عَذَابًا يَبْعَثُهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ، فَجَعَلَهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، فَلَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يَقَعُ الطَّاعُونُ، فَيَمُوتُ فِي بَيْتِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ﴾^۳ طاعون عذابی بود که بالای کسانی که الله متعال میخواست، نازل میکرد، و الله متعال آن را رحمت برای مومنان قرار داده است، بناء کسیکه به مرض طاعون گرفتار میشود، و با پیشه نمودن صبر و امید ثواب در خانه خویش در حالی می نشیند که یقین دارد، جز آنچه الله متعال بالای وی نوشته است، او را آسیبی نخواهد رسید، برای وی مانند شهید اجر داده میشود.

۱۴- الله متعال در رأس هر صد سال کسی را بر می انگیزد که دین را در عرصه علم و

عمل و جهاد و دعوت و عبادت تجدید میکند، و این مجددین ضرور نیست که یکی بوده باشد، بلکه ممکن است مجددین بیشتر از یک تن باشند و هریک در یک جانب از جوانب دین، کار تجدید را اجراء کند، و طائفه متمسک به دین و شریعت الهی بوده و قایم به حق و حراست کننده از آن تا قیام قیامت میباشد. رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ لَا يَضُرُّهُمْ مِنْ خَذَلْتُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ﴾^۴ امت من همیشه ثابت

^۱ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، محمد بن فتوح الحمیدی، ۱/۱۶۸.

^۲ - سنن ابن ماجه، محمد بن یزید أبو عبدالله القزوی، ۱/۲۷۸. در الزوائد إسناده آن صحیح. و رجال آن ثقات گفته شده و مسلم به تمامی راویان آن احتجاج نموده است و شیخ البانی آنرا صحیح گفته است.

^۳ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، ۴۳/۲۳۵.

^۴ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم، محمد بن فتوح الحمیدی، ۱/۱۰۷.

قدم واستوار به حق باقی مانده و هیچ کسی آنها با توهین اذیت رسانده نمی تواند تا اینکه امر الهی بیاید و آنها همچنان ثابت قدم اند.

۱۵- افراد این امت دارای عمر های کوتاه بوده ولی از اجر و ثواب بزرگ بهره مند میباشند، رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرموده اند: ﴿إِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى كَرَجُلٍ اسْتَعْمَلَ عَمَلًا فَقَالَ: مَنْ يَعْمَلُ لِي إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ عَلَى قِيْرَاطٍ قِيْرَاطٍ؟ فَعَمِلَتْ الْيَهُودُ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ عَلَى قِيْرَاطٍ قِيْرَاطٍ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ يَعْمَلُ لِي مِنْ نِصْفِ النَّهَارِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ عَلَى قِيْرَاطٍ قِيْرَاطٍ؟ فَعَمِلَتْ النَّصَارَى مِنْ نِصْفِ النَّهَارِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ عَلَى قِيْرَاطٍ قِيْرَاطٍ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ يَعْمَلُ لِي مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى مَغْرَبِ الشَّمْسِ عَلَى قِيْرَاطِينَ قِيْرَاطِينَ؟ أَلَا فَاتَمَّ الَّذِي يَعْمَلُونَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى مَغْرَبِ الشَّمْسِ عَلَى قِيْرَاطِينَ قِيْرَاطِينَ، أَلَا لَكُمْ الْأَجْرُ مَرَّتَيْنِ. فَغَضِبَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى فَقَالُوا: نَحْنُ أَكْثَرُ عَمَلًا وَأَقْلُ عَطَاءً، قَالَ اللَّهُ: هَلْ ظَلَمْتُمْ مِنْ حَقِّكُمْ شَيْئًا؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: فَإِنَّهُ فَضَلِي أَعْطِيَهُ مِنْ شَيْءٍ^۱﴾

مثال شما و مثال یهود و نصاری همانند شخصی است که مزدورانی را بکارگماشت، و گفت: کیست که تانیم روز در مقابل یک یک قیراط برای من کار میکند، یهود در مقابل یک قیراط در نیم روز کار کرد، باز گفت: کیست که از نیم روز الی نماز عصر در مقابل یک یک قیراط کار میکند؟ نصاری این کار را کردند، باز گفت: کیست که از نماز عصر الی مغرب در مقابل دو دو قیراط کار میکند؟ آگاه باشید که شما کسانی هستید که از نماز عصر الی غروب آفتاب در مقابل دو دو قیراط کار میکنید، و اجر شما دو چند است، یهود و نصاری از این امر به غضب آمده و گفتند: کار ما بیشتر و اجر کمتر است، الله متعال فرمود: آیا از حق تان چیزی کم کردم گفتند: نه، فرمود: این فضل من است به کسی خواسته باشم اعطاء میکنم. و این فضل و برتری به سبب شرف و عظمت پیامبر محبوب مان و سیادت ایشان میباشد.

۱۶- امت اسلامی در روز قیامت دارای علامه و ممیزه خاصی میباشد که از سایر امت ها شناخته میشوند، که عبارت از غر و تحجیل (سفیدی که در پیشانی حیوان و تحجیل سفیدی در اطراف حیوان) . میباشد، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ﴾^۲ اینها (امت) در روز قیامت با چهره ها و اعضاء که از آثار وضوء درخشانند اند، فرا خوانده میشوند. ابن حجر رحمه الله میگوید: غرة و تحجیل خاص به امت محمدی ﷺ میباشد، رسول الله ﷺ میفرماید: ﴿وَدَدْتُ أَنَا قَدْ رَأَيْتُنَا إِخْوَانًا﴾^۳ قَالَ لَهُ

^۱ - مسند الشاميين - مشكول، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني [٢٦٠ - ٣٦٠]، المحقق: حمدي بن عبدالحيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤، عدد الأجزاء: ٤، ٤/١٤٤.

^۲ - الجامع الصحيح، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله ٤٦/١.

أصحابه" أولسنا إخوانك يا رسول الله؟ قال: أنتم أصحابي، وإخواننا الذين لم يأتوا بعد " فقالوا: كيف تعرف من لم يأت بعد من أمتك يا رسول الله؟ فقال: إنهم يأتون غراً محجلين من الوضوء^١ دوست دارم که برادرانم را ببینم، صحابه گفتند: آیا ما اصحاب تونستیم؟ فرمودند: شما اصحاب من هستید، و برادرانم آنانی اند که هنوز نیامده اند، گفتند: چگونه آنها را میشناسی که هنوز به دنیا نیامده اند؟ فرمودند: ایشان در حالی می آیند که از آثار وضوء غرمحجل میباشند.

۱۷- امت رسول الله ﷺ بیشترین اهل جنت را تشکیل میدهند، عبدالله بن عمر رض میگوید: ما با رسول الله ﷺ بودیم و فرمودند: ﴿أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا ثُلُثَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا شَطْرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونُوا نِصْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَذَلِكَ أَنْ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ، وَمَا أَنْتُمْ فِي أَهْلِ الشِّرْكِ إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي جِلْدِ الثَّوْرِ الْأَسْوَدِ، أَوْ كَالشَّعْرَةِ السَّوْدَاءِ فِي جِلْدِ الثَّوْرِ الْأَحْمَرِ﴾^٢ آیا دوست دارید که چهارم حصه اهل بهشت باشید؟ گفتیم: بلی، فرمودند: راضی میشوید که سوم حصه اهل بهشت باشید؟ گفتیم بلی، فرمودند: آیا راضی میشوید که بعضی از اهل بهشت باشید؟ گفتیم: بلی، فرمودند: قسم به ذاتی که نفس محمد در اختیار اوست، امیدوارم که نصف اهل بهشت را شما تشکیل دهید، و این بدان جهت است که در بهشت جز نفس مسلمه داخل نخواهد شد، و تعداد شما در مقایسه با اهل شرک همانند یک موی سفید هستید که در پوست گاو سیاه بوده باشد، و یا مانند یک موی سیاه در پوست گاو سرخ.

۱۸- هفتاد هزار آن بدون حساب و عذاب داخل بهشت میشوند و این به سبب صلاح دین و تقوای آنها خواهد بود، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي سَبْعُونَ أَلْفًا بَغَيْرِ حِسَابٍ﴾^٣ هفتاد هزار تن از امتم بدون حساب داخل بهشت میشود.

^١ - سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، ١٤٣٩/٢.

^٢ - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، محمد بن فتوح الحميدي، ١١٦/١.

^٣ - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، محمد بن فتوح الحميدي، ٢١٤/١.

فصل سوم

مسئولیت های امت اسلامی

در این فصل مسئولیت های امت اسلامی در سه مبحث ذیل مورد بحث قرار میگیرد:

- امر به معروف و نهی از منکر
- تلاش برای تامین وحدت و جلوگیری از تفرق امت
- قیادت جامعه بشری در سایه اسلام

مبحث اول

امر به معروف و نهی از منکر

دعوت به خیر و فضیلت و وظیفه هر مسلمان و یک مسئولیت بزرگ بدوش امت اسلامی است، تا در جهت گسترش ارزش های اخلاقی، سلامتی جامعه و اصلاح اجتماعی از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده؛ و در این مورد هم فرد، هم خانواده و هم جامعه و امت، هر کدام در محدوده توانایی خود، بار این مسئولیت را بر دوش می گیرند. الله متعال می فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت و آموزش لازم را ببینند و مردم را) به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان می باشند که خود رستگارند.

این گروه به سبب این که دیگران را به خیر و نیکی جهت کسب رضایت الله ﷻ به نیکی ها دعوت می نمایند؛ در زندگی دنیا و در حیات آخرت رستگارند؛ زیرا اجر و ثواب زیادی را فراهم نموده و از بدی و نا روایی پرهیز مینمایند. الله متعال ارشاد می فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۲ گفتار چه کسی بهتر از گفتار آنی است (که مردم را به سوی خدا) فرا می خواند و کاری شایسته انجام می دهد و اعلام می دارد که از زمره مسلمانان هستم.

الله متعال (امر به معروف و نهی از منکر) را مسئولیت عمده امت اسلامی قرار داده است که با بسررسانیدن آن، منصب و جایگاه بهترین امت را احراز نموده است؛ زیرا برای اصلاح و پیشرفت امور زندگی تلاش می نمایند و شایستگی برخورداری از آن ویژگی را پیدا کرده اند. در واقع انسان مسلمان مدام در اندیشه عمل به معروف و تشویق دیگران برای عمل به خیر است. الله متعال ارشاد فرموده اند: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۳ شما (ای پیروان اسلام) بهترین امتی هستید که به سود انسان ها ظهور کرده اید. (مادامی که) امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و به خداوند ایمان دارید. اکنون می پردازیم به معانی بیان معروف و منکر از حیث لغت و اصطلاح و اهمیت آن:

۱- آل عمران / ۱۰۴.

۲- فصلت / ۳۳.

۳- آل عمران / ۱۱۰.

مطلب اول

ماهیت امر به معروف ونهی از منکر

الف: معروف:

در قاموس محیط آمده است: (الْمَعْرُوفُ فِي اللَّغَةِ: الْخَيْرُ وَالرِّفْقُ وَالْإِحْسَانُ وَهُوَ ضِدُّ الْمُنْكَرِ. الْمَعْرُوفُ اصْطِلَاحًا: هُوَ مَا قَبِلَهُ الْعَقْلُ وَأَقْرَهُ الشَّرْعُ وَوَأَفْقَهُ كَرَمُ الطَّنَعِ)^۱. معروف در لغت: خیر و رفق و احسان، و ضد منکر است. و در اصطلاح عبارت از آن چیزی است که عقل آنرا پذیرفته و شرع تائید نماید و با طبیعت سالم موافقت داشته باشد.

ب: منکر:

در تعاریفات آمده است: منکر در لغت: به ضمه میم و سکون نون، اسم مفعول از (أَنْكَرَ) است و بمعنی خلاف معروف میباشد. منکر: امر قبیح و ناپسند. منکر در اصطلاح: آنچه از قول و فعل که سبب رضای او تعالی نگردد.^۲

به اساس این تعریف و سائر تعریفات که از علماء لغت نقل گردیده به این نتیجه میرسیم، معروف، کردار و گفتاری است که مورد تائید شریعت اسلام و عقل سالم و علوم قطعی و مفید باشد؛ و منکر آن است که شریعت اسلام، عقل سالم و دانش یقینی، آن را بد و ناروا بشمارند.

همه اهل ایمان در جهت گسترش رسالت دعوت به خیر و نیکی و دوری از شقاوت، بدی و منکر در هر زمان و مکانی خود را مسئول می‌دانند و در حد توان از رسیدگی به این مسئولیت دریغ نمی‌ورزند؛ زیرا همه مسلمانان در هر نقطه زمین، خود را خانواده واحدی به شمار می‌آورند، و با همه مظاهر فساد و منکر در اسرع وقت ممکن مقابله مینمایند؛ تا ضرر و زیان ناشی از آن، دامنگیر همه نشود، و به این رهنمود الهی جامعه عمل می‌پوشند که ارشاد میفرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۳ از فتنه و (فسادی) که تنها دامنگیر ستمکاران نمی‌شود، (بلکه آنها و سکوت‌کنندگان را هم فرا می‌گیرد) پرهیز کنید، به راستی خداوند سخت مجازات می‌نماید.

آتهایی که در مقابل فساد و منکرات بی‌تفاوت بوده و یا به آن راضی می‌باشند، در معرض عذاب اخروی قرار می‌گیرند؛ الله متعال بنی‌اسرائیل را به خاطر عصیان و نافرمانی و راضی بودن به فساد و تباهی

^۱ - القاموس المحيط، أحمد بن محمد بن علي الفيومي المقرئ، دراسة و تحقيق: الناشر: المكتبة العصرية، ۳۴۵/۱.

^۲ - النهاية في غريب الحديث والأثر، النهاية في غريب الحديث والأثر، أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ۱۱۵ / ۵۵.

^۳ - الأنفال / ۲۵.

و بی تفاوتی برای تغییر منکر، مورد لعن و نفرین قرار داده و در مورد عواقب نا درست آنها می‌فرماید: ﴿لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۱ کافران بنی‌اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند. این بدان سبب بود که آنان پیوسته (از فرمان خدا) سرکشی می‌کردند و (در ظلم و فساد) از حد و مرز می‌گذشتند* آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست بردار نبودند و همدیگر را از زشت کاری‌ها همی‌کردند و نصیحت نمی‌نمودند، چه کار بدی را انجام می‌دادند.

ج: اهمیت امر به معروف و نهی از منکر :

رسول الله ﷺ در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر چنین ارشاد می‌فرماید: ﴿والذي نفسي بيده لتأمرن بالمعروف ولتنهون عن المنكر أو ليوشكن الله أن يبعث عليكم عقابا منه ثم تدعون فلا يستجاب لكم﴾^۲ سوگند به کسی که جان من در دست اوست، اگر امر به معروف و نهی از منکر ننمایید، خداوند دیر یا زود عذابی را از نزد خود بر شما نازل می‌نماید و پس از آن هرچه دعا کنید، مورد قبول قرار نمی‌گیرد. پیشبرد این رسالت سنگین امر به معروف و نهی از منکر سبب نجات امت و ترک آن، هلاکت همگانی را سبب می‌شود، این مطلب را رسول الله ﷺ در قالب مثالی چنین به تصویر کشیده می‌فرماید: ﴿مثل المدهن و الواقع في حدود الله قال سفیان مرة القائم في حدود الله مثل ثلاثة ركبوا في سفينة فصار لأحدهم أسفلها و أوعرها و شرها فكان يختلف و ثقل عليه كلما مر فقال أخرج خرقا يكون أهون على ولا يكون مختلفي عليهم فقال بعضهم إنما يخرج في نصيبه وقال آخرون لا فان أخذوا على يديه نجا ونجوا و ان تركوه هلك و هلكوا﴾^۳ کسانی که در زمینه اجرا و اقامه حدود الهی عمل می‌کنند و آنها که می‌خواهند آن حدود را زیر پا بگذارند، مانند مردمی هستند که برای سوار شدن به یک کشتی هجوم بیاورند و برخی از طبقه بالا و برخی در قسمت پایین قرار بگیرند. آلهایی که در پایین قرار دارند، اگر بدون توجه به آلهایی که در قسمت فوقانی هستند، بخواهند برای گرفتن آب از دریا سوراخی را در کشتی ایجاد کنند و آلهایی که در طبقه بالا قرار دارند، مانع از این کار آنها نشوند، کشتی غرق شده و همه نابود می‌شوند. اما اگر جلو آنها را بگیرند و مانع از این کارشان شوند، هم خود و هم آنها نجات خواهند یافت.

انجام این رسالت بزرگ، بدون تعاون و همکاری و هم‌آهنگی میان افراد، گروه‌ها و حکومت‌ها جهت مقابله با منکرات، ناممکن بوده و تعاونی‌ترین زمینه یکی از اصول اساسی اسلام است. روش و اسلوب مخالفت با گناه و منکر دارای سه مرتبه است، که رسول الله ﷺ آنها را این‌گونه بیان می‌فرماید: ﴿مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أضعفُ الإِيمَانِ﴾^۴ هر کدام از شما که کار خلافی را دید، عملاً از آن جلوگیری کند، اگر نتوانست با زبان با آن مخالفت نماید و اگر این را هم نتوانست قلباً از آن ناخشنود باشد و این پایین‌ترین درجه ایمان است.

^۱ - المائدة / ۷۸-۷۹.

^۲ - الجامع الصحيح سنن الترمذي، محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذي السلمي ۴/۶۸.

^۳ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، ۴/۲۷۳.

^۴ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، ۴/۵۰.

امر به معروف و ازادی: انسان یک موجود اجتماعی بوده و بمنظور پیشبرد بهتر زندگی اجتماعی ناچار باید محدودیت‌هایی را بپذیرد، و از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد بهم مربوط است، و افراد اجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند، حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی اجتماعی است.

بنابراین، انجام این فریضه نه تنها با آزادی‌های فردی مخالف نیست، بلکه وظیفه‌ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند. طوریکه اشاره شد، امر به معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است، مرحله نخست آن محدود است، و از تذکر و اندرز دادن و اعتراض و انتقاد نمودن می‌باشد، مسلماً افراد يك اجتماع زنده در برابر مفاسد دارای مسئولیت‌هایی‌اند، که باید آنها بسر رسانند. ولی مرحله دوم که مخصوص گروه معینی است، و از مسئولیت‌های حکومت اسلامی محسوب می‌شود، ابعاد بسیار وسیعی دارد، به این معنی که اگر نیاز به شدت عمل و حتی قصاص و اجرای حدود باشد، می‌توانند طبق احکام شرع انجام وظیفه کنند. بنابراین، با توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر، و حدود و مقررات هر يك، نه تنها هرج و مرجی در اجتماع بمیان نمی‌آید، بلکه اجتماع از صورت يك جامعه مرده و فاقد تحرك بیرون آمده به يك جامعه زنده تبدیل می‌گردد. باید در انجام این فریضه الهی و مبارزه با فساد، شیوه نیک و رعایت اخلاق حسنه و رفق و آسان‌گیری را در نظر داشت، که از فضایل اخلاقی اسلام بوده و یک اصل مسلم اسلامی است. زیرا توسل به زور و اعمال خشونت، نه تنها اثر خوبی از خود به جا نمی‌گذارد، بلکه گاهی نتیجه معکوس هم می‌دهد، در حالی که روش پیامبر صلی الله علیه وسلم نشان می‌دهد که آنها به هنگام اجرای این دو وظیفه آنها را با نهایت لطف و محبت انجام میدادند و به همین دلیل، سرسخت‌ترین افراد به زودی در برابر آنها تسلیم می‌شدند. طوریکه در حدیث وارد است: جوانی به خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله آیا به من اجازه می‌دهی زنا کنم؟! با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند، ولی پیامبر با خونسردی و ملایمت فرمود: نزدیک بیا، جوان نزدیک آمد، و در برابر پیامبر ﷺ نشست، پیامبر ﷺ با محبت از او پرسید آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟ گفت: نه فدایت شوم؛ فرمود: همینطور مردم راضی نیستند با مادران شان چنین شود، آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت نه فدایت شوم، فرمود: همینطور مردم در باره دخترانشان راضی نیستند، بگو آیا برای خواهرت می‌پسندی؟! جوان انکار کرد (و از سؤال خود به کلی پشیمان شد)، پیامبر ﷺ دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: خدایا قلب او را پاک گردان و گناه او را بیخس و دامان او را از آلودگی به بی‌عفتی نگاه دار؛ از آن به بعد منفورترین کار در نزد این جوان زنا بود!... این بود نتیجه ملایمت و محبت در نهی از منکر.

امر به معروف و نهي از منکر معيار برتری امت اسلامی میباشد: ارشاد الهی است:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴾

شما بهترین امتی بودید که به سود انساها آفریده شدید (چه اینکه) امر به معروف می کنید و نهي از منکر، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آئين درخشان) ایمان آورند، به سود آنها است، (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند و اکثر آنها فاسق (و خارج از اطاعت پروردگار) می باشند. دلیل اینکه این امت باید بهترین امتها باید باشد، اینست که آنها دارای آخرین ادیان آسمانی هستند و آخرین دین روی حساب تکامل، کامل ترین آنها است. در آیه فوق، امر به معروف و نهي از منکر بر ایمان بخدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیت و عظمت این فریضه بزرگ الهی است، به علاوه انجام این دو فریضه، ضامن گسترش ایمان و اجرای قوانین فردی و اجتماعی می باشد. همچنان، اگر این وظیفه اجرا نگردد، ریشه های ایمان سست گردیده و پایه های آن متزلزل میشود. و مسلماً، مسلمانان زمانی يك امت ممتاز محسوب می گردند، که دعوت به سوی نیکیها و مبارزه با فساد سرلوحه کار آنها باشد، و هرگاه که این رسالت به فراموشی سپرده شده و ترک گردید، امتیاز (بهترین امت) بودن و (به سود جامعه بشریت بودن) را از دست خواهند داد.

مطلب دوم

حکمت مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر

بدون شک، هدف از مشروعیت وجیهه امر به معروف و نهی از منکر؛ همانا تشکیل جامعه صالح می باشد و جامعه صالح جامعه ای است که باطل در آن راه نداشته و در صورت موجودیت، به حال خود گذاشته نمی شود، بلکه برای اصلاح جامعه و یا نابودی فساد تلاش بعمل می آید و حکم الله متعال در آن جاری و نافذ بوده و ضعف های موجود در آن به روش مناسبی و با رعایت حکمت و مصلحت معالجه می شود. دیدگاه های که ناشی از فهم نادرست از احکام شرع بمیان آمده سبب شده است که گویا ایجاد و تشکیل جوامع فاضله اسلامی، یک امر نظری و خیالی بوده و غیر واقعی است، و به همین دلیل، فعالیت در امر اصلاح جامعه که به فساد کشیده شده است، به کندی مواجه شده و معتقدند که دستیابی به اهداف دعوت و اصلاح جامعه امکان ناپذیر است، و به این ترتیب، برخی ها از دعوت و اصلاح دست برداشته و منصرف شده اند. اما اگر حقیقت دعوت و سنت الهی و مشکلات راه را می شناختند، از کار دعوت هرگز مأیوس و نا امید نمی شدند.

بعضی چنین می پندارند که جامعه اسلامی جامعه ای است خالی از هر گونه جرم و فساد و گناه، و انسان های که در چنین جامعه زندگی میکنند، همه صالح و بدون اشتباه و خطا می باشند. و انسان مطلوب را به فرشته و ملائکه تشبیه میکنند، و به این ترتیب، جامعه مطلوب را به یک جامعه خیالی و دور از عالم حقیقت و واقعیت مبدل کرده اند. این تصور اشتباه، اکثر داعیان و مربیان مصلحان را به یأس و ناامیدی کشانده است. زیرا هنگامیکه فاصله طولانی بین واقعیت جامعه خود و هدف ایده آلی که به سوی آن می نگرند را مشاهده میکنند، تحقق آن را و هم و خیال پنداشته، برآورده سازی چنین یک هدفی دور از عالم حقیقت نمایان میشود.

در حالیکه اصلاح همه جوامع انسانی و هدایت تمام بشر، امکان پذیر نیست؛ چون با سنت الهی کاملاً مخالف است، سنتی که مطابق با حکمت بوده و آن طوری است که در روی زمین هم مؤمن باید وجود داشته باشد و هم کافر، و بنابر اعتقاد ما مسلمانان، موجودیت بهشت و جهنم، مجازات و مکافات اخروی، برای آنست که هم نیکان و صالحان وجود داشته باشند و هم افراد نا شایسته و نا صالح و این امر جاری، موافق با حکمت و مشیت الهی می باشد. الله متعال می فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾^۱

^۱ - هود / ۱۱۸-۱۱۹.

ای محمد، اگر پروردگارت می‌خواست، مردمان را (همچون فرشتگان در یک مسیر و بر یک برنامه قرار می‌داد و ملت واحدی ایجاد می‌کرد، اما (خدا مردمان را مختار و با اراده آفریده و) آنان همیشه (در همه چیز، حتی در گزینش دین و اصول عقائد آن) متفاوت خواهند بود. (مردمان بنا به اختلاف استعداد، در همه چیز حتی در دینی که خدا برای آنان فرستاده است، متفاوت می‌مانند) مگر کسانی که خدا بدیشان رحم کرده باشد و خداوند برای همین (اختلاف و تحقق اراده) ایشان را آفریده است و سخن پروردگار تو بر این است که: دوزخ را از جملگی جن‌ها و انس‌ها (پیرو نفس اماره و اهریمن مکاره) پر می‌کنیم. اینک به برخی از حکمت‌های مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر مختصراً می‌پردازیم:

الف: نصرت مظلوم و عدم تمکین به ظالم:

نصرت مظلوم و عدم تمکین به ظالم یکی از مکلفیت‌های امت اسلامی است، الله متعال مسلمانان را در عدم تسلیم‌پذیری در برابر ظلم و تمکین به ظالمان مورد مدح قرار داده می‌فرماید: ﴿وَأَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمْتُمْ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۱ خود را و سایر مؤمنان را (یاری می‌دهند. و کسانی که ستم می‌کنند خواهند دانست که بازگشتشان به کجا و سرنوشتشان چگونه است!! در سوره الشوری نیز بعد از ذکر صفات مؤمنین می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾^۲ مؤمنان کسانی که همینکه به ایشان ستم رسید داد خواهی می‌کنند.

پس تسلیم شدن به ظلم، از صفات اهل ایمان نبوده و کسیکه ظلم را می‌پذیرد، در ردیف مؤمنین نیست، زیرا مسلمان مکلفیت دارد که نه تنها باید از خود دفع ظلم نماید، بلکه باید مظلومان را از دست ستمکاران نجات دهد، زیرا بعثت انبیا نیز برای همین منظور بوده، موسی عليه السلام هنگامیکه به سوی فرعون فرستاده می‌شود، می‌فرماید: ﴿فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ﴾^۳ پس بنی اسرائیل را همراه ما بفرست، و آنان را اذیت و آزار مکن. رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: ﴿إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدِيهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ﴾^۴ یعنی مردم همینکه ظالم را دیدند و جلو او را نگرفتند، بزودی الله متعال همه آنها را به عذابی از جانب خود مبتلی سازد.

ب: مقاومت و مبارزه بر ضد ظلم

یکی از مسئولیت‌هایی مهمی که باید این امت انجام دهد، مقاومت و مبارزه بر ضد ظلم و استبداد است؛ زیرا ظلم قبیح‌ترین منکر است. و از اینکه که این امر از عهده هر فرد پوره نیست، لذا باید (امت) در مقابل این نوع منکر به صورت گروهی و تنظیم شده اقدام نمایند. زیرا هیچ‌کسی توان مخالفت با امت را ندارد و امت هرگز مغلوب افراد نمی‌شود و امت میتواند جلو کجروی‌های ظالمان و حکومت‌های مستبد را بگیرد. این امر بر امت لازم و فرض می‌گرداند که باید در بین مردم گروه و جماعتی متحد و قوی وجود داشته باشد تا فریضه دعوت به سوی خیر و امر به نیکی و نهی از منکر را بعهد بگیرند. و این مسئولیت بزرگ را بسر رسانند، همانطوریکه رسول الله صلى الله عليه وآله در این مورد ارشاد می‌فرماید:

^۱ - الشعراء / ۲۲۷.

^۲ - الشوری / ۳۹.

^۳ - طه / ۴۷.

^۴ - الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمي، ۴/ ۴۶۷.

﴿...حَتَّى تَأْخُذُوا عَلَى يَدِ الظَّالِمِ فَنَأْطُرُوهُ عَلَى الْحَقِّ أُطْرًا...﴾^۱ تا آن که از دست ظالم گرفته و او را بسوی حق بکشانید.

پس باید توانمندی بالقوه مسلمانان تابع و تحت فرمان امتی باشد که به خاطر ادای فریضه دعوت الله، امر به معروف و نهي از منکر انتخاب می‌شوند.

ج: پاسداری از مصالح و منافع امت:

پاسداری از مصالح و منافع امت اسلامی و ایستادگی در مقابل توطئه های دشمنان خارجی و داخلی، فریضه و واجب دینی است که ثمرات و منافع آن نصیب فرد و جامعه اسلامی و همه امت خواهد گردید. و انجام این مسئولیت بزرگ، کار فرزندان اصیل امت و مسلمانان راستین میباشد. و به همین ترتیب، آنانی که با امت و ملت خویش خیانت می‌کنند و به اموری می‌پردازند که منافع دشمنان را تأمین می‌نماید، و موجب ضرر و زیان امت میگردد، انسانی بی ایمان و غیرمسئول است و نمی‌توان او را بخشی از امت اسلامی به حساب آورد.

رسول الله ﷺ در مورد مسئولیت افراد مسلمان در مقابل سائر مومنان می‌فرماید: ﴿من لم يهتم بأمر المسلمين فليس منهم و من لم يصبح ويمس ناصحا لله و لرسوله و لكتابه و لإمامه و لعامة المسلمين فليس منهم﴾^۲ کسی که به امور مسلمانان توجه و اهمتانی نداشته باشد از آنان به شمار نمی‌آید و هرکس که در راستای رضایت الله متعال و براساس سنت رسول الله و به وسیله کتاب الهی به اندرز و نصیحت حکام و مردم مسلمان قیام ننماید، جزو آنها به حساب نمی‌آید.

یعنی اگر انسانی با احساس مسئولیت به امور مسلمانان نگاه نکند و در جهت رفع نیازها و حل مشکلات آنها تلاش ننماید، انسانی است که ایمان و اسلام او دارای ضعف است و نمی‌توان او را جزء مسلمانان (واقعی) به شمار آورد. انسان مسلمان باید نسبت به مصالح و منافع امت اسلامی بی‌تفاوت نباشد، بلکه باید دارای نقش مثبت و سازنده بوده و در حد توان در جهت اصلاح جامعه خویش تلاش و جدیت نماید؛ زیرا رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿الدين النصيحة الدين النصيحة قالوا لمن يا رسول الله قال لله و لكتابه و للأئمة المسلمين أو المؤمنین و لعامتهم﴾^۳ دین (همه اش) نصیحت و خیر خواهی است. گفته شد: چگونه؟ فرمود: نصیحت به خاطر خداوند و براساس سنت رسول او و نصیحت پیشوایان مسلمان و عامه مردم. یعنی ستون و ساختار دین نصیحت و خیر خواهی است. و نصیحت برای خدا به معنی ایمان و دوری از شرک، ترک کفر، الحاد و توصیف خداوند براساس صفات کمال، عظمت و نفی همه کمبودها و نقصانها از او تعالی و عبادت صادقانه و مخلصانه و پرهیز از گناه و نافرمانی او تعالی است.

^۱ - الجامع الصحيح سنن الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، ۲۵۲/۵.

^۲ - المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۱۴۱۵، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، عدد الأجزاء: ۱۰، ۲۷۰/۷. این حدیث از طریق حدیفة تنها از همین اسناد روایت شده که عبد الله بن أبي جعفر رازی به آن تفرد ورزیده است.

^۳ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، ۵۳/۱.

نصیحت به وسیله کتاب الهی بدین معناست که به همه کتاب های آسمانی نازل شده بر همه پیامبران که آخرین آنها قرآن است، ایمان داشت. قرآنی که بری از شک و تردید و تحریف است و به رهنمود ها و احکام و تلاوت و تدبیر در آیات و معانی آنها عمل شود.

نصیحت بر اساس سنت رسول الله ﷺ بدین معناست که: رسالت او را تصدیق نموده و به همه آیاتی که بر او نازل شد ایمان داشت و آنها را در زندگی خویش به کار گرفت و رسول الله ﷺ را از اعماق قلب دوست داشته و محبتش را وسیله ای برای پیروی و اطاعت قرار داد؛ الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ ای پیامبر به آنها بگو: اگر (درست می گوید) خداوند را دوست دارید، بیاید از من پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد.

نصیحت رهبران مسلمان بدین معناست که: آنها را در جهت پیروی از حقیقت، اقامه عدالت و پیروی از خیر و نیکی در امور مشروع و اقامه دین الهی و تطبیق احکام شرع و احیای روح تعالیم اسلام و رهنمود های قرآن و سنت در جامعه، یاری نمود.

نصیحت عامه مسلمانان هم بدین معناست که: آنها را برای آگاهی و عمل مسئولیت های دینی، اجتماعی و تلاش برای تحقق مصالح و منافع دنیوی و اخروی اندرز و نصیحت کرد.

د: تطبیق شریعت و اقامه دین:

کار برای تطبیق شرع و اقامه دین، برعهده همه مسلمانان و در همه عرصه های جامعه است که با کردار و گفتار خویش دیگران را به عمل به دین و شریعت الهی دعوت نمایند؛ الله متعال می فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ..﴾^۲ آنچه از دین که نوح را به آن فرمان داده بود، و آنچه را که به تو وحی کرده ایم و آنچه که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرر داشت که دین را برپا دارید و در آن اختلاف نورزید.

ه: دعوت به همکاری میان ملت ها و گفتگوی تمدن ها:

اسلام همه تلاش خود را برای ایجاد جامعه ای سالم و آرمانی، براساس وحدت و همبستگی میان همه انسان ها و احترام به نهاد خانواده و تعاون میان ملت ها در جهت تعمیم خیر و صلح جهانی، ایجاد روابط سالم، احترام متقابل، و تحقیق مصالح مشترک بر اساس حق و عدالت، به کار می گیرد.

در مورد وحدت انسانی میان همه بشریت و به مثابه یک خانواده بودن آن، قرآن می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^۳ ای مردم! از خشم پروردگار خویش پرهیز کنید! پروردگاری که شما را از یک انسان آفرید و سپس همسرش را از نوع او به وجود آورد و از آن دو مردان و زنان فراوانی را بر روی زمین منتشر ساخت و از خشم خداوند پرهیز نمایید. خداوندی که به نام او از همدیگر

۱- آل عمران / ۳۱.

۲- الشوری/ ۱۲.

۳- النساء / ۱.

در خواست می‌کنید و پرهیزید از این‌که پیوند خویشاوندی را قطع نمایید؛ زیرا خداوند بی‌گمان مراقب شماست.

و: دعوت و جهاد:

جهاد به معنای عام آن، یعنی جهاد با کلام و کتاب و مال و جان، بر همه مسلمانان در حد نیاز واجب است و لازم است، مسلمانان توانایی‌های جسمی، مادی و نظامی کافی را برای مقابله با دشمنان و خشی نمودن توطئه‌های آنان و پایان دادن به همه انواع تجاوزات، و برای پاسداری از هویت و سرافرازی امت اسلامی، عزت و سربلندی مسلمانان و آزادی سرزمین‌های غصب شده، آمادگی لازم را داشته باشند.

دشمنان اسلام زمانی به فکر تسلط بر سرزمین‌های اسلامی و تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بالای مسلمانان افتادند که اصل جهاد را کنار نهادند. این در حالی است که قرآن کریم مسلمانان را از ترک جهاد چنین هشدار شدید میدهد: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۱ (ای پیامبر! به آنان) بگو: اگر پدران، فرزندان و برادران (و همسران و قوم و قبیله شما و اموالی را که به دست آورده‌اید و بازرگانی و تجارتی را که از کسادی آن هراسی در دل دارید و خانه‌هایی که مورد علاقه شماست؛ این‌ها در نظرتان از خداوند، پیامبر و جهاد در راه او محبوب تر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را انجام بدهد و (عذاب خویش را فرو فرستد) و به راستی خداوند افراد نافرمان‌بردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید.

جهاد در اسلام جهت رویارویی با حملات و تهاجم دشمنان مشروع گردیده است؛ الله متعال فرموده است: ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۲ اجازه (دفاع از خود) به کسانی داده می‌شود که به آنان جنگ (تحمیل) می‌گردد، چرا که بدیشان ستم رفته است (و آنان مدتهای طولانی در برابر ظلم ظالمان شکیبائی ورزیده‌اند و خون دل خورده‌اند) و خداوند توانا است بر این‌که ایشان را پیروز کند. همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود اخراج شده‌اند (و از مکه و امداد به هجرت گشته‌اند) و تنها گناهشان این بوده است که می‌گفته‌اند پروردگار ما خدا است! اصلاً اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نکند (و با دست مصلحان از مفسدان جلوگیری ننماید، باطل همه‌جاگیر می‌گردد و صدای حق را در گلو خفه می‌کند، و آن وقت (دیرهای (راهبان و تارکان دنیا) و کلیساهای (مسیحیان) و کنشتهای (یهودیان) ، و مسجدهای (مسلمانان) که در آنها خدا بسیار یاد می‌شود، تخریب و ویران می‌گردد. (اما خداوند بندگان مصلح و مراکز پرستش خود را فراموش نمی‌کند) و به طور مسلم خدا یاری می‌دهد کسانی را که (با دفاع از آئین و معابد) او را یاری دهند. خداوند نیرومند و چیره است (و با قدرت نامحدودی که دارد یاران خود را پیروز می‌گرداند، و چیزی نمی‌تواند او را در مانده کند و از تحقق وعده‌هایش جلوگیری نماید).

^۱ - التوبه / ۲۴

^۲ - الحج / ۳۹-۴۰

اجازه (دفاع از خود) به کسانی داده می‌شود که به آنها جنگ (تحمیل) شده و به آنها ستم شده است و خداوند تواناست که آنان را پیروز گردانید، همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خویش رانده شده‌اند و تنها گناه شان این بوده که می‌گفته‌اند: خداوند پروردگار ماست.

تمامی غزوات رسول الله ﷺ علیه دشمنان، به خاطر دفاع از حریم اسلام و تامین حقوق مسلمانان، صورت گرفته و مسلمانان هیچگاهی آغاز گر جنگ نبوده‌اند. و هر چند برخی از فقهاء آنها جنگ تهاجمی می‌دانند — اما در واقع جنگ دفاعی است؛ الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾^۱ در راه خدا با کسانی که با شما وارد جنگ شده‌اند، بجنگید و شما (هیچ‌گاه به دیگران) تعدی و تجاوز ننمایید؛ زیرا خداوند به راستی تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.

اصل در تامین ارتباط با غیرمسلمانان، بر صلح است نه جنگ، و لازم به یاد آوری است که اعتداء و تجاوز دارای صورت‌های مختلفی است، گاهی ممکن است در شرایطی مسلمانان در بخشی و جبهه‌ای که دشمنان جنگ را قبلاً آغاز کرده‌اند، آغاز گر حمله و تهاجمی تاکتیکی باشند و مصلحت جنگ چنان چیزی را اقتضاء نماید، در واقع خود آن هم نوعی دفاع در قالب هجوم و برای پیشگیری از حملات دشمن به شمار می‌آید. اما باید در علل و اسباب بروز جنگ‌ها تحقیق به عمل آید که آغاز گر جنگ چه طرفی بوده است.

اما در هر حال، باید روح جهاد، آمادگی، تمرین جنگی و آمادگی دفاعی از طرف افراد، خانواده‌ها، حکومت‌ها و گروه‌ها مورد توجه جدی قرار داشته باشد؛ زیرا دشمنان مسلمانان در هر شرایطی آمادگی نظامی و جنگی خود را برای جنگ با ما حفظ می‌کنند. هر چند با ما دارای معاهدات و پیمان‌نامه‌های صلح باشند، زیرا جهاد عالی‌ترین نشانه التزام به اسلام است و رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُو وَلَمْ يَحْدِثْ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ مَاتَ عَلَى شِعْبَةِ مِنَ النِّفَاقِ﴾^۲ هر کس را مرگ فرا برسد و به جهاد نرود و یا در اندیشه جهاد نباشد، همراه با شعبه‌ای از نفاق مرده است.

^۱ - البقره / ۱۹۰.

^۲ - شعب الإمام، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰، تحقيق: محمد السعيد بسويوني زغلول، عدد الأجزاء: ۱۲/۷، ۳.

مبحث دوم

تلاش برای تامین وحدت امت

یکی از مسئولیت های بزرگ امت اسلامی در حال حاضر، تلاش جهت تامین وحدت میان مسلمانان میباشد و این امر یکی از اموری است که بدون آن، کیان و وجود امت در خطر قرار گرفته و اکنون زیرسوال رفته است، دشمنان امت با درک حساسیت این موضوع، در قدم اول جهت فروپاشی امت اسلامی از این حربه کار گرفتند که مسلمانان را در میان هم انداخته و آنها را به عناوین مختلف قوم، نژاد، سمت، زبان، مذهب و... از هم جدا ساختند و در نتیجه توانستند خلافت اسلامی را سقوط داده و راه های که سبب وحدت امت میگردد را، مسدود سازند، و امت اسلامی را در حالت پراکندگی و اختلاف بسیار عمیق قرار دادند، آن هم به سبب ایجاد گروه های متعدد که با هم اختلاف داشته، و تا سرحد دشمنی و حذف جانب مقابل، با هم در تقابل قرار گرفته اند، و هر یکی از آنها به روش و طریقه خود دعوت کرده، و گروه خود را شایسته و برحق می داند، و در نتیجه، آن اسلامی که پیامبر ﷺ به سوی آن دعوت کرده، اسلامی که زندگی صحابه گرامی نمایان گر آن بوده، و اهل قرون برتر آن را سیره خود قرار داده بودند، در میان این گروه های متخاصم نا پدید گردیده است. حتی اینکه یکی از (مستشرقین): میگوید: اسلام پنهان و پوشیده است، یعنی مسلمانانی که پیرو اسلام هستند، بیان کننده اسلام حقیقی نیستند. اینک مسئولیت و رسالت امت در این زمینه را به عنوان یک رسالت بزرگ دینی مورد بحث قرار میدهم:

مطلب اول

نصوصی که بیان امت واحده را ترسیم میکند

آیات متعدد قرآن کریم دال بر این است که امت اسلامی امت واحده است، و جهت اختصار به ذکر چند آیه اکتفاء می نمائیم:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^۱﴾ ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه چیز) است.

۲- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ^۲﴾ این حقیقت آشکار است که امت شما یکتاست، (و دارای یک راه و یک عقیده، و یک آیین است) و من پروردگار یکتا و آفریننده شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید.

۳- ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ^۳﴾ و مانند مردمی مباشید که از هم پراکنده شدند و اختلاف به میان آوردند و تفرق و اختلافشان بعد از رسیدن نشانه های آشکار از خدای تعالی به ایشان بود، ایشان را عذاب بزرگی است.

۴- ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۴﴾ و همگی به رشته (دین) خدا چنگ بزنید، و به راه های متفرق پراکنده مشوید.

۵- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ أَلَا لَأَفْضَلُ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ أَعْجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدَ وَلَا أَسْوَدَ عَلَىٰ أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ^۵﴾ ای مردم، پروردگار شما یکی است، پدر شما

^۱ - الحجرات/۱۳.

^۲ - الأنبياء/۹۲.

^۳ - آل عمران/۱۰۵.

^۴ - آل عمران/۱۰۳.

^۵ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، ۴۱۱/۵.

یکی است، هیچ عربی هیچ فضل و برتری بر غیر عرب ندارد، و غیر عرب نیز هیچ فضلی بر عرب ندارد، سفید فضلی بر سیاه و سیاه فضلی بر سفید ندارد مگر به واسطه‌ی تقوا.

دعوت به جاهلیت (قوم پرستی) با دعوت به اسلام، هیچ گونه توافقی ندارد:

۶- مَنْ ادَّعَى الْجَاهِلِيَّةَ فَإِنَّهُ مِنْ جُنَا جَهَنَّمَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ قَالَ وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ^۱ هر کس مردم را به جاهلیت فراخواند در آتش جهنم زانو خواهد زد. مردی گفت: ای رسول الله ﷺ اگر چه نماز هم بخواند و روزه هم بگیرد؟ فرمود: بله اگر چه نماز بخواند و روزه هم بگیرد.

رسول الله ﷺ چنین دعوتی را پلید و گندیده معرفی کرده است:

۷- ﴿غَزَوْنَا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ وَقَدْ تَابَ مَعَهُ نَاسٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ حَتَّى كَثُرُوا وَكَانَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلٌ لَعَابٌ فَكَسَعَ أَنْصَارِيًّا فَعَضِبَ الْأَنْصَارِيُّ غَضَبًا شَدِيدًا حَتَّى تَدَاعَوْا وَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ يَا لِلْأَنْصَارِ وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ مَا بَالُ دَعْوَى أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ ثُمَّ قَالَ مَا شَأْنُهُمْ فَأُخْبِرَ بِكَسَعَةِ الْمُهَاجِرِيِّ لِلْأَنْصَارِيِّ قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ دَعْوَاهَا فَإِنَّهَا خَبِيثَةٌ^۲. جابر می‌گوید: همراه رسول الله ﷺ به جنگی رفتیم، بسیاری از مهاجرین همراه ایشان بودند، یکی از مردان مهاجر آب دهانش را روی مردی انصاری انداخت، که مرد انصاری را خیلی عصبانی کرد، و با فریاد کردن و داد زدن از انصار کمک خواست، و مرد مهاجر هم از مهاجرین مدد طلبید، تا اینکه خبر به پیامبر ﷺ رسید و ایشان هم تشریف آوردند و فرمودند: چرا به جاهلیت دعوت می‌کنید؟ سپس فرمود: چه شده است؟ جریان را تعریف کردند، پیامبر ﷺ فرمود: این گونه دعوا را رها کنید چون پلید و نا شایسته است.

در حدیث دیگری می‌فرماید:

۸- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبِّيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَفَخَرَهَا بِالْأَبَاءِ مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ أَنْتُمْ بَنُو آدَمَ وَآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ^۳ همانا خداوند کبر جاهلیت و افتخار به پدران را از شما دور گردانیده است، انساها مؤمن متقی باشند یا فاجر زیانکار، همه فرزندان آدم هستند و آدم نیز از خاک به وجود آمده است.

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ يَغْضَبُ لِعَصْبَةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً فَقَتِيلٌ فَتِنَلَةٌ جَاهِلِيَّةٌ^۴ کسیکه زیر پرچم گمراهی قومیت بجنگد و برای آن به خشم بیاید و بدان دعوت کند و آنرا یاری دهد و در این راه کشته شود، مرگش مرگی جاهلی است.

وحدت، راز بقای ملت‌ها: اتحاد و وحدت نقش بزرگی در اتحاد، پیشرفت و سربلندی ملت‌ها دارد، و در اثر آن بزرگترین نیروی ساخته میشود که در جهان نظیری نداشته باشد، این مطلب را اگر ضمن یک مثال بیان کنیم میتوان گفت: سد های عظیمی در نقاط مختلف جهان ایجاد شده که مبداء تولید بزرگترین نیروگاه های

^۱ - الجامع الصحيح سنن الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، ۱/۴۸.

^۲ - الجامع الصحيح، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، ۴/۲۲۳.

^۳ - سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، ۴۱/۴۹۲.

^۴ - الجمع بين الصحيحين البخاري و مسلم، محمد بن فتوح الحميدي، ۱/۲۳۸.

صنعتی است و مناطق وسیعی را زیر پوشش آبیاری خود قرار داده است، و این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه هم آهنگی و یکجا شدن قدرتهای ناچیز دانه های باران نیست؛ که در اثر این هم آهنگی و وحدت نیروی عظیمی از آنها ایجاد میشود و منافع بزرگی را سبب مگردد. در احادیث که از پیامبر ﷺ روایت گردیده نیز، به لزوم و اهمیت این موضوع تاکید شده است؛.

۱۰- ﴿إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ﴾^۱ افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای يك ساختمان اند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگه ماه می دارد.

۱۱- مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى^۲ مثل افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای جسد واحد اند، که چون بعضی از آن دردمند شود، اعضای دیگر را قرار و آرامشی نخواهد بود.



^۱- الصحيح البخاری، محمد بن إسماعيل البخاري، ۴۹۱/۱.

^۲- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، ۱۹۹۹/۴.

مطلب دوم

وعده های الهی بر بقاء وحدت امت اسلامی

الله متعال بقاء امت اسلامی را بصورت امت واحده تضمین نموده که در دو چیز مَهفته است:

الف: در حفظ وبقای قرآن، الله متعال ارشاد می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱. ما قرآن را بر تو نازل کردیم، و ما هم آن را محفوظ خواهیم داشت.

مسلم که با بقای قرآن بحیث اولین مصدر تشریح اسلامی، کیان امت اسلامی نیز محفوظ خواهد ماند.

ب: در بقای گروهی از مسلمانان که پاسداران حقیقی اسلام اند، و آن را حفاظت و نگهداری کرده با جان و دل از آن دفاع می کنند، الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۲ ای مردمی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خویش برگردد، الله متعال گروهی را به میان می آورد که ایشان را دوست می دارد، و ایشان او را دوست می دارند، نسبت به مؤمنان پر محبت، و بر کافران سختگیر اند، در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش و نکوهش و ملامت هیچ کسی باکی ندارند.

و می فرماید: ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾^۳. و اگر پشت به فرمان او کنید (و راهنمایی های او را نپذیرید) به جای شما گروهی غیر از شما می آورد (که فرموده خدا را تصدیق کنند و بر راه او روند و به شریعت او عمل کنند و به آنچه خدا فرمود عمل نمایند و پیرو پیامبر باشند)، آنگاه آنان مانند شما نخواهند بود. آن جماعت، گروهی از مسلمانان است که رسول الله ﷺ از آنها چنین خبر داده است: ﴿لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَيِ الْحَقِّ ظَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مِنْ خَدَّيْهِمْ وَلَا مِنْ خَالْفِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَهُمْ عَلَيِ ذَلِكَ﴾^۴. همواره گروهی از امت من بر حق ظاهر و آشکارند، و عدم تأیید و عدم نصرت و یاری کسی، و مخالفت هیچ کس به آنها ضرر نمی رساند، تا این که امر خدا یعنی قیامت بر پا شود و آنان بر همان راه حق خود می باشند.

بناء، بر مسلمانان لازم است، تا این گروه مبارک را جستجو نموده و با ایشان هم‌نوا و هم‌کار شوند و به تحت قیادت و مطابق منهج و روش آنها حرکت کنند، و به صفوف شان بپیوندند.

گروه نجات یافته و برحق در روشنی نصوص:

^۱ - الحجر / ۹.

^۲ - المائدة / ۵۴.

^۳ - محمد / ۳۸.

^۴ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، ۵۳/۶.

رسول الله ﷺ خبر داده اند که در میان امت اختلاف و پراکندگی به میان خواهد آمد، طوری که در امت های قبل از اسلام نیز چنین بوده است، ارشاد فرموده اند: ﴿فَإِنَّهُ مِنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فِيسِرِي اخْتِلَافًا كَثِيرًا فَعَلَيْكُمْ بَسَنَتِي وَسُنَّةَ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّينَ مِنْ بَعْدِي﴾.^۱ زیرا هر کس از شما عمری طولانی کند، اختلافات و تفرقه های بسیاری خواهد دید، پس بر شماست که پیرو سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده که بعد از من می آیند باشید. در حدیث دیگر می فرماید: ﴿تَفْتَرِقُ هَذِهِ الْأُمَّةُ ثَلَاثَةَ وَسَعِينَ فِرْقَةً كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً قَالُوا وَمَا تِلْكَ الْفِرْقَةُ قَالَ مَنْ كَانَ عَلَيَّ مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي﴾.^۲ این امت (یعنی مسلمانان) بر هفتاد سه گروه تقسیم خواهد شد، همه این فرقه ها و گروه ها در آتش جهنم اند، مگر يك گروه، (صحابه گویند): پرسیدم ای رسول خدا ﷺ این گروه رستگار چه گروهی است؟ فرمود: آنچه که من و یاران من امروز بر آن هستیم.

در عصور بعدی طبق آنچه پیامبر ﷺ به آن خبر داده بودند، واقع شد و امت پراکنده شد، ولی این تفرقه تأثیر زیادی در کیان امت اسلام در قرون مفضله (قرنهایی که پیامبر از آنها به عنوان خیر القرون نام بردند) نداشت، گروه رستگار اهل سنت و جماعت با چنگ زدن به اسلام و حقیقت دین و عمل به احکام و دستاوردی و دعوت به آن، پایدار ماند و وجود این گروه مصداق حدیث، طبق پیشگویی رسول الله ﷺ در گفته ها و کارها و اعتقاد می باشد، همانطوری که پیامبر ﷺ در جواب پرسشی که از فرقه ناجیه میشود، می فرمایند: ﴿مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي﴾^۳ آنها کسانی اند که به آنچه من و یاران من بر آن هستیم، چنگ زده اند. بدون شك آنها باز ماندگان نیکوکار کسانی اند، که الله متعال در باره آنها چنین فرموده است: ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ...﴾^۴ چرا که در قرن ها و ملت های گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که خلق را از فساد و اعمال زشت در زمین منع و نهي کنند. یهود و منافقین تلاش کردند، تا بین مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ تفرقه و اختلاف ایجاد کنند، الله متعال دسیسه های آن ها را آشکار کرد.

زید بن اسلم میگوید: مرشاس بن قیس یهودی که دشمنی و حسادت زیادی با مسلمانان داشت، بالای گروهی از صحابه که از قبیله اوس و خزرج بودند، مرور کرد، با دیدن محبت و الفت میان شان به غیظ آمده با خود گفت: بعد از اتفاق و اتحاد میان اینها ما را استقراری در این جا نخواهد بود و جوانی از یهود را فرستاد و او را دستور داد که با یاد آوری از جنگ ها و دشمنی های میان اوس و خزرج، زمینه های جنگ و عداوت را در میان آنها فراهم نماید، جوان یهودی می_____ان آنها وارد شده و از جنگ های بعثت یاد آوری کرد و اشعاری را در این باب سرود، تا اینکه میان آنها عداوت های گذشته

^۱ - سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني ۳۲۹/۴.

^۲ - المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۱۴۱۵، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، عدد الأجزاء: ۱۰، ۲۲/۸.

^۳ - المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري، المعروف بابن البيع، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰، عدد الأجزاء: ۴، ۲۱۸/۱.

^۴ - هود/ ۱۱۶.

را تازه کرد و کار به جانی کشید که دست به اسلحه برده و در حره موعده جنگ تعیین گردید و نزدیک بود، باهم درگیر شوند، رسول الله ﷺ از واقعه آگاه شد و نزد ایشان رفته و در خطاب به آنها فرمودند: ﴿يا معشر المسلمين، بدعوى الجاهلية وأنا بين أظهركم بعد أن أكرمكم الله بالإسلام وقطع به عنكم أمر الجاهلية وألف بينكم، فترجعون إلى ما كنتم عليه كفارا؟ الله الله﴾. ای گروه مسلمانان آیا ندای جاهلیت را سرداده اید، درحالیکه من در میان شما هستم و الله متعال شما را با اسلام کرامت بخشید و امور جاهلی را از شما دور ساخت و الفت را میان شما برقرار نمود، بعد از این همه، باز هم بسوی کفر بر می میگردد، از الله بترسید و تقوی پیشه کنید. اصحاب متوجه دسایس شیطانی دشمن گردیده سلاح را کنار گذاشته با هم معانقه و مصافحه نمودند و این آیه در مورد آنان نازل گردید^۱:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَادَّبُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾.^۲ ای مؤمنان اگر پیروی و اطاعت گروهی از اهل کتاب نمایید، شما را بعد از ایمان داری به کفر بر می گردانند، و چگونه شما (مؤمنان) کافر خواهید شد، در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیغمبر خدا در میان شما است. و کسی که به دین خدا چنگ زند، به راستی به راه مستقیم هدایت یافته. ای مردمی که ایمان آورده اید از خدا آن چنان که شایسته ترسیدن از اوست بترسید، و نباید مرگ شما فرار سد مگر در حالی که مسلمان باشید. و همگی به ریسمان خداوندی که همانا اسلام است چنگ زده و از یکدیگر پراکنده مشوید، و نعمت هایی که خدا به شما ارزانی فرمود به یاد آورید، دشمنان همدیگر بودید، خدا میان دل هایتان الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر (دینی) یکدیگر شدید، و در پرتگاه (چاله ای) از آتش بودید، خدا شما را نجات داد، (خدای) توانا به برکت دین اسلام شما را همگی با هم برادر و همدست و دوستدار یکدیگر گردانید. آن چنان که یاد شد، خدا آیات خود را برای شما روشن فرمود تا به راه راست بروید. و باید از شما مسلمانان همیشه گروهی باشند که به سوی خیر و خوبی دعوت کنند و از بدی باز دارند و آنانی که چنین کنند، (امر بمعروف نمایند و نهي از منکر کنند آنان) رستگاران هستند. و شما (مسلمانان) مانند مللی نباشید که راه تفرقه و اختلاف پیمودند پس از آن که آیات و دلایل روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمد، و چنین گروهی گرفتار عذاب سخت خواهند بود. روزی که کسانی رو سفید و کسانی رو سیاه گردند، آهائی که روی شان سیاه شود (به آنان گفته می شود) آیا بعد از ایمان آوردنتان کافر شدید! (نتیجه اش این است که در برابر کفر آوردنتان عذاب خداوندی بچشید.

^۱ - أسباب النزول، للواحدی / ۱۴۹ - ۱۵۰.

^۲ - آل عمران / ۱۰۰ - ۱۰۶.

رسول الله ﷺ برای انصار موعظه نموده و آنها را از نعمت اسلام و اجتماع آنها بعد از تفرقه یاد آوری نمود، انصار با هم دست دادند و همدیگر را به آغوش کشیدند .

اینجا بود که دسیسه های یهود بر هم خورد و مسلمانان امت یکپارچه باقی ماندند، به سبب اینکه الله متعال آنها را به وحدت صف و تعاون بر حق امر فرموده و از اختلاف و تفرق باز داشته است، الله متعال ارشاد فرموده اند: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾^۱ . و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از اینکه نشانه های روشن پیش آنها آمد.

اموری که باعث از هم پاشیده شدن بنای امت واحده اسلامی در جهان امروز شده اند، تمامی آنها قابل رفع و حل هستند؛ البته این امر زمانی تحقق خواهد یافت، که افراد امت اسلامی و مصلحین آن، هدف و مقصد مشترک شان را به خوبی بشناسند و راه مناسبی را برای دسترسی به آن پیدا نموده و با در نظر داشت سنت الهی در خلقتی که تغییر ناپذیر است، در تطبیق و برداشتن گام های عملی اقدام نمایند، و با تاسی از سیاستی که پیامبر اکرم ﷺ و یاران ایشان اتخاذ نموده بودند، و به خوبی به مقصد شان رسیدند، میتوان این مسیر را به دقت و جدیت تعقیب نمود.

پیامبر ﷺ در مرحله اول کار دعوت را از عبادت الله متعال و تربیت افرادی که بر این هدف آغاز نمودند، و در راه او جهاد نموده و سپس به وحدت کلمه پرداخته و کینه های قدیمی شان را به فراموشی سپاریدند، و تمام مظاهر جاهلیت را که جاهلان بدان افتخار می ورزیدند، از قبیل: قوم گرایی و ملیت پرستی و انحصار گرایی، پشت پا زده و به ریسمان ناگسستگی الهی چنگ زدند، و هر فرد که توانائی داشت، به کمک برادرش شتافت و آماده هر نوع قربانی جان و مال در راه هدف شدند، امروز مصلحین امت باید به سنت و سیرت آنها احترام گذاشته و از راه شان پیروی کنند و با توکل به الله یکتا و توانا به مسیر خویش ادامه دهند. زیرا الله متعال آنگونه که ایشان را دیروز عزت و سربلندی نصیب فرمود، امت اسلامی را امروز نیز سربلند خواهد نمود، الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲ کسانی که برای رضایت ما و در راه (پیروی دین) ما جهاد کنند، آنان را در راه های منتهی به خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می گردانیم و الله متعال با نیکوکاران است. (و کسانی که خدا با ایشان باشد، پیروزند. مصلحین امت که خواهان خیر و صلاح برای همه بشریت اند، باید در قدم اول اسلام را مایه هدایت برای تمامی بشر بشناسانند. کلمه الله را در زمین بر پا دارند، و اسلام را در سراسر عالم انتشار دهند و از دین و عقیده شان پاسداری نموده و جامعه انسانی کاملی که خیر و خوبی در آن غالب و شر و بدی در آن محکوم و مغلوب باشد، بنا کنند. به این ترتیب، بهترین و برترین امتی خواهند بود که برای نفع رساندن به مردم روی کار آمده اند. هرگاه ما هم همانند سلف صالح باشیم، نصرت می شویم، زیرا الله متعال کسانی را که دین او را نصرت و یاری می کنند، یاری خواهد کرد، که پروردگار قوی و عزیز است.

^۱ - آل عمران / ۱۰۵ .

^۲ - العنکبوت / ۶۹ .

ارشاد الهیست: ﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِيَّالَا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا فِتْرَبُّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتْرَبِّصُونَ﴾^۱ بگو: چه از روی اختیار و چه از روی ناخوشی و اجبار انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نمی شود. بی گمانان شما گروهی نافرمانان هستید.

در این آیه مبارکه راز اصلی همه پیروزیهای مسلمانان صدر اسلام هفته است، که برای تضمین پیروزی آنها کافی بود، و آن اینکه مفهوم شکست و ناکامی را به کلی از صفحه روح آنها زدوده، و به آنها ثابت کرده که در هر حال شما پیروز میباشید، کشته شوید و یا دشمن را بکشید؛ در هر دو صورت پیروز میباشید.

زیرا شما دو راه در پیش دارید که هر دو شما را به منزل مقصود خواهید رسانید، براهه در مسیر شما وجود ندارد، يك راه به سوی شهادت می رود که نقطه اوج افتخار يك انسان با ایمان است، و بالاترین موهبتی است که برای انسان تصور می شود، که در معامله اش با الله متعال جان میدهد و حیات جاویدان و ابدی در جوار قرب پروردگار و در میان نعمتهای الهی را خریداری میکند. ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۲ همانا خداوند از مؤمنان جانهایشان و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده است. در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند، این وعده ای است که در تورات و انجیل و قرآن بر او (خداوند، مقرر) است، و چه کسی از خدا به وعده خود وفاکننده تر است؟! پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید و ایمن همان کامیابی بزرگ است.

سربازی که با این روحیه وارد میدان مبارزه می شود، هیچگاه فکر فرار کردن را در سر نمی پروراند، از هیچکس و هیچ چیز نمی هراسد، ترس و وحشت را نمی شناسد، لشکری که از چنین سربازانی تشکیل شود، شکست ناپذیر خواهد بود.

کسانی که میخواهند راز پیشرفت برق آسای مومنان صدر اسلام و علل عقب ماندگی امروز مسلمانان را بدانند، به محتوای آیه مبارکه ذکر شده باندیشند، و پاسخ این سؤال را بروشنی در آن می یابند.

گروه نجات یافته در زمینه عقاید از یاران پیامبر و سلف صالح دنباله روی کرده و در دایره اهل سنت و جماعت جای می گیرند، از این رو بینش و جهان بینی ایشان همان چیزی است که خداوند آن را برای مؤمنان پسندیده و پیامبران را بخاطر ابلاغ آن به مردم روانه کرده است، بنابراین، نمی توان ویژگی مزبور

^۱ - التوبه/۵۲.

^۲ - التوبه/۱۱۱.

نجات یافتگی) را جز بر گروهی که در شرایط زمانی و مکانی مختلف گل سرسبد امت اسلامی اند، اطلاق کرد.

بنابراین، میتوان گفت که آنان پیروان اهل سنت و جماعت و طائفه منصوره هستند که تا روز رستاخیز بر راه راست حرکت کرده، گفتار و کردار و عقایدشان بر اساس وحی الهی است، هستی و زندگی خویش را وقف ابلاغ و گسترش دین کرده اند و در این راه از سرزنش هر کس و گروهی عبور کرده و در زمینه بینش و جهان بینی و رد شبهات معاندین همگام با سلف صالح حرکت خواهند نمود، چون بر اساس وعده الهی، گروهی از مخلصان هر شرایطی به پا خاسته و در برابر بدعت گذاران و گمراهان ایستادگی نموده و از دین حق حراست و دفاع میکنند. و موجودیت این گروه، مصداق این فرموده الهی میباشد که ارشاد میفرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم. الله متعال در مورد این گروه ارشاد میفرماید: ﴿وَإِن جُنْدَنَا لَهُمُ الْعَالُونَ﴾^۲ و لشکر ما حتماً پیروز می‌شوند.

گروه نجات یافته (الفرقة الناجية): گروه نجات یافته به کسانی گفته می‌شود، که دارای عقیده‌ای صحیح، خلوص نیت و بر راه و روش پیامبر بزرگوار ﷺ حرکت می‌کنند، و به تعبیر دیگر، ایشان «اهل سنت و جماعت» هستند، زیرا از یک طرف در تمامی امور مربوط به عقاید و احکام از پیامبر اکرم ﷺ پیروی نموده و از جانبی هم، مسایل مورد اتفاق سلف صالح را چراغ راه خویش قرار داده و از آن تخطی نمی‌نمایند.

البته در روشنی دلایل ذکر شده تعریف اولی که ارائه شد، مسلم بوده و دارای ارجحیت میباشد. اساس نامگذاری این گروه بنام نجات یافته (الفرقة الناجية) از این فرموده پیامبر خدا نشأت می‌گیرد که ایشان میفرمایند: ﴿تفترق هذه الأمة ثلاثة وسبعين فرقة كلها في النار إلا واحدة قالوا وما تلك الفرقة قال من كان على ما أنا عليه اليوم وأصحابي﴾^۳ در آینده این امت نیز هفتاد و سه گروه خواهند شد که جز یک گروه همه آنها در آتش اند، حضار عرض کردند: ای پیامبر خدا! این گروه چه کسانی هستند؟ در پاسخ فرمود: کسانی اند که بر راه و روش من و یارام حرکت می‌کنند.

^۱ - الحجر/۹.

^۲ - الصافات/۱۷۳.

^۳ - المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۱۴۱۵، ۲۲/۸.

* در مورد صحت و متن این حدیث دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد، و به لفظ: (تفترق أمتي على بضع وسبعين فرقة، كلها في الجنة إلا واحدة) و هي الزنادقة) و بروایت ابو یعلی از طریق انس به لفظ: (أهداها فرقة الجماعة) نیز وارد شده است. کشف الخفاء ومزیل الإلباس، إسماعیل بن محمد بن عبد الهادی الجراحی العجلونی/۱/۱۶۹.

طاهر بن محمد الأسفرائینی ابو المظفر* در مورد شناخت فرقه ناجیه میگوید: "فرقه ناجیه اهل سنت و جماعت میباشد، زیرا تمام مواصفات گروه ناجیه در وجود آنها تحقق یافته است."^۱

آنچه را علامه اسفرائینی میگوید، به حقیقت مقرون میباشد، زیرا اهل سنت و جماعت، طوریکه از نامش پیداست، در میان همه فرقه ها و گروه های منتسب به اسلام، مصداقیت حدیث فوق را دارند، زیرا:

۱- آنها مصداق این آیه مبارکه اند: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۲ بگو: اگر شما خدا را دوست دارید، پس از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد، و خداوند بخشنده مهربان است. میباشند، بدلیل اینکه محبت الله متعال در متابعت از رسول او میباشد، به این اساس، پیروی از رسول الله ﷺ سبب محبت الله متعال میگردد و این صفت در اهل سنت و جماعت مشهود است. و این فرموده رسول الله ﷺ هنگامیکه از ایشان در مورد فرقه ناجیه پرسیده شد، ارشاد فرمودند: ﴿مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي﴾ و این صفت در حق اهل سنت و جماعت بیشتر از هر فرقه دیگری تحقق یافته است.

۲- اهل سنت و جماعت در ادله شرعی کتاب، سنت، اجماع و قیاس را اصل قرار داده به آن استناد میکنند، و در فروع شریعت همه آن ادله را در نظر گرفته و استدلال میکنند.

۳- اهل سنت و جماعت هیچ یک از آنها دیگرش را تکفیر ننموده و اجماع نموده اند به اینکه اهل قبله را به سبب ارتکاب گناهی کافر نمی گویند، برخلاف سائر گروه ها که یکدیگر خود را تکفیر نموده و از ملت اسلام خارج میسازند، مانند خوارج، روافض، قدریه و غیره.

۴- عبدالله بن عمر رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت میکند که در تفسیر آیه مبارکه: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌ﴾^۳ روزی که چهره هایی سفید می گردند و چهره هایی سیاه می شوند. ارشاد فرموده اند: آنانیکه رو های شان سفید میباشد، آنها اهل جماعت اند، و کسانیکه رو های ایشان سیاه میباشد، اهل اهواء اند، و اهل اهواء آنانی اند که از پیروی کتاب و سنت سرکشی میکنند.

^۱ - التبصير في الدين وتمييز الفرقة الناجية عن الفرق المالکين، طاهر بن محمد الأسفرائینی، أبو المظفر، المحقق: کمال يوسف الحوت، الناشر: عالم الكتب - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م، ۱/۱۸۷.

* طاهر بن محمد الأسفرائینی، أبو المظفر، متولد ۴۷۱ هـ = ۱۰۷۸ م) است. سبکی او را در طبقات الشافعية (۳: ۱۷۵) به اسم (شهنشور بن طاهر) و در کشف الظنون (۱: ۴۳۰) بنام (طاهر بن محمد، ويقال شهنشور بن طاهر) نام گذاری نموده است. وی شخصی عالم به اصول، و مفسر بزرگ و از فقهاء شافعية بود. وتصنيفات در تفسیر و اصول دارد، از آن جمله کتاب: التبصير في الدين وتمييز الفرقة الناجية عن الفرق المالکين) است. الأعلام للزركلي.

^۲ - آل عمران/۳۱.

^۳ - آل عمران/۱۰۶.

- ۵- الله متعال ارشاد فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ﴾^۱ بی گمان کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و دسته دسته شدند، تو به هیچ وجه از آنان نیستی، و به راستی که کار آنها با خداست، سپس (خداوند) آنان را به آنچه می کردند آگاه می سازد. از این آیه مبارکه دانسته میشود که آنانیکه در دین تفرقه ایجاد کردند، در طریق حق نبوده و تمام گروه های که قبلاً به آنها اشاره شد، شامل آن میباشند، جز اهل سنت و جماعت که به مسیر حق روان بوده و به رسن الهی و حبل الله المتین متمسک اند.
- ۶- همه مفاخر اسلام در طول تاریخ ظهور آن، از علوم و معارف و انواع اجتهادات به اهل سنت و جماعت مربوط میباشد و سهم بزرگی در آن داشته و دارند.^۲



^۱ - الانعام/۱۵۹.

^۲ - التبصیر فی الدین وتمییز الفرقة الناجية عن الفرق الممالکین، طاهر بن محمد الأسفرائینی، أبو المظفر، المحقق: کمال یوسف الحوت، الناشر: عالم الکتب - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م، ۱/۱۸۷.

مبحث سوم

قیادت جامعه بشری در سایه اسلام

بعد از آنکه مسلمانان رهبری جامعه بشری و رهبری جهان را از دست دادند و به انحطاط فکری و علمی و تقلید از مبادی جاهلیت و پیروی از افکار و اندیشه های مادی فلاسفه اروپایی گرفتار گردیده و بی اراده و اختیار به سوی مقصد نا معلوم، در پیروی از غرب به حرکت افتیدند، اروپا و غرب زمام رهبری ملت ها را به دست گرفته و در رهبری جهان جانشین مسلمانان گردیدند. اکنون که جهان بشریت به بحران جدی مواجه گردیده است، و هرآن امکان زوال و نابودی بشر فراهم گردیده است؛ باید راه حل معقول از این ورطه هولناک کنونی را جستجو نمود، و آن راه حل؛ تنها این امر شده میتواند که امت اسلامی دو باره قیادت جامعه بشری را بدست گرفته با منهج قوی ربانی و اصول انسانی و جهان شمول خویش، بشریت را از ورطه زوال و نابودی نجات داده و ادای مسئولیت نماید.

مطلب اول

تعریف و مفهوم قیادت

قیادت در لغت:

قیادت: رهبری کردن، پیشوایی کردن را گویند.^۱

ابن کثیر در تفسیر آیه مبارکه: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾^۲ و بالاخص در بیان معنی جمله: ﴿أَخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ میگوید: (وَأَلْمَعْنَى: أَنَّهُمْ خَيْرُ الْأُمَّةِ وَأَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ).^۳ بدون شک این امت بهترین امت ها و نافع ترین مردمان برای مردمان اند.

رهبری و قیادت جهان، نصیب امت اسلامی، بعنوان امت برگزیده الهی و بهترین امت ها است، که از جانب الله متعال تفویض گردیده و باید با این ویژه گیهایی که دارد، قیادت جامعه بشری را در دست گیرد و بشریت را از سرگردانی و پریشانی نجات دهد.

مطابق قاعده اصولی (ما لایتم الواجب إلا به فهو واجب)^۴ هر چیزی که واجب بدون آن ممکن نباشد، خودش هم واجب است. برای رسیدگی به امور رعیت و امت و حفظ اتحاد و یک پارچگی مسلمانان و حمایت از حریم اسلام و مبارزه در مقابل منکرات و پیشبرد دعوت اسلامی و سایر مقاصد بزرگی که اسلام میخواهد آنرا عملی سازد، تشکیل جماعت و انتخاب قیادت واحد بالای مسلمانان فرض است، زیرا بدون اجتماع مسلمانان و موجودیت امیر و امام، تحقق این مقاصد امکان پذیر نیست. و قیامت اسلامی جز با امام صورت نمی گیرد، به همین دلیل، نصب امام واجب است و به همین صورت هر منکری که مبارزه با آن جز از طریق جماعت و امام، امکان پذیر نیست، وجود امام برای انجام آن واجب است.

به همین ترتیب، اقامه دین و خنثی ساختن توطئه های دشمنان به امت اسلامی و حریم مسلمانان؛ جز از طریق امام ممکن نیست، همانطوری که صحابه کرام برای اقامه ی دین و رسیدگی به امور مسلمانان بر نصب ابوبکر صدیق بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم اجماع کردند. و بعد از آن مسلمانان به تعیین و نصب خلیفه و امام ادامه دادند، ارشاد الهیست: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۵ خداوند به شما دستور می دهد که امانت ها را به اهله بسپارید و هرگاه بین مردم داوری نمودید، عادلانه داوری کنید. مراد از امانت در این آیه، امانت حکومت داری است.

^۱ - فرهنگ معین، دکتر محمد معین، ۴/۴۵.

^۲ - آل عمران/۱۱۰.

^۳ - تفسیر القرآن العظیم، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی، ۲/۶۴.

^۴ - التقرير والتحریر فی علم الأصول، ابن امیر الحاج، الناشر دار الفکر، سنة النشر ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م. مکان النشر بیروت، ۲/۱۹۴.

^۵ - النساء/۵۸.

و رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده اند: ﴿من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية﴾^۱ کسی که بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد، بر جاهلیت مرده است.

بناء، تعیین و نصب امام کل، بر مسلمانان فرض است و حتی اگر یک شب مسلمانان فاقد امامی که به وسیله کتاب و سنت رهبری شان کند، نداشته باشند، همه گناه کارند. ابن حجر العسقلانی در فتح الباری شرح صحیح البخاری در شرح حدیث فوق مینویسد:

(والمراد بالميتة الجاهيلة وهي بكسر الميم حالة الموت كموت أهل الجاهلية على ضلال وليس له امام مطاع لأنهم كانوا لا يعرفون ذلك وليس المراد أنه يموت كافرا بل يموت عاصيا ..)^۲ یعنی: مراد از مرگ جاهلی (که در حدیث به آن اشاره شده است)، حالتی است شبیه مرگ اهل جاهلیت و گمراهی که امامی نداشته است، و مراد این نیست که کافر میمیرد، بلکه گناهکار می باشد.

از جانب دیگر، امامت عظمی یکی از بزرگترین آرمانها و فرایض اسلام و بزرگترین چتری است که امت را در محور خود جمع نموده و از تفرق و از هم پاشیدگی و اختلافات نامیمون باز میدارد، امامت در پاسداری از اسلام و سیاست اسلامی در زندگی دنیا در نیابت از پیامبر ﷺ است، تا هنگامیکه مسلمانان بر نصب امام اتفاق و اجماع نکرده اند، مسئولیت خود را در برابر شرع الهی اداء ننموده اند.

الله متعال ارشاد میفرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعْظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۳ بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می دهد که امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده، و چه چیزهایی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته اند) به صاحبان امانت برسانید.

مفهوم آیه مبارکه بطور ضمنی به این موضوع دلالت داشته میفرماید که همه امانتها را به افراد شایسته و اهل آن واگذار کنید یکی از این امانتها، امانت رهبری و قیادت جامعه اسلامی است، که باید به افراد شایسته واگذار شود که از عهده آن بر آمده بتوانند.

پیامبر ﷺ حتی جماعت و گروه سه نفری را به انتخاب امیر دستور داده میفرماید: ﴿لَا يَحِلُّ لثَلَاثَةٍ نَفَرٍ يَكُونُونَ بِأَرْضٍ فَلَاةٍ إِلَّا أَمَرُوا عَلَيْهِمْ أَحَدَهُمْ﴾^۴ جائز نیست برای سه نفر که در صحرائی با هم باشند، مگر اینکه یکی از آنها بالای شان امیر باشد.

وقتی برای سه نفر نصب امام و قاید لازمی باشد، برای جامعه به طریق اولی لازم می گردد، تا مسلمانان از ظلم و تجاوز در امان باشند.

صحابه بعد از فوت رسول الله ﷺ بر وجوب امامت اجماع کردند، و قبل از هر چیز به تعیین امام پرداختند، حتی آن را بر تجهیز و تدفین رسول الله ﷺ مقدم دانستند.

^۱ - صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، ۱۴۷۸/۲.

^۲ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، للامام الحافظ شهاب الدين ابن حجر العسقلاني، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت، لبنان الطبعة الثانية ۷/۹.

^۳ - النساء/ ۵۸.

^۴ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، ۱۷۶/۲. تعليق شعيب الأرنؤوط : این حدیث صحیح لغیره است.

در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تالیف نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری در ذیل تفسیر آیه مبارکه: ﴿فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ...﴾^۱ چنین آمده است: (أجمعت الأمة على أن المخاطب بقوله: ﴿فَاجْلِدُوا...﴾ هو الإمام حتى احتجوا به على وجوب نصب الإمام فإن (ما لا يتم الواجب إلا به فهو واجب).^۲ هر چیزی که واجب بدون آن ممکن نباشد، خودش هم واجب است. امت اجماع نموده بر اینکه مخاطب به امر (فاجلدوا) امام مسلمانان بوده و حتی به این آیه استدلال نموده اند به وجوب نصب امام، زیرا هر آن واجبی که انجام آن به چیزی مربوط باشد، موجودیت آن نیز واجب است.

به همین ترتیب، بسیاری از واجبات شرعی بدون امام (یا حکومت) اجرا نمی‌شوند، مثل اقامه حدود، اجرای احکام، پاسداری از حریم اسلام، تجهیز سپاه، برقراری امنیت، تعیین قاضی و غیره، تنها از عهده امام بر می‌آیند، و بنا بر قاعده اصولی «هر چیزی که واجب بدون آن ممکن نباشد خودش هم واجب است»، این احکام واجب بدون امام قابل اجرا نیستند، پس امام باید موجود باشد، تا آنها اجرا شوند. به همین سان، عدم موجودیت امام باعث مشکلات فراوانی مانند: اختلاف و تشتت، هرج و مرج و فساد و بی نظمی می‌شود، که نصب امام را واجب می‌گرداند.

یگانه راه حل مشکل بشریت و خروج از حالت ناگوار و بحرانی کنونی که جهان را به پرتگاه سقوط و تباهی قرار داده است، انتقال رهبری جهان از دست انسان‌های ظالم و خاین به دست انسان‌های پاک و مومن است. انتقال رهبری از جاهلیت و مادی‌گری، به اسلام و معنویت به رهبری سیدنا محمد مصطفی ﷺ با رسالت ابدی و دین جاودانه اش می‌باشد. استاد ندوی رح* می‌گوید:

تنها راه حلی که جهت بیرون آمدن از این بحران وجود دارد، تحول رهبری جهانی و منتقل کردن زمام زندگی است، از دست ناتوان و گنهکار، دستی که شدیداً وظیفه اش را بد انجام داده است، به دستی توانا و بی‌گناه. شکی نیست که مسلمانان با تمام کمبودهایی که دارند، باز هم پناهگاه بشریت و امت آینده هستند، امتی که دینش او را واداشته است تا بر حرکت جهان نظارت کند و ملت‌ها را بر اخلاق، اعمال و تمایلات شان محاسبه کند و آنها را به طرف فضیلت، تقوا، سعادت دنیا و آخرت رهنمائی کند و بین آنها و جهنمی که ناگزیر به سوی او در حرکتند، حایل گردد.

جهان اسلام هرگز بر نخواهد خاست، مگر با رسالتی که مؤسس آن رسول الله ﷺ به وی سپرده است و با ایمان به آن رسالت و فداکاری در راه آن. و آن رسالتی است توانا، روشن و درخشان، جهان تاکنون

^۱ - النساء/۱۵.

^۲ - غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری، المحقق: الشيخ زکریا عمیرات، الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۶ هـ، ۱۴۸/۵.

* ابوالحسن علی بن عبد الحی بن فخر الدین حسینی، در ماه محرم سال ۱۳۳۲ هـ در روستای تکیه از توابع شهر رای بریلی در فاصله هشتاد کیلومتری شهر لکهنوی هندوستان متولد شده است. اصالتاً عرب تبار است، نسب او به محمد بن عبدالله حسینی مثنی بن امام حسن بن علی بن ابی طالب منتهی میشود، و از این رو به حسینی شهرت یافته اند. به سبب تمسک به شریعت، بذل کوشش برای نشر علوم، خدمت به اسلام و فعالیت برای مسلمانان شهرت جهانی دارد.

رسالتی عادل‌تر، بهتر و امنیت بخش‌تر از آن برای جهانیان ندیده است، آن رسالت، دعوت به سوی خدا و رسول و ایمان به روز آخرت است و در این مسیر آمادگی کامل روحی، حتمی و الزامی است، نباید فراموش کنیم که رمز قدرت مؤمن، کمک گرفتن از ایمان، نادیده گرفتن دنیا، اجتناب از شهوات، شوق به شهادت و عشق به بهشت است.^۱

موصوف اضافه نموده می‌فرماید: قرآن‌کریم و سیرت رسول الله ﷺ دو نیروی بزرگی هستند که می‌توانند شعله‌ی حماسه و ایمان را در جهان اسلام برافروزند و علیه عصر جاهلی انقلابی بس بزرگ پدید آورند و از امت شکست خورده‌ی مسلمان، امتی نوپا، سراسر حماسه و غیرت و خشمگین بر جاهلیت و نظام‌های ستمگر، به وجود آورند.

بر جهان اسلام است که در آمادگی رزمی و صنعتی، برتری‌های لازم را جهت به دست گرفتن رهبری جهان و تحقق بخشیدن رسالت خویش در این جهان سرگردان کسب کند. بنابراین، وجود برنامه‌های علمی، سازگار با رسالت اسلام، از نیازهای زمان می‌باشد.

استاد در این مورد اضافه نموده می‌فرماید: (جهان عرب از آنجایی که موطن امت‌هایی است که بزرگترین نقش را در تاریخ بشر داشتند، از اهمیتی بزرگ در نقشه‌ی سیاسی جهان برخوردار است، از طرفی محمد ﷺ روح جهان عرب، ایمان قدرت جهان عرب و فداکاری جوانان عرب، پلی است که بشریت را به سعادت می‌رساند. مبارزه با اسراف و تفاوت عمیق بین غنی و فقیر، در آمدن از انواع تبعیضات، ایجاد بیداری و آگاهی در تمام افراد امت مسلمان، از مواردی است که ناگزیر باید تحقق یابند).^۲

آنچه را ندوی رح در این زمینه مطرح کرده است، خواب و خیال‌نه؛ بلکه واقعیتی است که عقل و نقل تحقق آنرا پیش بینی نموده است، و موعد آن فرا رسیده است که امت اسلامی بعد از خواب آلودگی طولانی اکنون به پویائی فکری و علمی و بیداری نایل آمده و نصوص کتاب و سنت نیز ناطق بر این حقیقت می‌باشد.

این انتقال زمینه ساز تحولی خواهد بود که جهت تاریخ را عوض نموده و جهان را نجات می‌دهد. و هر مسلمانی باید در راه چنین هدفی با جان و مال تلاش کند؛ زیرا این همان وظیفه مبارکی است که به دوش امت اسلامی گذاشته شده است، و آن را به سر خواهد رسانید. ان شاء الله تعالی.

با وجود موافق اسلام ستیزانه غرب و قهمت زدن‌ها و عیبجویی‌ها از اسلام و رویارویی با آن، شکی نیست که اسلام یگانه راه حلی را در اختیار دارد که جهان معاصر برای نجات از بدبختی و سردرگمی‌هایی که تمدن مادی به بار آورده است، به شدت به آن نیازمند است. زیرا قیادتی می‌تواند این کاروان در هم شکسته و در حال غرقیدن بشری را به ساحل نجات سوق دهد، که بر خلاف همه اندیشه‌ها و ایدیولوژی‌های گذشته مانند کمونیزم و لیبرالیزم و تمدن مادی غرب، از وحی الهی الهام گرفته و مطابق با آن قیادت بشریت را بدست گیرد و جهان امروزی را که به ورطه هلاکت و غرق شدن قرار دارد، سر و سامان دهد

^۱ - کند و کاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان، ابو الحسن علی الحسنی اندوی، ترجمه: عبدالحکیم عثمانی، ناشر: احسان، نوبت چاپ: چهارم ۱۳۹۵ چاپ مهارت/ ۲۶.

^۲ - همان.

و تحقق این امر یک خواب و خیال نه، بلکه حقیقتی است که خالق جهان و کائنات از آن خبر داده و تحقق یافته است.

اروپا با استفاده از علم و صنعت خویش توانست وسایل مختلف رفاه از قبیل: وسایل حمل و نقل مدرن، اسباب سهولت زندگی و امور معاش و نیازهای مادی انسان و موارد کاربرد روز مره را به شکل بسیار پیشرفته آن آماده سازد، که از نیازهای جسم میباشند، اما از اراده‌ی یک چیز که همانا سعادت است، و با برآورده ساختن نیازهای مادی توأم با در نظر داشت نیازهای معنوی انسان، ناتوان گردیده و از تعامل با روح و تهیه غذای مناسب برای اشباع آن، عاجز بوده و نتوانسته است آن را فراهم آورد، که آسایش روحی و آرامش قلبی را برای انسان به ارمغان می آورد، زیرا روح را احدی جز آفریدگار روح نمی تواند اشباع کند. و خوشبختی حقیقی همان است که قلبها از آن برخوردار باشند، و گشاینده‌ی آن احدی جز آفریدگار آن ها نیست. که خالق هستی و ذات علام الغیوب میباشند، الله متعال می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ خداست که به دل های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است. زیرا روح با مقیاس ها و معیار های معمول در این جهان سنجیده نمی شود و قابل بررسی و تحقیق با وسایل مادی نیست. لذا گمراهی و بد بختی نه تنها اینکه نصیب انسان از تمدن غرب گردید، بلکه این تمدن بر شقاوت و سرگردانی او افزود. بعنوان مثال: یکی از فلاسفه غرب (نیچه)* که با خالق و معبود برحق، در این هستی دشمنی خویش را سرداده و مرگ خدا را اعلام داشته میگوید: (خدا مرد و ما او را کشته ایم و انسانیت او را با جمعیتی مالا مال از غم و اندوه تشییع می کند؛ ایمان به خدا، چیزی جز ضعف و نتیجه‌ی ضعف نیست؛ ایمان به خدا، تردید و بد گمانی نسبت به انسان است و انسان، خود برای خویش کافی است).^۲

^۱ - الفتح/ ۴.

^۲ - نقش اسلام در آینده بشر/ ۱۶.

* فرید ریش ویلهم نیچه، فیلسوف، شاعر و آهنگ ساز و منتقد غربی المانی، در سال ۱۸۴۴م تولد گردیده و آثار وی تاثیر عمیقی بر فلسفه غرب و تاریخ اندیشه مدرن به جا گذاشته است.

مطلب دوم

مژده های الهی بر تحقق حاکمیت حق و قیادت اسلامی

غرب، نتوانست و یا نخواست اسلام را بشناسد. بلکه از موضع دشمنی پیش آمد کرد و موافق خصمانه ای در برابر آن گرفت، و ادامه این وضع زشت ادامه یافت، تا اینکه پیامد های بد و ناگوار اسلام ستیزی به اوج خود رسیده و در میان اندیشمندان و خرد گرایان غرب در مورد اسلام نیز ریشه دوانید. اما بشارتی صریح و قاطع در نصوص در مورد غلبه تمدن اسلام وجود دارد که انسان را مطمئن می سازد که اسلام، برای نجات بشر پیشقدم خواهد شد.

الف: آیات قرآنی:

۱- ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱ می خواهند نور خدا را با [گمان های باطل و سخنان ناروای] دهان خود خاموش گردانند [و از گسترش این نور که اسلام است، جلوگیری کنند ...] ولی خداوند، جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال رساند [و پیوسته با پیروزی این آیین، آن را گسترده تر گرداند ...] هر چند کافران، دوست نداشته باشند. خدا است که پیامبر خود [محمد] را همراه با هدایت و دین راستین [به میان مردم] روانه کرد تا این آیین کامل و شامل را بر همه ی آیین ها پیروز گرداند. هر چند مشرکان دوست نداشته باشند.

بدون شک، الله متعال، دینش را بر دیگر ادیان پیروز خواهد کرد و سر انجام همه به این دین خواهند گروید و این غلبه و پیروزی، هر زمانی که خواست الله متعال باشد، و شایستگی و اهلیت آن در مسلمانان ایجاد شود، صورت خواهد گرفت. و تاریکی های جاهلیت را که تمام زمین را در بر گرفته از میان خواهد رفت؛ چون این همان دینی است که روح را اشباع می کند و با سرشت و فطرت بشری، هماهنگی دارد و روان آدمی، با این دین به آرامش می رسد و وجود انسان با آن به پایداری دست می یابد. چنانچه الله متعال، در بیان برتری و گستردگی این دین، از آن به عنوان هدایت و دین حق و راستین تعبیر می فرماید. وبدون شك، حق و راستی پایدار و باطل نابود شدنی است: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۲ و (مشرکان را بترسان و بدیشان) بگو: حق فرا رسیده است (که یکتاپرستی و آئین آسمانی و

^۱ - التوبة/ ۳۲ و ۳۳.

^۲ - الاسراء/ ۸۱.

دادگري است) و باطل از میان رفته و نابود گشته است (که چندتا پرستي و آئين تباه و ستمگري است). اصولاً باطل همیشه از میان رفتني و نابود شدي است (و سرانجام بيروزي از آن حق و حقيقت بوده و هست).

۲ — حق در زمين استوار و پا برجا و باطل عارضی و زوال پذیر است:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾^۱ بنگر که خدا چگونه سخني نيكو را مثل مي زند که سخن خوب مانند درختي خوب است که تنه ي آن [در زمين] استوار و شاخه هايش در فضا [پراکنده] باشد. بنا به اراده و خواست خدا هر زماني ميوه ي خود را بدهد [و دائماً به بار نشسته و سرسبز و خرم باشد]. خداوند براي مردم مثل ها مي زند تا متذکر گردند و پند گیرند و سخن بد به درخت بد ي مي ماند که از سطح زمين کنده شده باشد [و در برابر وزش طوفان ها هر روز به گوشه اي پرتاب گردد و ثبات و] قراري نداشته باشد.

۳ — حق مفيد و ماندگار است و باطل نابود و زایل شدي:

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾^۲ خداوند، از [برهاي] آسمان، آب فرو مي باراند و دره ها و رود خانه ها هر يك به اندازه ي گنجايش خويش [براي رويش گياهان و بهره وري درختان، از آب آن] در خود مي گنجانند و روي سيلاب ها، کف هاي زياد و بي سودي قرار مي گيرد؛ همچنين است آنچه از طلا و نقره و غيره جهت تهيه ي زيورآلات يا کالا روي آتش ذوب مي کنند، کف هايي مانند کف هاي آب برمي آورد، پروردگار براي حق و باطل چنين مثال مي زند اما کف ها، [بي سود و بيهوده است و هر چه زود تر] دور انداخته مي شود، ولي آنچه براي مردم سودمند است، در زمين ماندگار مي گردد. خداوند اين چنين مثال مي زند. باطل همانند کف و خس و خاشاک روي آب است و هر چه زود تر از ميان مي رود، ولي دين حق، چون آب، طلا و نقره سودمند است.

ب: احاديث پيامبر ﷺ:

۱ — ثوبان رضي الله عنه مي گويد که رسول الله ﷺ فرمودند: ﴿إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَسَيْلِغَ مَلِكِ أُمَّتِي مَا زَوَى لِي مِنْهَا﴾^۳ الله متعال زمين را با مشارق و مغارب آن براي من در هم پيچيد (به طوري که همه اين گستره را ديدم) و به زودي فرمانروايي امتم به آن محدوده اي از زمين که براي من در هم پيچيده شد، خواهد رسيد. رسول الله ﷺ فرمود: ﴿لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٌ وَلَا وَبْرٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْإِسْلَامَ بَعْزٌ عَزِيزٌ، أَوْ بَدَلٌ ذَلِيلٌ﴾^۴ اين دين و دعوت به در هر خانه ي گلي و پشمين [و در تمام زمين] ميرسد، به عزتي که دين اسلام را مي دهد و ذلتي که کفر را به آن خوار و ذليل مي کند.

^۱ - ابراهيم / ۲۴ تا ۲۶ .

^۲ - الرعد / ۱۷ .

^۳ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، ۱۷۱/۸ .

^۴ - صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبذ، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البستي ۹۲/۱۵ .

۲ — رسول الله ﷺ فرموده اند: ﴿تكون النبوة فيكم ما شاء الله ان تكون ثم يرفعها إذا شاء ان يرفعها ثم تكون خلافة على منهاج النبوة فتكون ما شاء الله ان تكون ثم يرفعها إذا شاء الله أن يرفعها ثم تكون ملكا عاضا فيكون ما شاء الله ان يكون ثم يرفعها إذا شاء أن يرفعها ثم تكون ملكا جبرية فتكون ما شاء الله ان تكون ثم يرفعها إذا شاء ان يرفعها ثم تكون خلافة على منهاج النبوة﴾^۱ نبوت و پیغمبری [وجود رسول خدا] تا زمانی که خداوند بخواد در میان شما خواهد بود و پس از آن خلافت بر اساس روش نبوی و سپس سلطنت و پادشاهی به جای خلافت تا زمانی که خواست خداوند باشد، خواهد بود و به دنبال آن، سلطنت و پادشاهی جبری خواهد بود تا به خواست خداوند دو باره خلافت بر اساس روش پیامبر بر پا گردد.

نصوص فوق بشارت می‌دهد که اسلام برای قیادت جامعه بشری و رهایی انسان پیشقدم خواهد شد و او را از پرتگاه های هلاکت به بلندای عزت و آسایش میرساند و شرافت از دست رفته انسانی‌اش را به او باز خواهد گردانید. و این امر به نظام سیاسی ای وابسته است، که طبق اصول و معیار های شرع اساس گذاری شده و از آن سر چشمه گرفته و شایستگی اداره جهان و برقراری نظام فراگیر باشد، که حق و عدالت را کما حقہ تامین خواهد کرد، و اینک این نظام سیاسی را مختصرا به معرفی می‌گیریم:

نظام سیاسی در اسلام: احکام و قوانین قرآن شامل تمام بخش‌ها و شئون زندگی بشری است، و در برگیرنده عقیده صحیح، نظام اخلاقی متعالی، نظام قانونی عادلانه و جاودانه میباشد که در همه حال بر اعمال و معاملات انسان حکومت می‌کند، و در عرصه های فردی، اجتماعی و روابط فیما بین افراد و خانواده ها و جوامع، در سطح ملی و بین المللی، زندگی بشر را تنظیم میکند، و این امر ایجاب میکند تا نظام سیاسی موجود باشد که از عهده همه این مسئولیت ها بدر شده بتواند، اینجاست که مسئله نظام و حکومت مطرح میشود، زیرا بدون نظام و مدیریت، رسیدگی به احوال ملت و رعیت امکان پذیر نمیشد، بناء قواعد و احکامی در مورد نظام حکومتی در نصوص کتاب و سنت و در آراء فقهاء وجود دارد، همه دال بر این است که اسلام از نظام و تشکیلات حکومتی خاصی برخوردار است و ایجاد همچو یک نظامی یک نیاز مبرم و جدی میباشد، رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند: ﴿لَا يَجِلُّ لثَلَاثَةَ يَكُونُونَ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَمَرُوا عَلَيْهِمْ أَحَدَهُمْ﴾^۲ روا نیست برای سه فرد که در بیابانی باشند، مگر این که باید یکی را بر خود امیر نمایند. رسول الله ﷺ میفرمایند: ﴿تَلْزَمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ﴾^۳ این که با جماعت مسلمین و امام شان همراه باشی.

دکتر محمد یوسف موسی می‌گوید: (اسلام نه تنها اندیشه های ویژه ای دارد، بلکه دین و دولت است. از اینرو تعیین رئیسی برای دولت واجب است که حکمروای آن باشد و مطابق اصول و مبادی که در قرآن و سنت آمده امور حکومت و سیاست و اداره کشور را به پیش برد.)^(۴)

۱- مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، ۲۷۳/۴. شعيب الأرنؤوط در تعلیقی بالای این حدیث می‌گوید: (اسناد حسن) اسنادش حسن است.

۲- الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، ۹۲/۸.

۳- الجامع الصحیح البخاري، محمد بن إسماعيل البخاري، ۲۴۲/۴.

۴- نظام الحكم في الإسلام، الدكتور محمد يوسف موسى، الطبعة الثانية دار الكتاب العربي للطباعة والنشر بالقاهرة. ۱۸.

استاد شهید عبدالقادر عوده رح* می‌گوید: «شریعت اسلامی وظیفه زمامدار را با بیانی صریح تذکر داده و حقوق و مسئولیت‌های او را با دقت تعیین نموده که عبارت است از حفاظت دین و سیاست دنیا، تا به عنوان جانشین و خلیفه رسول الله ﷺ انجام وظیفه نماید^(۱)».

مطلب سوم

مواصفات قیادت مسلمان

قیادت جامعه بشری در عصر حاضر نیازمند رهبرانی است که انسان‌های عادی نبوده، در همه موارد الگوهای برای زیر دستان شان باشند، که سختی‌های این راه را تحمل نموده در راه عقیده و دعوت شان به هرنوع قربانی آماده اند، و به سبب آن برای نجات بشر امروز پیشگام می‌شوند، این قیادت‌داران صفات ویژه‌ای اند که ذیلاً به آن اشاره میشود:

الف: انسان‌هایی ربّانی اند:

﴿...وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾^۲ بلکه (باید بگویید): به سبب آنچه می‌آموزید و می‌خوانید بندگان خدا باشید. هر دانشمندی که به علم خود عمل می‌کند، ربّانی است.

سعید بن جبیر در این باره می‌فرماید: (ربّانی‌ها، علما و دانشمندان خدا ترس هستند.)^۳

زمانی که ابن عباس رضی الله عنه وفات کرد، محمد بن حنفیه گفت: (امروز ربّانی این امت در گذشت.)

﴿وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۴ و چه بسیار پیغمبرانی که مردان خدای فراوانی به همراه آنان کارزار می‌کرده اند و به سبب

* یکی از رهبران و مفکرین سرشناس اخوان المسلمین در مصر بود، در سال ۱۳۲۱هـ = ۱۹۰۳ م در قریه (کفر الحاج شریبی) ولایت الدقهلیه مصر به دنیا آمد، وی عالم، فقیه، قانون دان، و خطیب موفق مصر شناخته میشود. در ۹ دسامبر عام ۱۹۵۴ م. توسط حاکم جابر وفرعونی مصر به شهادت رسید. آثار و مولفات عمده ایشان قرار ذیل اند: الإسلام وأوضاعنا القانونية، الإسلام وأوضاعنا السياسية، الإسلام بین جهل أبنائه وعجز علمائه والمال والحکم فی الإسلام.

۱- التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي / عبد القادر عوده / الطبعة الثالثة ۱۳۸۳ هـ - ۱۹۶۳ م مطبعة المدني بمصر. ۱ / ۴۳.

۲- آل عمران/ ۷۹.

۳- جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، ۱ / ۵۴۲.

۴- آل عمران/ ۱۴۶.

چیزی که در راه خدا بدانان می‌رسیده است (از قبیل: کشته شدن برخی از یاران و مجروح شدن خود و دوستان) سست و ضعیف نمی‌شده اند و زبونی نشان نمی‌داده اند (و بلکه شکیبائی نمی‌کرده اند) و خداوند شکیبایان را دوست می‌دارد.

ربانی: کسی است که به دین رب، دانا، به طاعت وی سخت متمسک و همراه با آن، از حلم و حکمت برخوردار باشد.

طبری رح مینویسد: (و"الربّانی" هو المنسوب إلى من كان بالصفة التي وصفتُ = وكان العالم بالفقه والحكمة من المصلحين، يربّ أمور الناس، بتعليمه إياهم الخیر، و دعائهم إلى ما فيه مصلحتهم = و كان كذلك الحکیمُ التقيُّ لله).^۱

ربانی منسوب به رب بالای کسی اطلاق می‌گردد که به علم فقه دسترسی داشته و با حکمت تعامل نماید و از مصلحین باشد، به امور مردم رسیدگی نموده خیر را عام نماید و به آنچه مصلحت است، دعوت کند و علاوه بر آن، حکیم و پرهیزگار بوده باشد.

حسن بصری رضی الله عنه می‌گوید: (ربّی یا ربّانی به دانشمندان شکیبیا و صبور اطلاق می‌شود). به انسان های خداشناس از این جهت ربّانی گویند که ربوبیت او تعالی را شناخته اند و عبادت پروردگار را بجا آورده و در این مسیر از خود صبر و شکیبایی نشان داده اند.^۲

قیدات های حرکت اسلامی باید از لحاظ تنظیم، دعوت، اندیشه و هدف، صبر و استقامت پیشه نموده، در عرصه علم و عمل فارس میدان و در روش و اخلاق، سلوک ربّانی داشته باشند و لحظه ای از یاد الله متعال غافل نبوده و تنها او تعالی را مصدر عزت و ذلت بدانند، در آن صورت است که الله متعال کافی و پشتیبان آنها بوده و مورد حمایت و حفاظت الهی قرار می‌گیرند.

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾^۳ آیا خداوند [برای حفاظت و حمایت از] بنده‌اش کافی نیست؟

هرگاه انسان عزت، سرافرازی، نصرت و پیروزی را از الله متعال بخواهد؛ حتما شایسته آن خواهد شد، زیرا کسی که متصدی نجات مردم شده است، باید پیوند مستحکم با او تعالی داشته باشد. و بدون شک چنین شخصی میتواند برای پاک کردن آلودگی‌ها از همه پیش قدم باشد.

تاریخ نویسان غربی و غرب‌گرا، نتوانسته اند بفهمند کدام راز شگفت بود که این امت را از چوپانی گوسفند ها به چوپانی ملت ها و فرمانروایی امت ها کشانید و این قبایل بدوی را به یک جامعه متمدن تبدیل کرد، و در مدت زمان بسیار اندک بر خسرو ایران و قیصر روم تسلط حاصل نمود و دروازه حاکمیت و نفوذ آن را به سوی بخش عمده دنیای قدیم گشود.

البته نزد اهل معرفت، راز این مطلب شناخته شده و علت این امر معلوم و معین است. که عبارت از ایمان میباشد، ایمانی که محمد صلی الله علیه و آله ریشه های آن را در قلب های یارانش غرس نموده است، و آنان را از بت پرستی به توحید، و از جاهلیت به اسلام ناب فرا خوانده و رهنمون ساخته است.^۱

^۱ - جامع البیان فی تأویل القرآن، محمد بن جریر بن یزید بن کننیر بن غالب الآملی، أبو جعفر الطبری ۶/۵۴۴.

^۲ - همان.

^۳ - الزمر/۳۶.

ب: از منافع مادی و شخصی بدور اند:

خصلتی که همه پیامبران در مسیر دعوت و ادای رسالت از آن برخوردار بوده و چنین می گفتند: ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۲ و در قبال تبلیغ دعوت، پاداشی از شما درخواست نمی کنم؛ پاداش من، جز بر پروردگار جهانیان نیست.

حکایت این مطلب از زبان بسیاری از پیامبران در سوره شعراء تکرار شده است.

رسول الله ﷺ هرگز از کسی جز با وعده دخول به بهشت پیمان نمی گرفت. چنانچه به خانواده‌ی یاسر ﷺ که در بند و عذاب بودند می فرمود: ﴿صَبْرًا آلَ يَاسِرٍ فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةَ﴾^۳ ای خانواده یاسر! صبر و شکیبایی پیشه سازید که جایگاه شما بهشت است.

انصار، در پیمان عقبه دوم به هنگام بیعت با رسول الله ﷺ گفتند: نتیجه وفا داری به این پیمان، برای ما چه خواهد بود؟ رسول الله ﷺ فرمود: بهشت. پس حاصل عهد و پیمان انسان با الله متعال بهشت است، که بر عمل و تلاش برای ورود به بهشت بسته می شود.

ج: استقامت و استواری بر هدف در مسیر دعوت دارند:

استقامت و استواری بر هدف، سبب پذیریا لگو برای زیر دستان و ساترین می گردد، که با دیدن عمل و رفتار آنها، عزیمت ها دگرگون می شوند. همان گونه که پس از وفات رسول الله ﷺ ابوبکر صدیق ﷺ این اسطوره ثبات و استقامت، توانست با استواری اش بر هدف، شبه جزیره‌ی عربستان را در دوران ارتداد به اسلام باز گرداند؛ و پس از شنیدن خبر ارتداد قبایل چنین گفت: «به سوگند به الله، اگر از دادن زانو بند شتری که بعنوان زکات به رسول الله ﷺ می دادند، خود داری کنند، با آنان خواهم جنگید.» سپس این جمله تاریخی اش را گفت: (أينقص الدين وأنا حي؟) آیا من زنده باشم در این نقص و کمبود پدید آید!

به این ترتیب، زمانی که برای اولین بار امت بسوی انحراف و زوال مواجه شده بود، با دوراندیشی ابوبکر صدیق ﷺ و موضع گیری مناسب و بموقع ایشان، امت از نابودی و هلاکت، نجات یافت.

امروز به قیادت هائی نیاز است، که مسئولیت جامعه و دعوت اسلامی را بر دوش کشند؛ در برابر طوفان های مادیت و جاهلیت دچار خمود و سستی نشده در مسیر هدف با استواری و پایداری قدم بردارند.

د: توجه به علم و عبادت خالص: با ایجاد پیوند مستحکم با قرآن کریم و علوم مربوط به آن، مانند: تجوید، تفسیر همراه با شناخت احکام آن، مداومت به قیام لیل و شب زنده داری و روزه نفل به ویژه در روز های دوشنبه و پنجشنبه، که در صفای روح، اثر ژرف و عمیقی دارد و روش صالحان است.



^۱ - نقش ایمان در زندگی، دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه: فرزانه غفاری، محسن ناصری، نشر احسان، ۱۳۸۰ چاپخانه مهارت، ۴۴۶/.

^۲ - الشعراء/ ۱۰۹.

^۳ - شعب الإيمان، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الحُسْرُو جردی الخراسانی، أبو بكر البيهقي، حققه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: الدكتور عبد العلي عبد الحميد حامد، أشرف على تحقيقه وتخریج أحاديثه: مختار أحمد الندوي، صاحب الدار السلفية بيومباي - الهند، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية بيومباي بالهند، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م، ۱۷۲/۳.

نتیجه

طوری‌که قبلاً متذکر شدیم، امت به معنای جماعت و یا گروهی است که در محور هدف معین و مشخصی چون دین و عقیده واحدی گرد هم آمده باشند. و کلمه امت در قرآن کریم بارها در موارد مختلف و به معانی متفاوت، در بیش از ۵۰ بار ذکر گردیده است، و اغلباً به معنی گروه و جماعت آمده و آیاتی که بیشتر در محور این مفهوم می‌چرخد، با دیدگاه‌های مفسران، مورد بحث قرار داده شد، و نتایجی که از مجموع آن بدست می‌آید، قرار ذیل می‌باشد:

۱- امت اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که در هیچ یک از امت‌های قبلی دیده نشده و به سبب آن، بهترین امت‌ها و گواه و شاهد بر سائر امت‌ها بوده که برای تحقق نفع بشریت برانگیخته شده است.

۲- امت اسلامی دارای مواصفاتی معنوی و روحانی می‌باشد، و در تشریح و احکام قانون، از وحی الهام می‌گیرد؛ و با رب و خالق این جهان و هستی رابطه مستحکم دارد، و بدون شک، خواسته‌های مادی را نیز نادیده نمی‌گیرد، و امتی که دارای چنین مواصفات باشد، هرگز مغلوب نمی‌گردد، زیرا سلف صالح این امت، با وجود کمی تعداد و اسباب و وسایل، و ناتوانی مادی، قوت‌های مادی و نیروهای شیطانی و لشکریان قدرتمندی را به زانو در آورده اند که چندین برابر آنها نیرو مند تر و دارای تعداد بیشتر بودند، در حالیکه این امت امروز نسبت به گذشته قوت و نیروی بیشتر را در اختیار دارد.

۳- امت اسلامی، با موقعیت جغرافیایی که دارد، در نقطه میانه کره زمین بین شرق و غرب و جنوب و شمال قرار گرفته است، و لقب (امت وسط) را از آن خود کرده است، بر همه مردم گواهی می‌دهد، و از داشته‌های مادی و معنوی اش همه بشریت را بهره مند کرده، انسانیت و رفاهیت را به ارمغان می‌آورد.

۴- امت اسلامی در گذرگاه زمان، در دوره رشد عقلانی انسانیت قرار گرفته و در وسط گذشته و آینده قرار داشته و با داشته‌های علمی و ارزش‌های معنوی و تمدنی اش، گرد و غبار اوهام و خرافات دوران کودکی بشریت را می‌زداید، و او را از گمراهی و کفر و ضلالت و انحراف، به سوی عقلانیت و جهان تفکر و اندیشه وا می‌دارد. و کاروان بشریت را بر جاده مستقیم هدایت رهنمون می‌سازد.

۵- اعاده مجد و عظمت و کسب عزت، قوت، رسوخ و اقتدار امت و استقرار اقتصادی، سیاسی و فکری آن، از اولویت‌های امت اسلامی در عصر حاضر است، که از طریق گسترش دامنه علم و

فرهنگ، صنعت و تکنالوژی مورد نیاز، با حفظ ارزش های معنوی و داشته های فرهنگی و اقتصادی، بدست خواهد آمد.

۶- با بیداری مسلمانان، به جسم فرسوده و جمود امت روح تازه دمیده شده و بعد از رکود طولانی و مرگبار کنونی، به پا خواهد خاست، و با توحید صفوف آن، چنان نیرومند خواهد شد، که هیچ نیروئی در این جهان به توفیق الله متعال، در برابر آن ایستادگی نخواهد توانست.

۷- برنامه اصلاح باید همه زوایا و نواحی جوامع اسلامی را در برگیرد. بناء ساختمان جدید امت در دو بعد مادی و معنوی، (جسم و روح) متصور است. کار اصلاح امت بصورت یک جانبه امکان پذیر نیست، بلکه هر فرد از افراد امت، کار را باید از نقطه ای قرار دارد، آغاز گرشود.

۸- ارتقاء سطح دانش و کسب مهارت های علمی و تخصصی افراد، یکی از نیاز های مبرم امت اسلامی میباشد، بناء، باید از دیدگاه ها و برداشت های سطحی و جرئی از دین و شریعت و اندیشه های غیر عاقلانه و غیرقابل توجه مبنی بر تعصبات ناروا و تقابل با یکدیگر و آنچه مایه تفرق و نزاع میگردد، جدا جلوگیری بعمل آید، که این امر سبب کند شدن برنامه اصلاح و تقویه دشمنان امت خواهد گردید.

۹- برنامه دعوت بسوی دو باره زنده ساختن امت، باید از تعلیم و دانش، آغاز گردد و با وسائلی که افراد و گروه های مسلمان در اختیار دارند، دست بکار شوند، و هر یک مکمل و موید دیگری قرار گرفته، خلالی موجود در ساحه را پرکنند.

۱۰- امت اسلامی کتاب الله و ارشادات پیامبر ﷺ را منبع و مرجع اصلی تشریح می داند و هر سخن خلاف آن را قابل شنیدن و پیروی کردن نمیداند.

۱۱- امت اسلامی یک امت واحد است، و اساس این وحدت، اسلام و پابندی به شریعت الهی میباشد، که با وجود اختلاف زبان، رنگ و جغرافیا، به اساس اصول اسلامی و نص قرآن کریم، همه با هم برادر خوانده شده اند، و هیچ قوم و نژادی بالای قوم و نژاد دیگری برتری ندارد، هیچ عرب بر عجم و هیچ سفید بر سیاه برتری ندارد، مگر به اساس تقوا، و این اصول اعتقادی اسلامی، همه اهل قبله را در تحت یک چتر واحد قرار میدهد، مگر کسی که یکی از ضروریات دین را انکار نماید، که با این کار مرتد شده و از جامعه اسلامی خارج میگردد.

۱۲- امت اسلامی به تعدد شرایع، زبان ها، رنگ ها، قبایل و ملت ها باور دارد، و تعدد را سنتی از سنت های الهی و نیاز اجتماع بشری میداند؛ که هیچ تبدیل و تحولی در آن راه ندارد، این تعدد که اساس جهان بینی اسلامی را تشکیل می دهد، عامل اساسی ایست که مسلمانان را واداشته تا به تعدد فرهنگ ها، شرایع و قومیت های مختلف، چه در عرصه جهانی و چه حتی در داخل امت اسلامی، باور داشته باشند و یکدیگر را تحمل کنند.



پیشهادات

توانائی ها و امکانات معنوی و مادی کاملی را الله متعال نصیب امت اسلامی نموده است، الهی بودن دستور و قانون، وسطیت و اعتدال در منهج، جامعیت در تشریح و قانون گذاری، برتری های جغرافیائی و بشری، و در اختیار داشتن ثروت های بزرگ و ذخایر عظیم طبیعی و... فرصت های زیادی را مهیا میسازد که در ساختار مادی این امت موثر واقع گردیده و در بدست آوردن ممتلكات از دست رفته و غصب شده و اعاده مجد و عظمت از دست رفته آن، کار ساز واقع شود. کسب اقتدار امت در عرصه های مختلف، از اولویت های امت اسلامی در عصر حاضر است، و این امر ایجاب میکند تا امت اسلامی در عرصه های مختلف پیشقدم بوده و بجهت بهترین وسیله خیر رسانی برای بشریت جایگاه خود را احراز کند؛ جهت رسیدن به این اهداف موارد آتی الذکر پیشنهاد میگردد:

۱- قیادت های اسلامی باید از لحاظ دعوت، اندیشه و هدف، در میدان علم و عمل، طبق ارشادات الهی در عرصه امت وسط و ویژگیهای آن، پیشقدم شوند و در روش و اخلاق، سلوک ربّانی را پیشه نموده و لحظه ای از یاد الله متعال غافل نبوده و تنها او تعالی را مصدر عزت و ذلت بدانند، در آن صورت مورد حمایت و حفاظت الهی قرار میگیرند.

۲- عقیده اساس و زیر بنای دین است و هرگاه قوی و مستحکم بوده و از انحرافات پاک باشد، تصحیح بقیه موارد که فرع آن است، آسان گردیده و امکانات وحدت و اجتماع مسلمانان بیشتر میگردد، و در غیر آن، همه به مشکلات عدیده مواجه خواهد گردید. بناء، به وزارت های محترم معارف، تحصیلات عالی، وزارت اطلاعات و فرهنگ و دانشمندان و اهل تحقیق و معارف کشور پیشنهاد میگردد تا در عرصه تصحیح عقیده مسلمانان، برنامه های موثر علمی، تربیتی، فقهی و... در عرصه های تحقیق و پژوهش، روی دست گرفته و از دانش و استعداد های دانشمندان قلم بدست و آگاه، استفاده اعظمی صورت گیرد.

۳- امت اسلامی در مجموع و افراد و اجتماعات مسئول باید طبق دستور قرآن کریم و نیاز زمان، آماده گیهای لازم مادی و معنوی جهت اعاده مجد و عظمت امت اسلامی در نظر گیرند، مانند: تهیه نمودن تمام وسایل مورد نیاز، اعم از علمی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و حربی، و همه صنایع و حرفه ها و آنچه در زندگی سعادتمندانه بشری مطرح میباشد، تا در جهت مقابله با تهدیدات موجود و احتمالی دشمن، آن قدر قوا در اختیار داشته باشد، که دشمنان همواره در وحشت باشند.

۴- علماء و دعوتگران باید جهت حفظ هویت امت اسلامی بیش از همه تلاش های خود را طبق ارشادات الهی در قرآن کریم، کمیزات و خصوصیات امت اسلامی از طریق بحث های علمی و برنامه های تربیتی در اذهان جوانان ترسیخ نمایند، تا از این طریق جلو وابستگی فکری و ذهنی جوانان به اجانب گرفته شود، تا هویت دینی و آزادی و رفاه سرزمین شان را تضمین کنند.

۵- احیای ارزش های اسلامی، مانند: «وقف» و «نظام زکات» با ارائه بحث های علمی در روشنی احکام شرع و قواعد فقهی در موارد متذکره، روی دست گرفته شود، تا مشکل فقر از میان برداشته شده و جهت تأمین خدمات لازم برای رفع مشکلات اقتصادی و رسیدن به خود کفائی در کشور های اسلامی، ذهنیت سازی شود.

۶- به نهاد های علمی- تحقیقی و اکادمیک پیشنهاد میگردد، تا در جهت پیشبرد اهداف اقتصاد اسلامی، با استفاده از تجربه های بدست آمده در برخی از کشور های اسلامی که تا کنون امید وار کننده بوده است، جهت بنیانگذاری بازار های پولي و سرمایه و توسعه ابزارها برای تسهیل جریان های مالی جهانی و منطقه ای و وحدت پولي برای حمایت از سرمایه گذاران اسلامی، با در نظر داشت دیدگاه ها و نظریات دانشمندان معاصر پیرامون بانکداری اسلامی، مانند: تقی عثمانی و دیگران، روی دست گرفته شود و تحقیقات لازم در زمینه انجام یابد.

۷- به عموم مسلمانان و بالخصوص به دانشمندان داخل کشور پیشنهاد میگردد تا در جهت بدست آوردن تکنولوژی مناسب برای رشد دانش، متناسب با امکانات موجود داخلی و رشد استعداد های جوانان در رشته های مختلف، با تکنیک های مناسب که قادر به استفاده از منابع، توأم با حفظ ارزش های معنوی و فرهنگی کشور های اسلامی باشند، اقدامات لازم را روی دست گیرند.

۸- رشد و انکشاف ارتباطات و اطلاعات میان مسلمانان جهت ایجاد وحدت و انسجام فعالیت های علمی و فرهنگی در میان کشور های مختلف اسلامی.

۹- طبق هدایات و ارشادات قرآن که ما را به علم و هنر و جهاد و بدست آوردن قدرت و آبادانی زمین و صنعت امر می نماید، و یکی از ویژگیهای امت اسلامی بشمار میرود، باید موضوع نفت در کشور های اسلامی که حرکت دنیای متمدن امروز را عهده دار است، و مانند خون در شریانهای تمدن کنونی جاری است، بیشتر از نصف آن از سرزمین های اسلامی بدست می آید، بنا، پیشنهاد میگردد تا شرایط را طوری آماده نمایند که نفت بجهت یک قوه محرکه برای امت مبدل شود و به خیر و صلاح امت اسلامی تمام شود.

۱۰- علماء و دانشمندان امت اسلامی، باید تمام معانی وسطیت را از طریق برنامه های مختلف: کنفرانس ها، سمینار ها و بحث های علمی و .. در همه ابعاد زندگی، جهت روشن شدن این مفاهیم، روی دست گیرند، تا ابعاد مختلف این قضیه در روشنی نصوص شرع واضح گردد.

۱۱- سردمداران و حاکمان کشور های اسلامی باید عوامل تفرق و اختلاف را کنار گذاشته و در جهت وحدت فکر و عقیده و توحید صفوف خویش، تلاش همه جانبه نمایند، و در عرصه های علمی، تربیتی و فکری برنامه ریزی نموده و جهت جلوگیری از نفوذ عوامل شر و نفاق اقدامات جدی نمایند، تا در مقابل عناصر شر و تفرقه و خطرات موجود، که کیان امت را به خطر مواجه نموده است، ایستادگی نمایند و وحدت امت اسلامی را در میادین علم و عمل تمثیل نمایند.

فهرست ها

الف: فهرست آیات قرآنی:

شماره	متن آیت	سوره	شماره آیه	صفحه
۱	اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ سُبْحَانَ عَمَّا يُشْرِكُونَ	التوبه	۳۱	۴۵
۲	أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ	هود	۸	۱۹
۳	ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ	النحل	۱۲۵	۳۷
۴	ادع الي سبيل ربك بالحكمة و الموعدة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن	النحل	۱۲۵	۵۷
۵	أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ	الحج	۳۹	۱۰۱
۶	أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ	الاعراف	۵۴	۴۴
۷	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ	ابراهيم	۲۴	۱۲۳
۸	أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ	الزمر	۳۶	۱۲۸
۹	آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ	البقره	۲۸۵	۶۸
۱۰	إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ	النحل	۱۲۰	۷
۱۱	إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ	انحل	۱۲۰	۱۶
۱۲	إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ	الانعام	۱۵۹	۱۱۵
۱۳	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ	التوبه	۱۱۱	۱۱۱
۱۴	إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ	الرعد	۱۱	۱۳۱

١١٧	٥٨	النساء	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ ... أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ	١٥
٣٢	٨٥	النساء	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا	١٦
٥٥	٩٢	الانبياء	إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ	١٧
٥٩	٩٢	الانبياء	إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ	١٨
١٠٤	٩٢	الانبياء	إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ	١٩
٢١	٢٤	فاطر	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ	٢٠
٣٠	٤٩	القمر	إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ	٢١
١١٣	٩	الحجر	إِنَّا نَحْنُ نُزَلُّنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ	٢٢
١٠٦	٩	الحجر	إِنَّا نَحْنُ نُزَلُّنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ	٢٣
١٢٣	١٧	الرعد	أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا كَذَلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ	٢٤
٦٢	١٠	الحجرات	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ	٢٥
٥٥	١٠	الحجرات	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	٢٦
٦٥	١٠	الحجرات	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	٢٧
٦٩	٦	الفاثحة	اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ	٢٨
٢٣	٢٢	الزخرف	بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ	٢٩
١٥	٦٣	النحل	تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَرِئِن لَّهُمْ لَشَيْطَانٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	٣٠
١٠	١٣٤	البقره	تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ	٣١
١٠	١٣١	البقره	تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ	٣٢
٢١	٤٤	المومنون	ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ وَجَعَلْنَا لَهُمْ آحَادِيثَ فَبِعَدَا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ	٣٣
١٣١	٥٣	الانفال	ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	٣٤
٣٥	١٥٧	الاعراف	الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	٣٥
٦٢	١٠	الحشر	رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ	٣٦

٣٧	ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا	البقره	٢٨٦	٨٤
٣٨	رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ فَأَنْصِرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ	البقره	٢٨٦	٤٦
٣٩	رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا	النساء	١٦٥	٧٠
٤٠	شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ	الشورى	١٢	٩٩
٤١	فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ	طه	٤٧	٩٧
٤٢	فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ	النساء	١٥	١١٩
٤٣	فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا	النساء	٤١	١٣
٤٤	فلولا كان من القرون من قبلكم أولوا بقية ينهون عن الفساد في الأرض	هود	١١٦	١٠٨
٤٥	قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ	الاعراف	٣٨	١٨
٤٦	قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ	القلم	٢٨	٢٥
٤٧	قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ	البقره	٣٢	٣٧
٤٨	قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ .. بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ	الانعام	١٩	٧٥
٤٩	قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ	التوبه	٢٤	١٠٠
٥٠	قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	آل عمران	٣١	٩٩
٥١	قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و ذنوبكم والله غفور رحيم	آل عمران	٣١	١١٤
٥٢	قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ	التوبه	٥٢	١١١
٥٣	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ	الاحلاص		٤٢
٥٤	قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا	الاعراف	١٥٨	٧٣
٥٥	قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا وَاتَّبِعُوا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ	الاعراف	١٥٨	٧٤
٥٦	كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	البقره	٢١٣	١١
٥٧	كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ .. فَأَخَذْنَاهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ غَافِرٍ	غافر	٥	٢٣

١٤	٣٠	الرعد	كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ لَأِ إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَاب	٥٨
٣٧	١٥١	البقره	كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ	٥٩
٣٦	١٥١	البقره	كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ	٦٠
٩٥	١١٠	آل عمران	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاءَمُّرُونَ... مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ	٦١
١٢	١١٠	آل عمران	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ... وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ	٦٢
٦٧	١١٠	آل عمران	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ . . . وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ	٦٣
١١٧	١١٠	آل عمران	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ	٦٤
٣٢	١٣٥	النساء	كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ	٦٥
٩٢	٧٨	المائدة	لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ ... لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ	٦٦
٢٠	٦٧	الحج	لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ... وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ	٦٧
٦١	٦٣	الانفال	لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ... وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	٦٨
١٧	١١٣	آل عمران	لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ... وَهُمْ يَسْجُدُونَ	٦٩
١٩	٥	الحجر	مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ	٧٠
٢١	٤٣	المؤمنون	مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ	٧١
٧٣	٤٠	الاحزاب	مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ ... وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا	٧٢
٣٥	٦	المائدة	مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ .. وَلِيُثَبِّتَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	٧٣
٢٥	٨٩	المائدة	مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ	٧٤
٣٤	٧٨	الحج	هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ	٧٥
٨٣	٧٨	الحج	هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ	٧٦

٧٧	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ	الفتح	٤	١٢٢
٧٨	هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ	هود	٦١	٤٧
٧٩	وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ	العنكبوت	٦٩	١١٠
٨٠	وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا... وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ	آل عمران	٢٠	٧٥
٨١	وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ	الشعراء	١٠٩	١٢٩
٨٢	وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ... فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ	يونس	١٩	١٤
٨٣	وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ	الانفال	٢٥	٩٢
٨٤	وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ وَاعْلَمَهُمْ بِتَقْوَاهُ	الاعراف	١٦٤	١٨
٨٥	وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا	الانعام	١٥٢	٣٠
٨٦	وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى	الانعام	١٥٢	٣٤
٨٧	وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا	آل عمران	١٠٣	٦١
٨٨	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا	آل عمران	١٠٣	١٠٤
٨٩	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا	آل عمران	١٠٣	٦٦
٩٠	وَاقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ	الحجرات	٩	٣٢
٩١	وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا	الفرقان	٦٧	٤٩
٩٢	وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ .. شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	الحشر	٩	٦٤
٩٣	وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ	محمد	٣٨	١٠٧
٩٤	وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ	الصفافات	١٧٣	١١٣
٩٥	وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ	المومنون	٥٢	١٦
٩٦	وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ	المومنون	٥٢	٥٩
٩٧	وَانتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ	الشعراء	٢٢٧	٩٧
٩٨	وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ	المائدة	٤٨	١٧

٣٧	٤	الزخرف	وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ	٩٩
٢٢	٢٨	الجنات	وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ	١٠٠
١٠١	١٩٠	البقره	وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ	١٠١
٧	٤٥	يوسف	وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ	١٠٢
١٩	٤٥	يوسف	وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ	١٠٣
٤٣	٣٠	التوبه	وَقَالَتِ الْيَهُودُ غُزِيرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى..... قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أُنَى يُؤْفَكُونَ	١٠٤
١٢٧	١٤٦	آل عمران	وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ	١٠٥
١٣	١٤٣	البقره	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا	١٠٦
٢٤	١٤٣	البقره	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ..... إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ	١٠٧
٢٢	٢٣	الزخرف	وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ..... آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ	١٠٨
١١	١٤٣	البقره	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ..... إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ	١٠٩
١٣	١٠٨	الانعام	وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	١١٠
٢٠	٩٢	النحل	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقِضَتْ غَزْلَها لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهَ تَخْتَلِفُونَ	١١١
١٠٤	١٠٥	آل عمران	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ	١١٢
١١٠	١٠٥	آل عمران	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ	١١٣
٣٢	٧	المائدة	وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى آَلَا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى	١١٤
٣٩	٥٤	المائدة	وَلَا يَخَافُونَ يَوْمَ لَأْتِيهِمْ	١١٥
١٢	١٠٤	آل عمران	وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	١١٦
٧١	١٠٤	آل عمران	وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	١١٧
٩٠	١٠٤	آل عمران	وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	١١٨

٧	٦	الانعام	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ	١١٩
٥٩	٦٥	الزمر	وَلَقَدْ أَوْحِيَ إِلَيْكَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلِتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ	١٢٠
١٩	٣٦	النحل	وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ فَأَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ	١٢١
١٨	٣٤	الاعراف	وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ	١٢٢
٢٠	٣٤	الحج	وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا فَلَهُ اسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ	١٢٣
١٩	١٤	الشورى	وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ	١٢٤
١٢٦	٧٩	آل عمران	وَلَكِن كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ	١٢٥
٢١	٢٣	القصص	وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ	١٢٦
١٨	٦٦	المائدة	وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ	١٢٧
١٢	٤٨	المائدة	وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً	١٢٨
٢٠	٩٣	النحل	وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن وَلِتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ	١٢٩
١٩	١١٨	هود	وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ	١٣٠
٩٦	١١٨	هود	وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	١٣١
٢٢	٣٣	الزخرف	وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ	١٣٢
٤٤	٢٥	الانبياء	وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ	١٣٣
٧٣	٢٨	سبا	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ	١٣٤
٦٨	٥٦	الذاريات	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	١٣٥
١٩	١٩	يونس	وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ	١٣٦
٧	٣٨	الانعام	وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَلُكُمْ	١٣٧
١٩	١٨١	الاعراف	وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ	١٣٨
٩٠	٣٣	فصلت	وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ	١٣٩

٤٢	٥	الاحقاف	وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ	١٤٠
٥٧	١٤	المائدة	وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا ... وَسَوْفَ يُبَيِّنُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ	١٤١
١٨	١٥٩	الاعراف	وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ	١٤٢
٦٠	٩٣	النساء	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمَّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا	١٤٣
١٦	٧٥	القضض	وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعِلْمُوا أَنَّ ... مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ	١٤٤
٢١	٧٥	القصص	وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ .. وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ	١٤٥
١٦	٨٩	انحل	وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ	١٤٦
٢١	٨٣	النمل	وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ	١٤٧
٤٧	٩	الجمعه	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	١٤٨
٦٨	١٣٦	النساء	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ	١٤٩
١٠٩	١٠٠	آل عمران	يا أيها الذين آمنوا إن تطيعوا فريقاً من الذين إلي صراط مستقيم	١٥٠
١٠٧	٥٤	المائدة	يا أيها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ولا يخافون لومة لائم	١٥١
١٠٠	١	النساء	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ إِنْ اللَّهِ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا	١٥٢
١٠٤	١٣	الحجرات	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ	١٥٣
٨٣	٢٨	النساء	يريد الله أن يخفف عنكم	١٥٤
٣٤	٢٨	النساء	يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا	١٥٥
٨٣	١٨٥	البقره	يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر	١٥٦
٣٤	١٨٥	البقره	يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ	١٥٧
١٢٢	٣٢	التوبه	يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ ... وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ	١٥٨
١١٥	١٠٦	آل عمران	يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌ	١٥٩

ب: فهرست احاديث:

شماره	حديث	صفحه
١	أَتْرَضُونَ أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ ؟ كَالشَّعْرَةِ السَّوْدَاءِ فِي جِلْدِ الثَّوْرِ الْأَحْمَرِ	٨٨
٢	أَتَيْتَ النَّبِيَّ ﷺ وَ فِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ ...	٤٤
٣	إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ .. وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ	٤٨
٤	أَعْطَيْتَ حِمْسًا لَمْ يُعْطِهِنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي... وَ بَعَثْتَ إِلَى النَّاسِ عَامَةً	٧٦
٥	أَعْطَيْتَ اللَّيْلَةَ حِمْسًا مَا أُعْطِيهِنَّ أَحَدٌ قَبْلِي " ... فِي كِنَائِسِهِمْ وَ بِيَعَهُمْ	٨٣
٦	أُعْطِيتُ مَا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ... وَ جَعَلْتَ أُمَّتِي خَيْرَ الْأُمَّمِ	٨٢
٧	أَفْضَلَ الْجِهَادِ مَنْ قَالَ كَلِمَةً حَقًّا عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ	٣٩
٨	أَلَا إِنَّكُمْ وَ قِيَّتُمْ سَبْعِينَ أُمَّةً، أَنْتُمْ آخِرُهَا وَ أَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ	١٢
٩	أَلَا هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ، أَلَا هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ، أَلَا هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ	٣٥
١٠	أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ، لَيْسَ عَلَيْهَا عَذَابٌ ... الْفِتْنُ وَالزَّلَازِلُ وَالْقَتْلُ	٨٥
١١	أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... وَ حَسَابُهُ عَلَى اللَّهِ	٦٩
١٢	أَنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لَهَا عَنِ الْخَطَا وَالنَّسِيَانِ وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ	٨٤
١٣	إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ مَشَارِقِهَا وَ مَغَارِبِهَا وَ سَيَلِغُ مَلِكُ أُمَّتِي مَا زَوَى لِي مِنْهَا	١٢٤
١٤	إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَجَارَ أُمَّتِي أَنْ تَجْتَمَعَ عَلَى ضَلَالَةٍ	٨٥
١٥	إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُيْبَةَ الْجَاهِلِيَّةِ أَنْتُمْ بَنُو آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ	١٠٥
١٦	إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَنِيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ شَبَّكَ أَصَابِعُهُ	١٠٦
١٧	إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَنِيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ شَبَّكَ أَصَابِعُهُ	٦٣
١٨	إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ	٩٧
١٩	إِنَّ خَيْرَ دِينِكُمْ أَيْسَرُهُ، إِنْ خَيْرَ دِينِكُمْ أَيْسَرُهُ، إِنْ خَيْرَ دِينِكُمْ أَيْسَرُهُ	٣٤
٢٠	إِنَّ قَتْلَ الْمُؤْمِنِ كُفْرٌ وَإِنْ سَبَّابُهُ فَسْقٌ	٦٣
٢١	إِنَّ هَذَا الدِّينَ يُسْرٌ فَأَوْعِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ	٣٤
٢٢	أَنْتَ فِتْنَانٌ أَنْتَ فِتْنَانٌ	٤٨

٢٣	أنتم تتؤمنون سبعين أمة، أنتم خيرها و أكرمها على الله
٢٤	إِنَّكُمْ أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمْ الْيُسْرَ
٢٥	إنما مثلكم ومثل اليهود والنصارى كرجل استعمل... قال: فإنه فضلي أعطيه
٢٦	أَنَّهُ كَانَ عَذَابًا يَبْعَثُهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ، ... إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ
٢٧	أهم يأتون يوم القيامة غراء محجلين من آثار الوضوء
٢٨	إني لأقوم في الصلاة و أنا أريد أن أطول فيها... فأتجاوز كراهة أن أشق على أمه
٢٩	إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْغُلُوِّ فِي الدِّينِ
٣٠	تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ... لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى
٣١	تفترق هذه الأمة ثلاثة وسبعين فرقة كلها... ما أنا عليه اليوم و أصحابي
٣٢	تفترق هذه الأمة ثلاثة وسبعين فرقة كلها... ما أنا عليه اليوم و أصحابي
٣٣	تكون النبوة فيكم ما شاء الله ان تكون... ثم تكون خلافة على منهاج النبوة
٣٤	تَلَزَمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ
٣٥	حَتَّى تَأْخُذُوا عَلَى يَدِ الظَّالِمِ فَتَأْطُرُوهُ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا
٣٦	الدين النصيحة قالوا لمن يا رسول الله قال... أو المؤمنين ولعامتهم
٣٧	سألت ربي أن لا يجمع أمتي على ضلالة، فأعطانيها
٣٨	سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ... وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنْعَنِهَا
٣٩	سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ
٤٠	سيد الشهداء حمزة بن عبد المطلب و رجل... جائر فأمره و نهاه فقتله
٤١	صَبْرًا آلَ يَاسِرٍ فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةَ
٤٢	غَزَوْنَا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ... رَجُلٌ لَعَابٌ فَكَسَعَ أَنْصَارِيًّا فَعَضَبَ... دَعُوها فَإِنَّهَا خَبِيثَةٌ
٤٣	فإنه من يعيش منكم فسيري اختلافاً كثيراً فعليكم بسنتي و... من بعدي
٤٤	فُضِّلْنَا عَلَى النَّاسِ بِثَلَاثٍ... وَجُعِلَتْ تُرْبَتُهَا لَنَا طَهْرًا، إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ
٤٥	كَانَ الَّذِي يَشْرَبُ الْحَمْرَ فِي عَهْدِ... يَضْرِبُ يَدَهُ بِأَيْدِيهِمْ وَنَعَالِهِمْ وَيَصْكُوئُهُ
٤٦	كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ؛ مَالُهُ، وَعَرَضُهُ، وَدَمُهُ
٤٧	لا تزال طائفة من أمتي ظاهرين على الحق... حتى يأتي أمر الله وهم كذلك
٤٨	لا تزال طائفة من أمتي علي الحق ظاهرين... أمر الله تبارك وتعالى وهم علي ذلك
٤٩	لا تزال عصاية من أمتي يقاتلون على أمر الله... حتى تأتيهم الساعة وهم على ذلك
٥٠	لَا يَجِلُّ لثَلَاثَةٌ يَكُونُونَ بِفَلَاحٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَمْرُوا عَلَيْهِمْ أَحَدُهُمْ
٥١	لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه
٥٢	لست كهيتتكم إني يطعمني ربي و يسقيني
٥٣	اللهم ربنا و رب كل شيء وملكه... أنا شهيد أن العباد كلهم إخوة

٥١	اللهم كفر ذنبه وطهر قلبه وحصن فرجه	٥٤
١٠٨	مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي	٥٥
٨٦	ما حسدتكم اليهود على شيء ما حسدتكم على السلام والتأمين	٥٦
٦٣	الْمُتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي لَهُمْ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ يَغْبِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ	٥٧
٩٣	مثل المدهن والواقع في حدود الله ... نجا ونجوا وان تركوه هلك وهلكوا	٥٨
٦٤	مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ .. تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى	٥٩
١٠٦	مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ ... تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ	٦٠
٦٥	المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه	٦١
٣٩	مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ	٦٢
١٠٥	مَنْ ادَّعَى دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مِنْ جُنَا جَهَنَّمَ .. وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ قَالَ وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ	٦٣
٩٣	مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ ... وَذَلِكَ أضعفُ الإيمان	٦٤
٩٨	من لم يهتم بأمر المسلمين فليس منهم و ... لعامة المسلمين فليس منهم	٦٥
٦٩	من مات و هو يعلم أن لا إله إلا الله دخل الجنة	٦٦
١٠٢	من مات ولم يغزو ولم يحدث نفسه بالغزو مات على شعبة من النفاق	٦٧
١١٧	من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية	٦٨
٨٤	نحن الآخرون السابقون يوم القيامة، بيد أنهم ... غداً والنصارى بعد غد	٦٩
	و أحل لنا كثيراً مما شدد على من قبلنا، ولم يجعل علينا من حرج	٧٠
٧٦	والذي نفس محمد بيده لا يسمع بي رجل ... ثم لا يؤمن بي إلا دخل النار	٧١
٩٢	والذي نفسي بيده لتأمرن بالمعروف ولتنهون ... ثم تدعونه فلا يستجاب لكم	٧٢
٨٧	وددت أنا قد رأينا إخواننا " قال له أصحابه... إنهم يأتون غراً محجلين من الوضوء	٧٣
٥٠	وما رأيت أسرع في مشيته .. إنا لنجهد أنفسنا وإنه لغير مكترث	٧٤
١٠٦	وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ ... يَدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ أَوْ يَنْصُرُ عَصَبَةً فَقَتِلَ فَقَتَلَهُ جَاهِلِيَّةٌ	٧٥
١٠٤	يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ أَلَا ... عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى	٧٦
٨٨	يدخل الجنة من أمي سبعون ألفاً بغير حساب	٧٧
٣٥	يَسْرًا وَلَا تُعَسِّرًا وَبَشْرًا وَلَا تُنْفِرًا وَتَطَاوَعًا وَلَا تَحْتِلِفًا	٧٨
٤١	يوشك ان تداعى عليكم الأمم قال حب الحياة وكرهية الموت	٧٩

ج: فهرست اعلام:

شماره	اعلام	صفحه
١	أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى	٢٦
٢	أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي	١٢
٣	أبو المظفر طاهر بن محمد الأسفراييني	٩٣
٤	أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلَامَةَ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْأَزْدِيِّ، الْحَجْرِيُّ، الْمِصْرِيُّ، الطَّحَاوِيُّ، الْحَنْفِيُّ	٤٩
٥	أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي الحاربي	١٣
٦	أبو هريرة الدوسي اليماني	٥٢
٧	أبي عبد الله محمد بن إدريس الشافعي	١٠٠
٨	أبي قتادة رضي الله عنه	٣٩
٩	أحمد بن سعد حمدان الغامدي	٤٨
١٠	أحمد بن صالح المصري ، أبو جعفر ابن الطبري	٩
١١	أحمد بن علي بن محمد الشهير بابن حجر الكنايني العسقلاني الأصل، المصري المولد والمنشأ، الشافعي.	٧٢
١٢	أرسطو طاليس يا أرسطاطاليس	٣٦
١٣	استاد عباس محمود عقاد	٦٤
١٤	أسعد بن سهل بن حنيف الأنصاري المدني ، أبو أمامة	٤٢

١٥	الإمام الحافظ محيي الدين يحيى بن شرف بن مرا بن حسن، أبو زكريا الحزامي النووي	٦
١٦	بلال بن رباح القرشي النيمي أبو عبد الله و يقال أبو عبد الرحمن و يقال أبو عبد الكريم و يقال أبو عمرو المؤذن مولى أبي بكر	٥١
١٧	ثوبان بن بُجْدُدْ، مولى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم	١٠١
١٨	جان ديون پورت	٤٠
١٩	دكتور يوسف قرضاوى	٦٣
٢٠	الرَّاعِبُ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْأَصْبَهَانِيِّ	٦
٢١	سلمان الفارسي أبو عبد الله، ومولى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم	٥١
٢٢	سيد قطب بن إبراهيم	٢٤
٢٣	شهاب الدين محمود ابن عبد الله الحسيني الألويسي	٦٢
٢٤	شهيد حسن البنا	٦١
٢٥	شيخ حافظ الحكمي	٩١
٢٦	صهيب رومي، صهيب الرومي، أبو يحيى،	٥١
٢٧	عايشه رضي الله عنها	٣٩
٢٨	عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك القشيري	١٣
٢٩	عبد الله ابن عباس بن عبد المطلب بن هاشم	١٠
٣٠	عبد الله بن عمر رض	٧٢
٣١	عُبَيْدُ بْنُ عُمَيْرٍ	٤٢
٣٢	علي أبو الحسن بن عبد الحي بن فخر الدين الندوي	٣٣
٣٣	عمر بن الخطاب رضي الله عنهم	١٠

١٠٣	فتروجرد	٣٤
٥٦	محمد عبده بن حسن خير الله	٣٥

مصادر ومراجع

- ١- القرآن الكريم.
- ٢- أثر العقيدة الإسلامية في تضامن و وحدة الأمة الإسلامية، أحمد بن سعد حمدان الغامدي، الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة.
- ٣- الأدب المفرد، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٩ - ١٩٨٩، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، عدد الأجزاء: ١.
- ٤- إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية مصر، الطبعة: السابعة، ١٣٢٣ هـ.
- ٥- أسباب النزول، أبو الحسن علي بن أحمد النيسابوري. الناشر: مؤسسة الحلبي وشركاه للنشر والتوزيع.
- ٦- الأمة الوسط والمنهاج النبوي في الدعوة إلى الله، عبد الله بن عبد الحسن التركي، الطبعة: الأولى، الناشر: وزارة الشئون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، المملكة العربية السعودية، تاريخ النشر: ١٤١٨ هـ.
- ٧- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي، تحقيق مجموعة من المحققين، الناشر دار الهداية.
- ٨- التبصير في الدين وتمييز الفرقة الناجية عن الفرق الهالكين، طاهر بن محمد الأسفراييني، أبو المظفر (المتوفى: ٤٧١ هـ)، الخقق: كمال يوسف الحوت، الناشر: عالم الكتب - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.
- ٩- التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي، عبد القادر عودة، الطبعة الثالثة ١٣٨٣ هـ - ١٩٦٣ م، مطبعة المدني بمصر.
- ١٠- التعريفات، علي بن محمد بن علي الجرجاني، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٥ تحقيق: إبراهيم الأبياري، عدد الأجزاء: ١.
- ١١- تفسير أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ١٢- تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري.

- ١٣ - تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم
الدمشقي، المحقق: محمد حسين شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون
- بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٩ هـ.
- ١٤ - تفسير غمونه، آيت الله مكارم وديگران، چاپخانه اميرالمومنين، ناشر: دارالكتب الاسلامية،
تهران ١٣٨١.
- ١٥ - التقرير والتحرير في علم الأصول، ابن أمير الحاج، الناشر دار الفكر، سنة النشر
١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، مكان النشر بيروت.
- ١٦ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري
النيسابوري، الناشر: دار الجليل بيروت + دار الأفق الجديدة - بيروت، عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء
في أربع مجلدات.
- ١٧ - الجامع الصحيح سنن الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، الناشر: دار
إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، عدد الأجزاء: ٥.
- ١٨ - الجامع الصحيح، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله، حسب ترقيم
فتح الباري، الناشر: دار الشعب - القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.
- ١٩ - الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح
الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب
المصرية، القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م.
- ٢٠ - الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، محمد بن فتوح الحميدي، عدد الأجزاء / ٤، دار
النشر / دار ابن حزم - لبنان/ بيروت - ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م، الطبعة: الثانية.
- ٢١ - جماعت های اصلاحی، تالیف: جمعی از علماء، ترجمه: مومن حکیمی، ناشر: انتشارات
حامد رسالت ١٣٩٧، ٥/.
- ٢٢ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ناشر: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران،
١٩٣/١٣٨٠.
- ٢٣ - دائرة المعارف فارسی، غلام حسین مصاحب، چاپخانه سپهر، مؤسسه انتشارات امیرکبیر،
چاپ سوم ١٣٨٣.
- ٢٤ - الرسالة الحمديه، علامه سليمان الندوی، چاپ دوم، دمشق.
- www.ahlalhdeeth.com
- ٢٥ - روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، شهاب الدين محمود ابن عبد الله الحسيني
الألوسي، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، محمود الألوسي أبو الفضل، الناشر:
دار إحياء التراث العربي - بيروت، عدد الأجزاء: ٣٠.
- ٢٦ - زهرة التفاسير، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة، دار النشر: دار
الفكر العربي، عدد الأجزاء: ٢.

- ٢٧- سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، الناشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي.
- ٢٨- سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، عدد الأجزاء: ٤، مصدر الكتاب: وزارة الأوقاف المصرية وأشاروا إلى جمعية المكنز الإسلامي.
- ٢٩- سنن البيهقي الكبرى، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي، الناشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، ١٤١٤ - ١٩٩٤، تحقيق: محمد عبد القادر عطا.
- ٣٠- سنن الدارقطني، علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٨٦ - ١٩٦٦.
- ٣١- شرح السنة، الحسين بن مسعود البغوي [٤٣٦هـ - ٥١٦هـ]، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمد زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - دمشق - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.
- ٣٢- شرح العقيدة الطحاوية، عبد الرحيم بن صمايل العلياني السلمي، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية.
- ٣٣- شرح مشكل الآثار، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوي، تحقيق شعيب الأرنؤوط، الناشر مؤسسة الرسالة، سنة النشر ١٤٠٨هـ - ١٩٨٧م، مكان النشر لبنان/ بيروت، عدد الأجزاء ١٥.
- ٣٤- شعب الإيمان، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الحُسْرُو جَرْدِي الخراساني، أبو بكر البيهقي، حققه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: الدكتور عبد العلي عبد الحميد حامد، أشرف على تحقيقه وتخرجه أحاديثه: مختار أحمد الندوي، صاحب الدار السلفية بيومباي - الهند، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية بيومباي بالهند، الطبعة: الأولى، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م.
- ٣٥- الصحاح، تاج اللغة وصحاح العربية، إسماعيل بن حماد الجوهري، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الرابعة ١٤٠٧هـ - ١٩٨٧م.
- ٣٦- صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، عدد الأجزاء: ١٨.
- ٣٧- عبادت در اسلام، دكتور يوسف قرضاوي، ترجمه: ستار خرقاني، نشر احسان، ١٣٧١، چاپخانه آرمان.
- ٣٨- العجالة في الأحاديث المسلسلة، علم الدين أبو الفيض محمد ياسين بن محمد عيسى الفاداني المكي، الناشر: دار البصائر - دمشق، الطبعة: الثانية، ١٩٨٥.

- ٣٩- غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري، الخلق: الشيخ زكريا عميرات، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٦ هـ.
- ٤٠- فتح الباري شرح صحيح البخاري، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي.
- ٤١- فتح البيان في مقاصد القرآن، أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي، عني بطبعه وقدم له و راجعه: خادم العلم عبد الله بن إبراهيم الأنصاري، الناشر: المكتبة العصرية للطباعة والنشر، صيدا - بيروت، عام النشر: ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
- ٤٢- فرهنگ ابجدی عربی به فارسی، ترجمه المنجد الابدی، مترجم: استاد رضا مهبیار، چاپ اول ١٣٧٠، چاپخانه لوحه، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران.
- ٤٣- فرهنگ اسلامی و پیامد های جهانی شدن؛ استراتژی فرهنگی جهان اسلام .
www.aqeedeh.com
- ٤٤- فرهنگ آندراج، محمد پادشاه متخلص به شاه، انتشارات کتابخانه خیام، تهران ١٣٥٥ خورشیدی.
- ٤٥- فرهنگ فارسی معین، داکتر محمد معین، چاپ اول ١٣٨٢، چاپ گلرنگ یکتا، مرکز پخش آرمان نو.
- ٤٦- فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ١٣٨١، چاپخانه سپهر.
- ٤٧- فی ظل القرآن الکریم، سید قطب، ترجمه داکتر مصطفی خرم دل، نشر احسان، چاپ پنجم، ١٣٩٣ چاپخانه مهارت.
- ٤٨- کند و کاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان، ابو الحسن علی الحسنی اندوی، ترجمه عبدالحکیم عثمانی، ناشر: احسان، نوبت چاپ: چهارم ١٣٩٥ چاپ مهارت .
- ٤٩- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری، الخلق: بکری حیانی - صفوة السقا، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الطبعة الخامسة، ١٤٠١ هـ/ ١٩٨١ م، مصدر الكتاب: موقع مكتبة المدينة الرقمية.
- ٥٠- لسان العرب، لسان العرب للامام العلامة ابی الفضل جمال الدین ممد بن مکرم ابن منظور الافریقى المصرى، نشر أدب الحوزة قم - ایران ١٤٠٥ هـ ١٣٦٣ ق.
- ٥١- لطائف الإشارات = تفسیر القشیری، عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملك القشیری، الخلق: إبراهيم البسيوني، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب - مصر، الطبعة: الثالثة.
- ٥٢- ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمين، علي أبو الحسن بن عبد الحي بن فخر الدين الندوي، الناشر: مكتبة الإيمان، المنصورة مصر، طبعة شرعية جديدة منقحة ومحقة ومزودة، عدد الأجزاء: ١.

- ٥٣- مجموع الفتاوى، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحاراني الحنبلي، الدمشقي، المحقق : أنور الباز عامر الجزار، الناشر : دار الوفاء، الطبعة: الثالثة ، ١٤٢٦ هـ / ٢٠٠٥ م.
- ٥٤- احرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي الحاربي، المحقق: عبد السلام عبد الشافي محمد، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤٢٢ هـ.
- ٥٥- المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠، عدد الأجزاء: ٤.
- ٥٦- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبد الله أبو عبد الله الحاكم النيسابوري، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا.
- ٥٧- مسند أبي حنيفة، أحمد بن عبد الله أبو نعيم الأصبهاني، المحقق: نظر محمد الفارياي، الناشر: مكتبة الكوثر - الرياض، الطبعة : الأولى .
- ٥٨- مسند الإمام أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، إشراف: د عبد الله بن عبد الحسن التركي، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٥٩- المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الهراي الأصبهاني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان - ١٤١٧ هـ الطبعة: الأولى.
- ٦٠- المصباح المنير، أحمد بن محمد بن علي الفيومي المقري، الناشر: المكتبة العصرية.
<http://shamele.ws>
- ٦١- معارج القبول بشرح سلم الوصول إلى علم الأصول، حافظ بن أحمد بن علي الحكمي، المحقق: عمر بن محمود، الناشر : دار ابن القيم، الدمام، الطبعة: الأولى، ١٤١٠ هـ - ١٩٩٠ م.
- ٦٢- المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ١٤١٥، تحقيق : طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، عدد الأجزاء: ١٠.
- ٦٣- المعجم الوسيط، إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، دار النشر: دار الدعوة، تحقيق / مجمع اللغة العربية.
- ٦٤- مفردات ألفاظ القرآن - نسخة محققة، الحسين بن محمد بن الفضل المعروف بالراغب الأصفهاني أبو القاسم، دار النشر / دار القلم - دمشق.
- ٦٥- الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، عدد الأجزاء: ٤٥ جزءا، الطبعة: (من ١٤٠٤ - ١٤٢٧ هـ) الطبعة الثانية، طبع الوزارة.

- ۶۶- نظام الحكم في الإسلام، الدكتور محمد يوسف موسى، الطبعة الثانية دار الكتاب العربي للطباعة والنشر بالقاهرة. ۱۸.
- ۶۷- نقش ایمان در زندگی، دكتور يوسف قرضاوى، ترجمه: فرزانه غفارى، محسن ناصرى، نشر احسان، ۱۳۸۰ چاپخانه مهارت.
- ۶۸- نقش اسلام در آینده بشر، عبدالله عزام، مترجم: محمد ابراهيم كيانى
www.aqeedeh.com
- ۶۹- النهاية في غريب الحديث والأثر، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى - محمود محمد الطناحي، عدد الأجزاء: ۵.
- ۷۰- ویژگیهای کلی اسلام، دكتور يوسف قرضاوى، ترجمه و نظارت: جليل بهرامى نيا، چاپ دوم ۱۳۸۶، چاپخانه مهارت.



خلاصة البحث

البحث الذي كتبه تحت عنوان: (الامة في القرآن) لنيل درجة الماجستير في جامعة سلام في كابل
يشتمل على:

الامة في اللغة: الطريقة والدين، وقد ورد هذا اللفظ اكثر من خمسين مرة في القرآن الكريم، بمعاني
مختلفة.

و في الشرع: جماعة تجمعهم الجهة المشتركة، من الدين أو العصر أو أرض، بصورة اختيارية كانت أو غير
اختيارية.

قد من الله على هذه الأمة لتكون رائدة البشرية كلها إلى الخير والشهادة عليها يوم القيامة ﴿وَكَذَلِكَ
جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ سورة البقرة / ١٤٣.

ولا شك أن الأمة الإسلامية خير الأمم على الاطلاق، فعليها أن تودى هذه الشهادة التي في ذمتها
أمام البشرية بعد الرسول صلى الله عليه وسلم. و هذه الأفضلية لها سببان: الإيمان بالله وحده والأمربالمعروف
والنهي عن المنكر، كما نطق به القرآن الكريم، فوجب عليها إعادة حساباتها وتربية جيل يستعيد قيادة البشرية
و إصلاح أموره في كل ميادين الحياة في ضوء الإسلام الذي جاءهم من عندالله (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) آل عمران/ ١١.

الأمة الإسلامية، ابتعثها الله مع اكمل الشرايع والدين القويم الذي ساد سائرالاديان التي قبله، لأداء
المسئولية الكبرى و بناء الحضارة الربانية وتحقيق الخيرية التي وصفت بها هذه الأمة.فعلينا جميعا أن ندرك
مميزات أمتنا ونتمسك بأصولها و نحافظ على قيمها. و هذه الميزات هي: الوسطية، الوحدة، الخيرية والشمولية
لجميع البشرية، فعلى الأمة أن تدرك واجبها كفرد أو أسرة أو مجتمعا و الأمربالمعروف و النهي عن المنكر و
تشديد القيم الأخلاقية والدينية، لأجل سلامة المجتمع وإصلاح الإجتماعي.

أن نقطة البدء في إصلاح الأمة لا يجوز أن تكون في ناحية واحدة ولكنها يجب أن تبدأ من جميع
النواحي، وإن الإصلاح يجب أن يكون دعوة عامة تسري في الأمة جميعها سريان الدم من القلب في جميع
الأعضاء لتتحيا الأمة كلها.

الوحدة الإسلامية كحل ناجع لغالب ما يعيشه المسلمون في العصر الحاضر، من تشرد و تخلف و تبعية،
فريضة شرعية. لأن الوحدة تشكل القوة التي تتضمن الله تعالى به الحياة الكريمة للأمة، فهي الوسيلة الوحيدة

للعز والنصر والتمكين للأمة الإسلامية في الأرض. ولما كان أمر الوحدة الإسلامية، والأخوة الدينية فريضة شرعية، أصبح لازماً علينا أن نسعى في سبيل تحصيل هذه الوحدة وتثبيت أركانها، وإقامة بنائها. الدفاع عن الأمة الإسلامية مسئولية الجميع، كل بحسب قدراته، اشخاص و افراد و جماعات و عندما تتظافر الجهود، وترسم الخطط وتحدد الأهداف والوسائل، يتحقق الآمال باذن الله و ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (الروم : ٤) يفرح المؤمنون بالنصر والتمكين.

من سمات الأمة الإسلامية : هي أفراد القدوة في النبي محمد صلى الله وسلم دون سواه، لأنه النبي والرسول والأمام والقائد والمعلم الذي ارتضاه الله لها قدوة ، كما قال تعالى : ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (الأحزاب : ٢١) ، فطاعته من طاعة الله تعالى وهذه القدوة والأسوة يجب أن تكون في جميع مناشط الحياة من عبادة وسياسة واقتصاد واجتماع وغيرها.

من مقومات الأمة : العزة والحمية الإيمانية القوية ، اذ إن الأمة المنبوعة من أطماع الآخرين وبطشهم ، هي الأمة التي حرمت على نفسها الجبن والخور، وامتلات قلوب أفرادها بالعزة والشجاعة والحمية الإيمانية ، المقرونة بأسباب القوة المادية والمعنوية، والتي ترخص الحياة عند أهلها إذا تعرضت لهوان .

اما واقع الأمة الإسلامية اليوم هو واقع اليم بسبب تدخل الاجانب في مقدرات الامة و جعلها تحت قيادات سفهاء الاحلام و عملاء للاستعمار الغربى على الدول الاسلامية ، ولا شك أن هذا الواقع الأليم المرير للأمة بسبب ترك الشريعة الاسلامية الذى لايقبل الذل والمهانة لأهله أبدا، ولا شك أنه لا يمكن الخروج من الواقع الحالي إلا بإعادة الوحدة و جمع شتات كلمة الأمة، وتوحيدها تحت راية واحدة و علم واحد وإمام واحد. ولا شك أن هذا المطلب الشرعي، و الفريضة الدينية من أولى الأولويات وأوجب الواجبات للامة الاسلامية، وأنه من باب ما لا يتم الواجب إلا به فهو واجب.

إن للأمة الإسلامية الحق الشرعي في اختيار من يحكمها وعزله، وفق مواصفات قرره الشرع للقيادات الاسلامية و هذا الحق تقرره النصوص الشرعية بوضوح تام.

نومل أن يكون هذا الجهد المتواضع نقطه البدء لإعادة المجد التليد والعزة المشودة للإسلام والمسلمين وأسأل الله عز وجل أن يجعل عملى هذا خالصا لوجهه الكريم، والله المستعان وعليه التكلان، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم. والحمد من قبل و من بعد لله رب العالمين.

Summary of the Research :

Abstract:

Ummah the word is called to path and faith that mentioned more than ٥٠ times in the Holy Quran, and the meaning is different according its usages.

According to term, Ummah is use for every mass and group that is companied by an abonnement, such as common religion, mono-era or period, or certain place, whether or not such company is optional.

Islamic Ummah that Allah (swt) named them the best ummah, is responsible for their testimony that must execute around the world.

Allah (swt) give them such position for their two characteristics (Faith on Allah, and invite for wellness and prohibit from evil); and following passing the way of prophets, they are responsible and liable for human's livelihood to be amended and proceeded.

Islamic Ummah, having the most exhaustive celestial sharia (jurisdiction) and the most righteous religion, succeeded the previous religions, and committed for leading the globe, thus this is vital for its followers that must know about their features, follow the rules, and protect the worthiness.

Islamic Ummah has features that don't have the followers of any other religions, and the common characteristics are: satisfactory, unity, felicity, universalness, and so on; that's why they are appointed as the best ummah. The major responsibility of this ummah as follow:

- Conducting huge function of invite for wellness and prohibit from evil, that lead to improvement of ethical norms, correctitude of society and social betterment; regarding this duty, every individual, family, society, and whole Ummah is responsible to commit such function.
 - Struggle to establish the unity and avoid separation or divorcement of ummah, since lack of unity of Muslims, the ummah will be vulnerable and nowadays is questionable.
 - After Muslims lost global leadership according to Islam because of spiritual and scientific downfall and simulation of idiotism traditions, Europe and West has gain the control and leadership of nations that challenging human being seriously, and has the potential of human deterioration; it should be sought accurate solution for this sort of worse situation, and such settlement is that Muslims should gain the power of human being leadership, and through its strong divine approach and human and universal rules rescue humanity deterioration and execute their own responsibility.
-



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer & Hdith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Ummah in the vision of qur'an

A Master's thesis

Student: Noorulhaq (Azizi)
Supervisor : Dr. Fasihullah Abdulbaqy

Year: ۲۰۱۹



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Ummah in the vision of qur'an

A Master's thesis

Student: Noorulhaq (Azizi)
Supervisor : Dr. Fasihullah Abdulbaqy

Year: 2019